

به نام خدا

فلسفه دفاع از دولت تدبیر و امید

مهدی شیرین پور

سرشناسه : شیرین پور، مهدی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور : فلسفه دفاع از دولت تدبیر و امید
/ مولف مهدی شیرین پور
مشخصات نشر : تهران : زیتون سبز، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۲۸-۱۳۰۰
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : روحانی، حسن، ۱۳۳۷ -
موضوع : روسای جمهور - ایران
موضوع : Iran — Presidents
موضوع : ایران — تاریخ — جمهوری اسلامی،
موضوع : Iran — History — Islamic Republic
رده بندی کنگره : DSR1۷۳۳ / کالف ۳ ۸۵۹۳۱
رده بندی دیویی : ۰۸۴۴/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۲۴۳۴۷



فلسفه دفاع از دولت تدبیر و امید

نویسنده: مهدی شیرین پور

صفحه آرا: آرش جلالی

طراح جلد: محدثه شیرین پور

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی: ماوراء

چاپ: زیتون سبز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۲۸-۱۳-۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است!
تکثیر یا تولید مجدد آن «کلا و جزنا»، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است.

تقدیم به

روح بلند امیرکبیر مظلوم ایران
حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

و

رئیس جمهور محترم و محبوب ایران
جناب دکتر حسن روحانی

فهرست

مقدمه ۱۱

سخنی با خوانندگان ۱۴

فصل اول:

طلوع فجر امید ۱۷

طرح موضوع و ضرورت بحث ۱۹

مروری بر روند انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری ۲۲

فجر امید روحانی بر بام تاریکی‌ها ۲۵

یاد و خاطره‌ی انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲ ۲۹

اصالت روحانی ۳۱

تحصیلات دانشگاهی و مدارج علمی: ۳۵

تحصیلات حوزوی: ۳۵

آثار و تألیفات دکتر روحانی: ۳۵

فصل دوم:

ماهیت و اهداف دولت روحانی ۳۹

کابینه‌ی مورد وثوق و با تجربه ۴۱

عملکرد فراجنبی دولت ۴۳

هنر جذب و همراهی ۴۶

رشد و توسعه‌ی اصولی کشور ۴۷

زدودن مشکلات ملت ۵۰

فصل سوم:

- گفتمان و ظرفیت روحانی..... ۵۳
- اهتمام به قانون و مقررات ۵۵
- گفتمان مطلوب روحانی ۵۷
- عامل وحدت و محور تجميع ۶۰
- برنتابیدن تندروی‌ها و افراطی‌گری‌ها ۶۳
- روحانی و انتخابات سال ۸۸..... ۶۶

فصل چهارم:

- روحانی و ارزش‌های انقلاب..... ۶۹
- روحانی و دفاع از رهبری نظام ۷۱
- روحانی و ۹ دی ۷۴
- روحانی و تفکر بسیجی ۷۶
- روحانی و سپاه پاسداران..... ۷۸
- روحانی و هماهنگی بین قوا..... ۸۰

فصل پنجم:

- عقلانیت و منطق روحانی ۸۳
- روحانی و منطق برد- برد..... ۸۵
- روحانی و جایگاه انتقاد از دولت ۸۹
- روحانی و انتخابات ایده‌آل ۹۰
- جهت‌گیری سیاسی روحانی..... ۹۳
- روحانی و آزادی‌های سیاسی..... ۹۵

فصل ششم:

- کارشکنی‌های مخالفین علیه دولت ۹۹
- آن را که حساب پاک است ۱۰۱
- شناسایی مخالفین دولت! ۱۰۳
- ذهنیت منفی آماده‌ی ضد دولتی! ۱۰۵
- کنسرت‌ها؛ جبهه‌ای علیه‌ی دولت ۱۰۸
- نغمه‌ی ناساز کنسرت‌ها! ۱۱۲
- تبعات کم‌توجهی به هنر و جوانان ۱۱۳

فصل هفتم:

- روحانی در آینده متقدمان و نخبگان..... ۱۱۹
- روحانی متأثر از چه کسانی است؟..... ۱۲۱
- روحانی از منظر هاشمی ۱۲۵
- نظر برخی از نخبگان در خصوص دولت تدبیر و امید روحانی..... ۱۲۸
- خلاصه‌ی چند نظر ۱۳۴
- روحانی و دستاوردهای برجام..... ۱۳۸

فصل هشتم:

- باید و نباید های انتخاب ۱۴۵
- مفاسد اقتصادی از نگاه روحانی ۱۴۷
- دولت متأثر را؛ چاره چیست؟! ۱۶۴
- وقتی که نقد هست؛ نسیه چرا؟! ۱۶۹
- آخرین توصیه‌های هاشمی به ادامه دولت روحانی..... ۱۷۱
- چکیده..... ۱۷۶
- نتیجه گیری..... ۱۸۵
- منابع ۱۹۰

مقدمه

به انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران نزدیک می‌شویم. تنور انتخابات، آرام آرام در حال گرم شدن است. بحث، تبادل نظر، گفت‌وگوها و ارزیابی‌ها پیرامون عملکردها و شناسایی کاندیداها و به طور کلی، پیش‌بینی سرنوشت دولت دوازدهم در محافل سیاسی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در حال آغاز شدن است. انتخابات ریاست جمهوری در هر حال، زیبایی‌ها و جاذبه‌های خاص خودش را دارد، به ویژه در کشور ما که دموکراسی رنگ و بوی انقلابی نیز بخودش می‌گیرد و به عبارتی، دارد دموکراسی را تجربه می‌کند.

به دلیل فقدان احزاب قوی و فراگیر در کشور، فرایند انتخابات به طور کلی با آسیب‌هایی روبروست. از آسیب‌های عمده‌ی این شرایط، موج‌سواری برخی از کاندیداها، مجلس و ریاست جمهوری است. انتخابات، در هر صورت برای انتخاب‌کنندگان، عرصه‌ی دغدغه، تیزبینی، دقت و هوشیاریست که بتوانند بهترین شانس و انتخاب را داشته باشند. احزاب همانند شرکت‌ها و برنده‌های معتبر اصولاً در صددند تا محصولات خودشان را ضمن معرفی، تضمین و اصطلاحاً گارانتی کنند و در قبالش نیز؛ پاسخگو باشند. در خلاء احزاب رسمی، چه بسا اشخاص نه چندان با صلاحیت، فرصت‌طلبانه با انواع دسیسه‌های تبلیغی فریبنده، خودشان را موجه و مثبت جلوه دهند و با عوامفریبی و موج‌سواری، آراء مردم را به خودشان اختصاص بدهند، بدون اینکه دارای صلاحیت و پاسخگوی کسی باشند.

این که هر رییس جمهوری می‌تواند به صورت دو دوره‌ی متوالی در انتخابات شرکت کند و حق انتخاب شدن داشته باشد، پشتوانه‌ی منطقی و اصولی‌ای دارد. اگر خوب کار کرد و عملکرد مثبت و قابل قبولی داشت که مجدداً انتخاب می‌شود و در غیر این صورت، مسلماً مردم دیگر اقبالی به

او نخواهند داشت. با توجه به اینکه، چهار سال برای موفقیت یک دولت، زمان زیادی نیست، اگر در راستای دولت قبل خودش نیز نباشد که مزید بر علت است؛ چون باید مدت زیادی را به «بازسازی» پردازد و اوضاع را سر و سامان بدهد که بتواند بهتر کار کند. دولت قدیم فرضاً، سازمانی را که مرکز ثقل تصمیم‌گیری بوده، مثل «سازمان برنامه و بودجه» را منحل می‌کند و اصطلاحاً، کشور «شخم زده» و نابسامانی را تحویل دولت جدید می‌دهد. با این حساب، دولت جدید، کار آسانی نخواهد داشت و یقیناً باید به او، مهلت بیشتری داد تا بتواند برنامه‌هایش را پیش ببرد و به اهدافش برسد.

اگر تا حدودی به تحركات و اخبار سیاسی این روزها، تأمل و اندیشه کنیم، قرائن و شواهد امر بخوبی نشان می‌دهد که برخی، «تک دوره‌ای کردن دولت تدبیر و امید» را کلید زده‌اند! در شرایطی که اغلب صاحب نظران و کارشناسان منصف در داخل و خارج کشور، هم‌رأی و همراه با اکثریت ملت فهیم ایران معتقدند که دولت تدبیر و امید مبتنی بر سه اصل «واقع‌گرایی، عقلانیت و قانونگرایی» موفق شده است که قطار از خط خارج شده دولت را به ریل اصلی‌اش هدایت نموده و علیرغم مواجه شدن با برخی از کم‌لطفی‌ها، کارشکنی‌ها و حسادت‌های سیاسی داخلی و خارجی، توانسته است که «امید» را به جامعه بازگردانده و همچنان صادقانه و شجاعانه سعی و تلاش وافر دارد که به همه‌ی وعده‌ها و قول‌های انتخاباتی‌اش عمل کند و پس از بازسازی خرابی‌های گذشته که به زعم بسیاری از صاحب نظران، حداقل ۸ سال زمان می‌طلبید که کشور را به قبل از دولت دهم برگرداند! فونداسیون درست و محکمی را جهت رشد و تعالی کشور، طرح ریزی کرده است.

نگارنده با دغدغه‌ی تأمین منافع ملی، آرمان‌های انقلاب، نظام و مردم و تأمین اهداف رهبر معظم انقلاب، معتقد است که دولت روحانی در ریل و خط درستی قرار گرفته است و چهار سال اول با تحمل همه‌ی مشکلات و سختی‌ها؛ دوره‌ی بازسازی و ریل‌گذاری بوده و در چهار سال دوم است

که طبعاً باید، شاهد گشایش‌ها و میوه‌چینی‌ها و ثمرات متعدد سیاسی و اقتصادی دولت‌ش باشیم.

بناست که این موضوعات مطروحه، سلسله دفاعیات اقناعی، مستدل و متقنی از ریاست جمهوری دوره‌ی یازدهم دکتر حسن روحانی باشد و بدیهی است که در این راستا، حامیان دولت تدبیر و امید، بیش از پیش احساس مسوولیت خواهند کرد. حامیان و هوادارانی که غالباً از اندیشمندان، اصحاب فکر و رسانه، اساتید، دانشجویان، روشنفکران، نخبگان، فرهیختگان، صاحب نظران، پژوهشگران،... جامعه و کشورند و می‌دانند که خدای ناکرده، از مسامحه و غفلت‌شان، چه بسا دگربار، گرفتار پسرفت، واپسگرایی، عقبگرد و عوام‌گرایی و یا پوپولیسم سیاسی شویم.

سپاسگزاری:

از کلیه‌ی دوستان عزیز و ارجمندی که طی مراحل مختلف آماده‌سازی این کتاب بنده را یاری نمودند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم؛ مصطفی سیفی زاده، یاسر کرم زاده هفتخوانی، خانم معصومه حسین زاده، رزاق امیدی، فاضل فاضل نیای فومنی، همسر گرامی بنده و دخترم — محدثه شیرین پور.

والسلام علی من التبع الهدی

مهدی شیرین پور

تهران - اسفند ماه ۱۳۹۵

سخنی با خوانندگان

خواننده‌ی عزیز!

مشارکت در روند توسعه‌ی سیاسی و انتخاب آگاهانه و آزادانه‌ی شما در انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو و انتخاب یک شخصیت فرهیخته‌ی جامع‌الشرایط برای سکنداری اجرایی کشور، گامی مهم و تأثیرگذار در تعیین سرنوشت خودتان به حساب می‌آید. نقش مدیریت عالمانه و توانا بر کسی پوشیده نیست. «مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان ما را به نقش و تأثیر مدیریت در ارتقاء و یا انحطاط ملت‌ها واقف می‌گرداند. چه بسیارند ملت‌هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه‌های مساعد فکری و مایه‌های غنی فرهنگی، هیچ کمبودی نداشتند، ولی به خاطر نداشتن مدیری مدبر و رهبری آگاه که بتواند با برنامه‌ریزی صحیح و سازماندهی محکم، از نیروهای موجود در جهت هدف استفاده کند، در سراشیبی سقوط و شکست قرار گرفته‌اند و در مقابل؛ ملت‌هایی [نیز] بوده‌اند که با ظهور انسانی شایسته که رهبری و مدیریت آن ملت را برعهده گرفته و با سازماندهی و بسیج نیروها، از کمترین امکانات، بزرگ‌ترین افتخارات را به دست آورده است.» (۱)

خوشبختی یا بدبختی فرد یا جمع در گرو انتخاب‌هایی است که در طول زندگی انجام می‌دهد؛ انتخاب دوست، همسر، رشته‌ی تحصیلی، محل زندگی و شغل و... «رفتارهای انتخاباتی در عرصه‌ی انتخابات، یک کنش اجتماعی محسوب می‌شوند. هر فرد نوعی، حق دارد دغدغه داشته باشد که رفتار انتخاباتی فلانی چگونه خواهد بود؟ آیا آگاهانه رأی خواهد داد؟ آیا آزادانه رأی خواهد داد؟ آیا قوه‌ی شناخت‌کاندیدای اصلح را دارد؟ یا اصلاً بی تفاوت است و برایش فرقی ندارد که چه کسی در انتخابات، وارد و یا پیروز می‌شود؟! یعنی زندگی من بستگی به تو دارد که به چه کسی رأی خواهی داد.» (۲) بنابراین، ضرورت دارد که دقت، هوشیاری و وسواس به خرج داده

و حساس باشیم که سرنوشت اجرایی کشور را بدست چه کسی می‌سپاریم. در پاسخ به نغمه‌های ناامیدی که ساز شده باید اذعان کرد دولتی که گره‌های چند لایه‌ی پیچ در پیچ لاینحل مذاکرات هسته‌ای و تحریم‌ها را با تدبیر و عقلانیت باز کرده؛ به آینده‌اش مسلما باید امیدوار بود.

در پاسخ به چرایی تدوین و نگارش اثر «فلسفه‌ی دفاع از دولت تدبیر و امید»، باید اذعان کرد که نگارنده بدون هیچ‌گونه چشمداشت مادی، سیاسی و جناحی، اساسا با رویکرد آسیب شناسی و روشنگری، دلسوزانه و واقع‌گرایانه، در راستای حق‌جویی، حق‌جویی و مبتنی بر عرق و تعصب مذهبی، انقلابی و ملی، و صرفا جهت خیرخواهی عمومی، تأمین مصالح و منافع ملی، حسب وظیفه‌ی دینی، سیاسی و انقلابی مبادرت به این کار نموده که غایتا، سربلندی ایران عزیز و سعادت‌مندی ملت نجیب ایران را آرزومند است.

جامعه‌ی هدف و مخاطب ما در این کتاب، قشر خاصی از جامعه نیستند، بلکه آحاد و عامه‌ی مردم ایران هستند که معمولا در انتخابات‌ها شرکت می‌کنند، از کم سواد الی بالاترین سطح؛ کسی که پنج کلاس سواد دارد تا دکترا. لذا سعی شده با بکارگیری از تمثیل‌ها و عبارات ساده، مرجع قابل فهمی برای استفاده‌ی عموم مردم ایران باشد.

و کلام آخر!

شاگرد و دانشجویی به شدت محتاجم که در محضر سروران و اساتید گرام، تلمذ کرده و افتخار دارم که از دریای معرفت‌شان، کسب فیض نمایم. نوشتار حاضر را تقدیم می‌کنم به همه‌ی کسانی که دل در گرو اسلام، انقلاب، کشور، ملت و نظام دارند، دلباخته‌ی حقایقند و بنا دارند با بصیرت و عقلانیت سیاسی خود در فرایند انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، به طور کیفی و کمی مثمرتر باشند. از همه‌ی عزیزانی که با منت‌گذاری بر حقیر، نگاه و توفیق بر اثر خواهند داشت، به ویژه از اساتید معظم، صاحب‌نظران، دانشجویان و اصحاب قلم و رسانه، استدعای عاجزانه دارم که از اعلام نکات و نقطه نظرات، پیشنهادی، انتقادی و اصلاحی خود دریغ نفرمایند که بدون تردید مورد استفاده و بهره برداری قرار خواهد گرفت.

www.shirinpour.com

shirinpourm@yahoo.com

shirinpourmahdi@gmail.com

منابع:

۱. تقوی دامغانی سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل ۱۳۷۸ ص ۵۷
۲. شیرین پور مهدی، آسیب شناسی انتخابات مجلس، کرج: انتشارات پرهیب، ۱۳۹۴ ص ۱۱۴

فصل اول:
طلوع فجر امید

طرح موضوع و ضرورت بحث

اصولا چه لزوم و ضرورتی برای دفاع از دولت تدبیر و امید وجود دارد؟ چرا باید از دولت روحانی دفاع کرد؟ فلسفه‌ی دفاع از دولت تدبیر و امید؟... و سوالاتی از این قبیل که معمولا در آستانه‌ی فرارسیدن ایام انتخابات در افکار و اذهان عمومی شکل می‌گیرد. از نظر نگارنده حداقل دو دلیل عمده عبارتند از: ۱. خنثی سازی تخریب‌ها و شائناژهای تبلیغی مخالفان سیاسی خصوصا مقابله با پروژه‌ی ناامیدسازی مردم که برخی از مخالفان روحانی از ابتدای دولت وی کلید زده اند، ۲. اثبات جوانب مثبت، واجد شرایط بودن و معرفی بیشتر و بهتر کاندیدای مورد نظر و مورد وثوق خودمان و غایتا هدف؛ روشنگری و شناساندن هر چه بهتر روحانی به ملت شریف و آزاده‌ی ایران است که در پرتو آن، به انتخاب آگاهانه و آزادانه‌ی خوبی دست پیدا کنند.

فرق است بین منتقد و مخالف. منتقدی که دلسوزانه و منصفانه با نیت و قصد خیر و اصلاح، آرزوی سعادت و بهروزی دارد، «منتقد مصلح» نامیده می‌شود که در تقابل با «منتقد منتقم» قرار دارد که قصد انتقام و دشمنی

دارد. مخالف نیز دو وجه دارد؛ «مخالف مصلح» و «مخالف منتقم» که به عبارتی؛ همان جنبه‌های مثبت و منفی ابراز مخالفت است. مخالف مصلح که معمولا در مجالس قانون‌گذاری، احزاب، شوراها، اصناف و امور و گروه‌های تخصصی دیگر، نقش و کاربرد دارد. مخالف منتقم، به قصد از صحنه بدرکردن و چه بسا در شرایطی، تا نابودی طرف مقابل نیز پیش می‌رود! ریشه‌ی مخالفت‌ها غالبا به جهالت، غفلت و حسادت برمی‌گردد و حسادت‌ها نیز نهایتا به عناد و دشمنی منجر می‌شود. اصولا شرط اثرگذاری و موفقیت در مخالفت‌ها و انتقادات سیاسی آن است که از جاده‌ی واقع بینی، حق و انصاف خارج نشویم. زیبا کلام تصریح می‌کند: «حملاتی که به دولت روحانی شده و می‌شود به هیچ وجه به دولت احمدی نژاد نمی‌شد و تا سال آخر دولت دهم، رئیس جمهور وقت هیچ نگرانی از بابت انتقادات نداشت چرا که همین جریاناتی که امروز در قامت منتقد به دولت حمله می‌کنند در دولت احمدی نژاد در قامت مدافع به منتقدان حمله می‌کردند.» (۱)

از رفتار و سخنان روحانی چنین برمی‌آید که وی در صدد است فارغ از احزاب و جناح بندی‌های سیاسی با مشارکت جمعی، هم‌افزایی و همگرایی بیشتر، به تأمین منافع ملی برسد و لذا اصرار به دولت فرا جناحی دارد و تأکید می‌کند که: «نه دولت ما، جناحی است و نه رئیس جمهور. دولت تدبیر و امید یک دولت فرا جناحی است.» (۲) به نظر می‌رسد که روحانی یک آسیب شناس خبره و دقیق است و این مسیر را با تجربه، تحقیق و تدبیر انتخاب کرده، راه مختلط تعدیل شده که همانا تفکر «اعتدالی» او به حساب می‌آید. راقم این سطور نیز با رویکرد آسیب شناسی سیاسی، معتقد است که تفکر اعتدالی روحانی را باید بیش از این، تبیین، تحلیل و تبلیغ نمود و عملی کرد که دواي درد امروز جامعه‌ی سیاسی ایران خواهد بود.

تحقیقا مدافعان، مبلغان، حامیان و هواداران کاندیدای ریاست جمهوری باید که دفاعیات روشن‌گرانه، علمی، منطقی، مستدل و مجاب‌کننده‌ی اقناعی از کاندیدای مورد نظرشان را داشته باشند و بناست که این کتاب،

قدمی هر چند کوچک در راستای این هدف والا باشد.

منابع:

۱. سایت فرارو، ۱۰ فروردین ۹۳

۲. سایت شهدای ایران

مروری بر روند انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری

بازار گمانه‌زنی‌ها و پیش‌بینی‌ها با شروع تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری، داغ و داغتر شده بود و احتمالاتی روزهای آتی با شروع مناظره‌ها در صدا و سیما، نوید روزهای گرم‌تری را نیز می‌داد.

روشن بود که در چند روز اول ثبت نام کاندیداها، بازار انتخابات، گرمی لازم را نداشته و بی تفاوتی زیادی حاکم باشد. مشخصا با ثبت نام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود که شور و شعف خودجوش سراسری زایدالوصفی در کشور ایجاد شد، تنور انتخابات در حال گرم شدن بود، اقشار مختلف مردم در اقصی نقاط کشور در هر کوی و برزن و روستا و محله، اعم از صنوف مختلف، بازاری، کارگر، کسبه، کشاورز، دانشگاهی، حوزوی و ... به همدیگر این حضور و ورود آیت‌الله را تبریک می‌گفتند، شیرینی می‌دادند و این اقبال عمومی فراگیر؛ روزهای خوب و خوشایندی را نیز نوید می‌داد و الحق که چه بستری بهتر از این، می‌توانست زمینه ساز حماسه‌ی سیاسی باشد؟!

ولی دیری نپایید که ناباورانه شورای نگهبان با رد صلاحیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، همه‌ی این شور و شعف و رشته‌های این اقبال عمومی سراسری سیاسی را پنبه کرد و شوک سنگینی را به جامعه وارد نمود. به طوری که انعکاس این خبر در داخل و خارج، مایه‌ی تعجب و حیرت همگان شد!

طبق معمول، صدا و سیما از جنبه‌ی اطلاع رسانی و گرم کردن انتخابات، تاکنون نقش و پوشش خبری خوبی داشته و با حضور کاندیداها؛ مردم تا حدود زیادی می‌توانستند با سوابق، افکار، اهداف، برنامه‌ها، تجارب، توان و ابعاد شخصیتی کاندیداها آشنا شوند که در نهایت بتوانند انتخاب خوب

وشایسته‌ای داشته باشند.

به نظرم انتخابات سال ۸۸ و دولت دهم احمدی نژاد، درس‌ها و عبرت‌های سیاسی زیادی برای نسل کنونی و نسل‌های آینده ایران خواهد داشت و با توجه به سیر روشنگری‌ها، واقع بینی و رشد عقلانیت سیاسی، نظیر چنین دولتی قطعا در تاریخ سیاسی ایران، دیگر تکرار نخواهد شد. دولت دهم از ابتدای شکل‌گیری نیز افق روشنی را نشان نمی‌داد، معلوم بود که از هنر مردم‌داری و مدارا، توشه‌ای ندارد، حتی از آغاز تبلیغات انتخاباتی خود با نقدهای فراوانی از سوی صاحب‌نظران سیاسی- مذهبی، مراجع و علمای اسلام، دلسوزان انقلاب و نظام رو برو بود. بنابراین، آغاز، روند و فرجام این دولت به گونه‌ای بود که کاندیداهای این دوره از ابتدا با دست‌های پر وارد عرصه‌ی تبلیغات انتخاباتی شوند و با توجه به وضعیت نابسامان سیاسی- اقتصادی آن روزها، به ویژه تورم و گرانی بی حد و حصری که گریبانگیر عموم مردم، خصوصا اقشار ضعیف و کم‌درآمد و متوسط کارمند و کارگر جامعه شده بود؛ با ارزیابی عملکرد دولتمردان پرمدعا، به نقادی وضعیت موجود پرداخته و ضمن مطالبه حقوق اساسی مردم؛ طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی خودشان را ارائه دهند، به ویژه کاندیداهایی که با مراکز مهم تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و استراتژیک کشور سرو کار دارند که از جمله آن مراکز، «مجمع تشخیص مصلحت نظام» بود.

مجمع تشخیص مصلحت نظام با حجم قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی که دارد به مثابه‌ی عالی‌ترین اطاق فکر رهبری انقلاب، به ریاست شخصیت نخبه‌ای همچون آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که خود به تنهایی؛ «تاریخ انقلاب» محسوب می‌شود، اداره شده که کاندیداهای مجمع نیز به طریق اولی- امثال آقایان روحانی و ولایتی در هر صورت تحت تأثیر آقای هاشمی قرار داشتند. این نهاد با اشراف کامل بر مجموعه اطلاعات و تحقیقات راهبردی کشور در ارتباط تنگاتنگ با رهبری معظم انقلاب، مسوول تشخیص مصالح کلی نظام و ناظر بر اجرا و تهیه، تدوین و تصویب

برنامه‌ها، قوانین و سیاست‌های کلی بالادستی نظام به حساب آمده که از جمله کارهای زیربنایی مهم‌شان در سال‌های اخیر، تصویب برنامه ۲۰ ساله چشم انداز سال ۱۴۰۴ می‌باشد که در حقیقت، افق توسعه و پیشرفت کشور را نشان می‌دهد.

دوره‌ی چهارساله دولت دهم، علی‌الخصوص دو سال آخرش؛ زنگ هشدار و بیدار باشی برای همه‌ی مردم ایران بود که باید به دور از حب و بغض‌های سیاسی، حزبی و جناحی و حتی مذهبی؛ «عقل‌گرایانه و واقع بینانه» وارد عرصه‌ی انتخابات شوند و نباید صرفاً به ادعاها و شعارهای کاندیداها بسنده کنند! آیا به اعتقاد برخی‌ها صرفاً، شخص «سوپر حزب الهی» می‌تواند رییس جمهور خوب و موفق‌ی باشد؟! خیر! تحقیقا و منطقا این‌گونه نیست، شاید کسی نماز شب خوان باشد، مؤمن باشد، حافظ قرآن باشد ولی نتواند حتی یک فرمانداری و یا بخشداری را درست اداره کند! آیا حاضریم برای جراحی قلب‌مان به این شخص حزب‌اللهی مراجعه کنیم؟! عقلا می‌گویند که ایشان آدم خوبی است ولی یقیناً تخصص جراحی ندارد! از قدیم‌الایام گفته‌اند که «کار» را باید به دست «کاردان» سپرد.

بنا به درخواست برخی از دوستان و آشنایان مبنی بر اعلام نظر در خصوص شخص اصلاح و برتر؛ این که به عنوان یک محقق و تحلیل‌گر سیاسی منصف بی طرف با توجه به دو اصل مسلم داور؛ «واقع بینی و انصاف» و با توجه به نیازسنجی و وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی آن روز کشور و عطف نظر به اوضاع سیاسی منطقه و حوزه‌ی بین الملل و ارزیابی کاندیداها ریاست جمهوری، به نظر می‌رسید که در بین ۸ کاندیدای محترم، به ترتیب اولویت، آقایان ۱- حسن روحانی ۲- ولایتی ۳- محسن رضائی ۴- قالیباف، واجد شرایط لازم اولیه حداقلی برای تصدی ریاست جمهوری بودند. نگارنده به پشتوانه‌ی ۳۰ سال تجربه‌ی خدمت در مراکز قضایی، پژوهشی، علمی، نظامی، سیاسی و انقلابی و بر اساس مطالعات و تحقیقات مکفی تاکنون به این نتیجه رسیده است که همه‌ی مدیران

و مسئولین بعد از قبولی «اصل نظام، قانون اساسی و شخص ولی فقیه» به طور «قلبی و عملی»، باید واجد حداقل شرایط لازم اولیه دیگری نیز باشند که آن ویژگی‌ها به ترتیب اهمیت و اولویت عبارتند از: ۱- اندیشمندی، ۲- تخصص، ۳- تقوی، ۴- ایمان، ۵- تعهد، ۶- ریشه‌داری، ۷- دلسوزی، ۸- کارآمدی. بر این اساس در سلسله مراتب مدیریتی؛ از دهداری تا ریاست جمهوری، کشور به «مدیر اندیشمند متخصص متقی مؤمن متعهد ریشه دار دلسوز کارآمد» نیاز دارد تا به هدف مطلوب خود برسد. با این اوصاف اگر آحاد مردم در فرایند صحیح انتخاب به ترتیب از مراحل تکاملی چهارگانه‌ی ۱: حق جویانه، ۲: آگاهانه، ۳: منصفانه، ۴: آزادانه عبور کنند؛ به انتخاب درستی خواهند رسید و براین مبنا، نگارنده پیش بینی کرده بود که به احتمال خیلی زیاد و قریب به یقین، رئیس جمهور یازدهم از دیار مجمع تشخیص مصلحت نظام انتخاب خواهد شد.

فجر امید روحانی بر بام تاریکی‌ها

ابره‌ای تیره و تار بر سپهر سیاسی ایران سایه افکنده بود، یأس بود و ناامیدی، چهره‌ها درهم، فقر بود و فلاکت، دغدغه بود و پریشانی، حالی نمانده بود که بررسی، غول تورم و گرانی، استخوان‌ها را می‌شکست، بدگمانی بود و پمپاژ ذهنیت‌های منفی، به کجا خواهیم رفت؟ چه خواهد شد؟ سکوت بود و تردید یعنی که؛ ناکجا آباد!

آغاز ماجرا به دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸ برمی‌گشت که با بدمستی‌های اخلاقی بی‌ریشه‌های ناتوان، قطار مدیریت اجرایی کشور از ریل خارج شده بود و هم‌چنان قربانی می‌گرفت. معلوم بود که بار کج به منزل نخواهد رسید، خورشید حقایق در پس ابرها نخواهد ماند، سکوت‌ها خواهد شکست، نامحرمان بی‌تعهد، ماندگار نخواهند بود. تجربه‌ی تاریخی ۱۶ ساله دوران اصلاحات و اصولگرایی به خوبی نشان داد که اصولاً یک جناح و یک خط سیاسی به تنهایی؛ قادر به اداره‌ی مملکت

نخواهد بود چرا که فاقد توان لازم است و همهی توان کشور در همهی اوزان و موجودیت سیاسی کشور توزیع شده و مختص یک خط و یک جناح خاص نیست. در این راستا، یکی از علل اساسی اقبال عمومی مردم به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این دوره ریاست جمهوری به دلیل ناکارآمدی جناح اصطلاحاً اصولگرا در اداره‌ی کشور بود و استقبال از دولت فراجناحی مورد نظر که یقیناً از عهده‌ی آقای هاشمی برمی‌آمد، زیرا که چنین دولتی در گذشته، در شرایط بسیار سخت و دشوار بعد از جنگ، دوران سازندگی، تجربه شده و در مقایسه با وضعیت فعلی؛ خاطرات بسیار خوبی را در دل‌ها باقی گذاشته بود.

بین مطالبات مردم و یا نیازهای اساسی کشور با توان کاندیداها رابطه‌ی معقول و منطقی احساس می‌شود، به کسی باید رأی می‌دادند که ضمن شناخت و آسیب شناسی دقیق مبتنی بر واقعیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با رفع مشکلات و موانع پیشرو بتواند خواسته‌های ملت را تأمین کند. تجربه‌ی تلخ انتخابات دوره‌ی دهم نشان داد که نباید صرفاً به ادعاها و شعارهای کاندیداها بسنده کرد و دولت دهم نشان می‌داد که اشخاص امتحان ندادی بی ریشه در انقلاب و نظام؛ علی‌رغم شیدایی و خودشیفتگی فراوان؛ دلسوزی و تعهد لازم را ندارند و دیدیم که مشکل‌آفرین شدند و اینک با توجه به اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی کشور؛ قطعاً وقت آزمون و خطا نبود و به طور قطع و یقین می‌دانستند که؛ «آزموده را آزمودن خطاست»

این نکته‌ی مهم و کلیدی بود که از بین کاندیدای محترم، نزدیک‌ترین شخص از نظر دغدغه، روش، منش و ایده به آقای هاشمی؛ آقای دکتر حسن روحانی است. اعتقاد و تأکید او به تبعات منفی «افراط‌گرایی»، حداقل یکی از کلیدواژه‌های موفقیت او به حساب می‌آمد. پرواضح است که افراط‌گرایی در داخل؛ با تأثیر و نقش تخریبی خود خوره‌ی وحدت و انسجام ملی بوده و در خارج نیز به عنوان سلاح تیز و برنده‌ای در دست دشمنان و مخالفین علیه انقلاب و نظام بکار گرفته می‌شود. و «اعتدال‌گرایی» ایشان نیز حکایت

از حرکت درصراط مستقیم سیاسی انقلاب و نظام دارد و « تدبیر » به مثابه‌ی حلقه‌ی مفقوده که خلاء آن را در این چند سال اخیر به شدت احساس کرده‌ایم و همه‌ی این اصول و روش‌ها نهایتاً در « دولت فراگیرفراجناحی » او تجلی پیدا می‌کرد. بدون شک هر یک از کاندیداهای ریاست جمهوری، کم و بیش به صورت بالقوه، ظرفیت و قابلیت اداره‌ی کشور را داشتند ولی به نظر می‌رسید که این توان‌ها فقط در دولت فراجناحی او، به فعلیت رسیده و تجلی خواهد یافت.

صاحب این قلم برای کاندیدای اصلح در ریاست جمهوری؛ شاخصه‌ها و معیارهای خاصی را قائل بود که به ترتیب اهمیت و اولویت عبارتند از:

- اندیشمندی
- تخصص
- تقوی
- ایمان
- تعهد
- ریشه داری
- دلسوزی
- تدبیر
- اعتدال
- کارآمدی
- سعه و صدر
- فراجناحی

دکتر روحانی علاوه بر دارا بودن شرایط لازم حداقلی فوق‌الذکر، دارای اوصاف مؤثر دیگری نیز هستند؛ این که ایشان، حقوق‌دان هستند، امتیاز بزرگی است، چون با شناخت حقوق و قوانین، مسلماً حقوق کشور و ملت،

بهتر استیفا شده، هماهنگی و تفکیک قوا نیز سهل‌الوصول خواهد بود. سوابق و تجارب مدیریتی مرتبط، استعداد و توان لازم، شناخت خوبی نسبت به مسائل داخلی و خارجی دارند، اسلام‌شناس و مجتهدند، به چند زبان خارجی تسلط دارند، با رویکرد استراتژیک، تهدیدها و فرصت‌ها را خوب می‌شناسند.

آقای روحانی در کسوت روحانیت از بین کاندیداها، بیشترین قرابت گفتمانی، سیاسی، فکری و فرهنگی را با حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، شهید دکتر بهشتی، شهید مطهری و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دارند و مشخصاً تحت تأثیر آنان قرار دارند. به طور مثال، او خصوصیات هم‌چون تدبیر و اندیشمندی، ضابطه و قانونمندی، تسلط در کلام و گفتار، صداقت در بیان و عمل و اعتقاد به «جاذبه در حد اعلی و دافعه در حد ضرورت» را از شهید مظلوم دکتر بهشتی به یادگار دارد. وی از لحاظ سعه‌وصدر، رویکرد فراجانحی، دلسوزی و دغدغه‌های حفظ وحدت ملی، همگرایی و هم‌افزایی مبتنی بر تعامل سازنده، دغدغه‌ی اثبات کارآمدی نظام اسلامی؛ مشابهت‌های زیادی را با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دارند.

وحدت و همگرایی اصلاح‌طلبان با اصول‌گرایان اصلاح‌طلب؛ ضرورت ایجابی این عصر سیاسی ایران بود که حدوداً ۸ سال پیش کلیدش توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی زده شده بود و مخالفت شدید چند ساله‌ی جریان افراط‌گرایی با آقای هاشمی و خاتمی در این راستا قابل تأمل است که باید به آن پرداخته شود. خاتمی معتقد است که اگر «اخلاق و فرهنگ» را از عرصه‌ی سیاست کنار بگذاریم از هدف دور خواهیم شد و ایده‌ی «گفت و گوی تمدن‌ها» که خاتمی مطرح کرد و مورد استقبال جهانیان قرار گرفت حاصل همین رویکرد او بود. اگر اخلاق و فرهنگ را از سیاست دور کردیم؛ کاندیدای ریاست جمهوری به خودش اجازه می‌دهد که با به‌کارگیری هر ابزار و وسیله‌ای به «هدف» برسد! و افرادی هم آگاهانه و ناآگاهانه زیر علم او سینه بزنند و بسترساز فتنه ۸۸ شوند! مناظره‌ی تلویزیونی کاندیداها

ریاست جمهوری در دو دوره‌ی دهم سال ۸۸ و یازدهم سال ۹۲ را باهم مقایسه کنید! پس از ۸ سال، تازه متوجه می‌شویم که کار را به اهلش نسپردیم! امروز آقای روحانی؛ نماینده‌ی همان گفتمانی است که سیاست را از مجرای اخلاق و فرهنگ می‌بیند و تنها این سیره و روش، منطبق بر آئین اسلام و مکتب امام خمینی است که می‌فرماید: اگر انسان ساخته نشده باشد مقام برایش «خطرناک» است. بدون پرده بگویم که جهان سیاست امروز به ویژه جهان اسلام، تشنه‌ی گفتمان «اعتدال و تدبیر» آمیخته به اخلاق است.

یاد و خاطره‌ی انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲

آری! همچنان که رهبر معظم انقلاب فرمودند؛ پیروزحقیقی انتخابات؛ ملت بزرگ ایرانند. با تجربه و عبرت‌گیری از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری؛ اینک سرنوشت و تقدیر تاریخی زیبایی رقم خورد. عقده‌ها در دل مانده بود، بی‌اخلاقی‌ها و نامهربانی‌ها در سپهر سیاسی ایران سایه افکنده بود، اعتماد سیاسی واجتماعی چند سالی بود که سلب شده بود، امید در حال رخت بستن از همه‌ی فضای ایران بود، هر چه بود؛ رکود بود و خموشی و اضطراب و تردید، چه بس جوانانی که نومیدانه با آزرده‌خاطری، دل در گرو رفتن داشتند و نابسامانی‌های اقتصادی که با قربانی‌های متعدد خود اشک همه را درآورده بود و چه تردیدها در دل که چه باید کرد؟ چه خواهد شد؟ رأی باید داد؟ کسی گره‌ها را بازخواهد کرد؟ از کجا معلوم؟ در این اثنا، صدایی پیچید که چه نشسته‌ای؟ مگر باید که بیگانه و دشمن، غم ما بخورد؟ خیر! خودت برخیز! که تو کارستان خواهی کرد و قیامتی برپا، شور و شعور تو اگر درهم آمیزد، غمی نخواهد بود و گرهی ناگشوده نخواهد ماند، و تو خواهی توانست، که حقیقتاً اراده‌ی راسخ ملت، معجزه تواند کرد.

انتخابات ۲۴ خرداد سال ۹۲؛ قابلیت‌ها و اراده‌ی آهنین ملت ایران را بار دیگر به نمایش گذاشت، با پوست اندازی بدون درد، اعتمادسازی کرد، خاطرات تلخ و ناخرسندی‌های سال ۸۸ را از صفحه‌ی دل‌ها زدود. روند

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری با مدیریت و نظارت عالی مقام معظم رهبری و مشارکت حداکثری مردم و همکاری و همراهی مدبرانه برخی از نخبگان پیر سیاست همچون آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و سید محمد خاتمی در سیکل درست قانونی و اخلاقی به همه اهداف اولیه خود رسید و دستاوردهای متنوعی را هم در آینده خواهد داشت که مهم ترین آن «انسجام اجتماعی» است. چه افتخاری بالاتر از این برای انقلاب، نظام، روحانیت و رهبری که پس از گذشت ۳۴ سال از انقلاب، علیرغم میل مخالفان و حمله‌های سنگین دشمنان و با فراز و فرودهای سیاسی و اجتماعی، تنگناهای اقتصادی و معیشتی؛ مردم به شخصیتی از سلسله روحانیت، اقبال نمودند که «کلید تدبیر و امید» را به دست دارد و خود از بطن و متن انقلاب بوده و از ریشه‌داران دلسوز انقلاب اسلامی به حساب می‌آید.

دشمنان و مخالفین به چشم خود دیدند که دگربار یکی از «بهترین، سالم‌ترین و دموکرات‌ترین انتخابات» به نمایش گذاشته شد! جهانیان در تعجب و حیرت ماندند که حتی کوچک‌ترین خدش‌های به روند انتخابات وارد کنند! چرا که بهانه‌ای به دست‌شان نیفتاد، زیرا که همه؛ حساب شده نقش خویش را ایفا نمودند؛ رهبری؛ خوش درخشید، مردم به صحنه آمدند، کاندیداها، مهربان و باصفا شدند، صداوسیما، معتدل شد، مجریان، به تدبیر عمل کردند، اعتماد سیاسی به جامعه بازگشت و نهایتاً در فضای باز آزادی، اراده‌ی ملت رأی به «اعتدال و تدبیر» داد و فجر امید دمید و پس از نزول سیاسی در سال ۸۸ که متحمل هزینه‌هایی شدیم، اینک در سال ۹۲ به ریل اصلی سیاسی بازگشته‌ایم که حقیقتاً نقطه‌ی عطفی است در تاریخ سیاسی ایران و بدین‌گونه بود که حماسه‌ی سیاسی مطلوب به منصفی ظهور رسید. پس از اعلام قطعی آراء، شور و شادی و شرف سراسر ایران را فراگرفت، مردم به جشن و پایکوبی پرداختند، شربت و شیرینی دادند، سرود همدلی و وحدت خواندند، شعار همگرایی و هم‌افزایی سر دادند، اشک شوق ریختند،

به هم تبریک گفتند، و تا پاسی از شب را در خیابان‌ها و پارک‌ها سپری کردند، آن‌چنان که گویی دگر باره؛ انقلابی بپا کرده‌اند و عقده‌ها گشوده‌اند. این حضور خودجوش زیبای مردمی؛ البته درس‌ها و پیام‌های زیادی نیز به همراه داشت. آنان، روی «افراط‌گرایی» خط بطلان کشیده و «عقلانیت و اعتدال و انصاف» را فریاد زدند و اخلاق‌مداران؛ تغییر رفتارها و رویکردها را خواستار شده و ندا در دادند که دیگر: «هیچکس خس و خاشاک نیست»، رقیب سیاسی؛ دشمن نیست، سبقت برای خدمت است نه برای حسادت و کینه ورزی، وحدت و دوستی باهم ممکن و شدنی است، می‌شود با گذشت عارفانه به ایثار رسید، می‌شود منافع ملی را به تعلق گروهی؛ ترجیح داد، می‌شود تدبیر کرد و می‌شود امید آفرید، و می‌شود حماسه ساخت، و مجدانه از منتخب ملت و معتمد خود می‌خواستند: «پیروز انتخابات! رفاقت رفاقت!»

اصالت روحانی

کسی که ۴ یا ۸ سال می‌خواهد سکان اجرایی مملکت را به عهده بگیرد و شخص دوم نظام بحساب بیاید، یقیناً باید سوابق تحصیلی، علمی، انقلابی، کاری، مذهبی، عقیدتی و سیاسی روشن و شفافی داشته باشد. به عبارتی، ریشه‌دار و با اصالت، خودی، اهل و محرم باشد تا دلسوزی و انگیزه‌ی لازم برای کار را داشته باشد. به دولتمرد فاقد اصالت، چقدر می‌شود اعتماد کرد؟ چه بسا فردای نزدیک، جاسوس از کار درآید! به نفع عجبانب کار کند، با اختلاس چند میلیاردی از کشور فرار کند، خودش و مملکت را بفروشد! قراردادهای دوران قاجار و پهلوی در تاریخ سیاسی گذشته‌ی کشور ما و اختلاس‌های میلیاردی کنونی می‌توانند نمایانگر و شاهد مثال‌های خوبی از بی‌اصالتی‌ها و بی‌تعهدی‌ها باشند. چرا معمار فقید انقلاب - امام خمینی(ره) با تأکید می‌فرمود: «نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد.»؟ بنابراین، اولین و اصلی‌ترین شرط واجد شرایط بودن

برای سکانداری کشور، اهل و محرم بودن یا مورد وثوق و مورد اعتماد بودن شخص کاندیدای ریاست جمهوری می‌باشد.

روحانی؛ شخصیتی ریشه‌دار و با اصالت است. ریشه و اصالت در دین، انقلاب، دوران جنگ ۸ ساله - دفاع مقدس، نظام و کشور دارد. این ویژگی‌های زیربنایی و محوری هستند که روپناها را خواهند ساخت. بر این باوریم که تعصب، عرق، وفاداری، دلسوزی و دغدغه‌های پیشرفت و تعالی کشور و ملت؛ همه از جوهر، اصالت و ریشه‌ی افراد ناشی می‌شوند.

حسن روحانی در سال ۱۳۲۷ در شهر سرخه استان سمنان به دنیا آمد. بنا به گفته خودش از یازده سالگی با کار در امور کشاورزی و قالیبافی مخارج تحصیلش را تأمین می‌کرد. پدرش حاج اسدالله فریدون در بازار سمنان، مغازه داشت و نماینده آیت‌الله بروجردی بود و به سبب مبارزات علنی علیه رژیم پهلوی، نخستین‌بار در سال ۱۳۴۱ دستگیر و به زندان افتاد و به دلیل استمرار مبارزات تا پیروزی انقلاب اسلامی بیش از ۲۰ بار دستگیر و زندانی شد! روحانی در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات سید محمد محقق داماد، شیخ مرتضی حائری، سید محمدرضا گلپایگانی، محمد فاضل لنکرانی، محمد بهشتی و مرتضی مطهری، شیخ محمد شاه‌آبادی و سلطانی بهره برد. او همزمان در سال ۱۳۴۸ به دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۵۱ دانشنامه لیسانس خود را در مقطع کارشناسی در رشته حقوق قضایی اخذ کرد.

حسن روحانی در آغاز جوانی، فعالیت سیاسی خود را با پیروی از آیت‌الله خمینی آغاز کرد. وی از سال ۱۳۴۴، سفرهای تبلیغی و سخنرانی علیه حکومت وقت را در شهرهای مختلف ایران آغاز نمود و در همان نخستین سفر، توسط مأموران حکومتی بازداشت شد. او در طول سال‌های مبارزه بارها دستگیر و ممنوع‌المنبر شد. روحانی با تحت تعقیب قرار گرفتن توسط ساواک، به توصیه‌ی آیت‌الله بهشتی و مرتضی مطهری از کشور خارج شد و مدتی به سخنرانی و تبلیغ برای دانشجویان خارج از کشور پرداخت و پس از

ورود امام خمینی به پاریس، به او پیوست.

روحانی در آبان ۱۳۵۶، در مراسم بزرگداشت مصطفی خمینی در مسجد ارک تهران، نخستین بار لقب «امام» را برای آیت الله خمینی (رهبر در تبعید نهضت اسلامی) بکار برد. بعد از پیروزی انقلاب، حسن روحانی در نخستین اقدام در سال ۱۳۵۸، به ساماندهی ارتش آشفته و پادگان‌های از هم پاشیده پرداخت. وی در ابتدای انقلاب که بحث مناظره با گروه‌های مارکسیستی داغ بود به نقد افکار آنها می‌پرداخت و در مناظره با رهبر مجاهدین خلق به آنها گوشزد کرد که می‌خواهند به زور و به تحریف و به تقطیع (انتخاب‌گرینی) آیات قرآن، مطالب مارکسیستی را از قرآن درآورند و قرآن را بر آنها منطبق سازند. او تأکید می‌کرد برخلاف آنها که مبارزه با امپریالیزم را در دوستی با شوروی می‌دانند ما این را در انقلاب مان ثابت کردیم که در برابر شوروی و آمریکا هر دو، ایستاده‌ایم.

حسن روحانی در سال ۱۳۵۹ به نمایندگی اولین دوره مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و پنج دوره قانونگذاری به مدت بیست سال (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۹) در مجلس حضور داشت. او نایب رییس اول مجلس (در دوره‌های چهارم و پنجم) و رییس کمیسیون‌های دفاع (دوره‌های اول و دوم) و سیاست خارجی (دوره‌های چهارم و پنجم) بود. و دبیر شورای عالی امنیت ملی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ بوده است. او در این سمت، رییس تیم هسته‌ای و مذاکره‌کننده ارشد ایران با سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و بریتانیا در مورد برنامه هسته‌ای ایران نیز بود.

در دوران جنگ ایران و عراق، روحانی مسوولیت‌های متعددی، از جمله عضویت در شورای عالی دفاع (از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷)، عضویت در شورای عالی پشتیبانی جنگ و رییس کمیسیون اجرایی آن (از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷)، معاونت فرماندهی جنگ (از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴)، ریاست ستاد قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶) و فرماندهی پدافند هوایی کل کشور (از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰) را برعهده داشت. روحانی یکی

از ۳ نفری بود که به نمایندگی از هاشمی رفسنجانی، در گفتگوهای پنهانی با مک فارلین شرکت داشت. او بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ به معاونت جانشین فرماندهی کل قوا منصوب شد. بعد از پایان جنگ، حسن روحانی به همراه تعدادی از فرماندهان سپاه و ارتش، نشان درجه دو فتح و در مراسم دیگری در سالروز آزادسازی خرمشهر، به همراه جمعی دیگر از فرماندهان و مسؤولان پشتیبانی جنگ، نشان درجه یک نصر را از آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده کل قوا، دریافت کرد. عضویت و ریاست شورای سرپرستی سازمان صدا و سیما از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲ نیز از دیگر مسوولیت‌های وی در دوران پس از انقلاب بوده است.

روحانی پس از بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل نهاد شورای عالی امنیت ملی، سمت نمایندگی آیت‌الله خامنه‌ای را در این شورا تا سال ۱۳۹۲ که به عنوان رییس جمهور انتخاب شد، در اختیار داشته و به مدت ۱۶ سال (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴) در دوره‌های ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و سید محمد خاتمی دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است وی همچنین به مدت ۱۳ سال (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) و از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴) مشاور امنیت ملی رییس جمهور وقت بوده است.

روحانی در انتخابات میان‌دوره‌ای سومین دوره مجلس خبرگان رهبری در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، از حوزه انتخابیه استان سمنان به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد. در سال ۱۳۸۵ نیز به عنوان نماینده استان تهران به عضویت دوره‌ی چهارم این مجلس برگزیده شد. سمت‌های وی در مجلس خبرگان، ریاست کمیسیون سیاسی- اجتماعی این مجلس (از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵) و از ۱۳۹۲ تاکنون و عضویت هیئت ریسه و ریاست دفتر دبیرخانه این مجلس در تهران (از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷) بوده است. حسن روحانی در پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری در تهران (اسفند ۹۴) با تعداد آرای ۲۲۳۸۱۶۶ بعد از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله امامی کاشانی در ردیف سوم قرار گرفت.

حسن روحانی دارای مرتبه علمی استاد پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک می‌باشد. وی به زبان‌های عربی و انگلیسی مسلط است.

تحصیلات دانشگاهی و مدارج علمی:

- دکتری (Ph.D) حقوق اساسی از دانشگاه کلدونیان گلاسکو
عنوان پایان‌نامه: (The Flexibility of Shariah; Islamic Law)
- فوق لیسانس (M.Phil) حقوق عمومی از دانشگاه کلدونیان گلاسکو
عنوان پایان‌نامه: (The Islamic Legislative Power)
- لیسانس حقوق قضائی از دانشگاه تهران
- وکیل پایه یک دادگستری (کانون وکلای دادگستری مرکز)
- استاد پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک

تحصیلات حوزوی:

- خارج فقه و اصول: با اساتیدی چون آیات عظام سید محمد محقق داماد (ره)، شیخ مرتضی حائری (ره) و سید محمدرضا گلپایگانی (ره)
- سطح عالی: با اساتیدی چون آیات عظام سلطانی (ره)، فاضل لنکرانی (ره) و شیخ محمد شاه‌آبادی (ره).

آثار و تألیفات دکتر روحانی:

۱. امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای - ۱۳۹۰
۲. امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران - ۱۳۸۹
۳. اندیشه‌های سیاسی اسلام؛ جلد اول: مبانی نظری - ۱۳۸۸
۴. اندیشه‌های سیاسی اسلام؛ جلد دوم: سیاست خارجی - ۱۳۸۸
۵. اندیشه‌های سیاسی اسلام؛ جلد سوم: مسائل فرهنگی و اجتماعی -

۱۳۸۸

۶. خاطرات دکتر حسن روحانی؛ جلد اول: انقلاب اسلامی - ۱۳۸۷
۷. مقدمه‌ای بر تاریخ امامان شیعه - ۱۳۹۱
۸. سن اهلیت و مسئولیت قانونی - ۱۳۹۱
۹. آشنایی با کشورهای اسلامی - ۱۳۸۷
۱۰. انقلاب اسلامی؛ ریشه‌ها و چالش‌ها - ۱۳۷۶
۱۱. مبانی تفکر سیاسی امام خمینی (ره) - ۱۳۷۸
۱۲. نقش حوزه‌های علمیه در تحولات اخلاقی و سیاسی جامعه -

۱۳۹۰

۱۳. امنیت ملی و سیاست خارجی - آماده چاپ
 ۱۴. امنیت ملی و محیط زیست - آماده چاپ
 ۱۵. خاطرات دکتر حسن روحانی؛ جلد دوم: دفاع مقدس - آماده چاپ
- The Islamic Legislative Power ۱۶ - ۱۹۹۴.

*. ۱۹۹۶ - ۱۷ The Flexibility of Shariah; Islamic Law

بنابراین، روحانی اصالت شفاف و روشن بسیار مثبت و درخشانی دارد. سیر مراحل سیاسی و کاری را قدم به قدم و پله به پله طی کرده است. از کارگری به مدارج علمی و فقهی رسیده است. پیشقراول در مبارزات سیاسی و ریشه در مبارزات انقلابی دارد. فرزند حوزه و دانشگاه است. مراودات سیاسی و انقلابی با بنیانگذار انقلاب اسلامی - امام خمینی (ره)، آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله شهید مطهری، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ... از دیگر سوابق درخشان او به حساب می‌آید. مجلس و قانون را خوب می‌شناسد. حضور مؤثر در دوران دفاع مقدس، ایفاگر نقش در امنیت ملی کشور، متخصص و صاحب نظر در مطالعات و تحقیقات استراتژیک، اهل تدبیر و اندیشه، متفکر و آسیب‌شناس سیاسی - اجتماعی،

حقوق‌دان و به طور خلاصه؛ تخصص، تجربه و تعهد را با هم دارد. طبعاً هرچه قدر این اصالت و ریشه، عمیق‌تر باشد؛ انگیزه، دلسوزی و تعهد خدمت و وجدان کاری شخص نیز افزایش پیدا خواهد کرد. وقتی که مسوولیت ریاست جمهوری به چنین شخصیتی محول شود؛ یقیناً کشور، ملت، انقلاب و نظام مصونیت کامل خواهند داشت.

* پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری

فصل دوم:

ماهیت و اهداف دولت روحانی

کابینه‌ی مورد وثوق و با تجربه

چون و چرا در خصوص وضعیت کابینه دولت، هراز چندگاهی، عنوان می‌شود. مدتی است که مجدداً آغاز و داغ شده و در گذشته نیز که کم و بیش مطرح بوده است. اشکال می‌کنند که کابینه‌ی مسن و سالخورده‌ای است، جوان نیستند، البته نق‌زنها و اشکال تراش‌ها بیشترشان از مخالفین دولت هستند که در صددند دل مردم را به هر طریقی خالی کنند و الا غالب مردم و هواداران دولت که مشکلی ندارند.

اگر منصفانه و فارغ از حب و بغض‌های سیاسی به کابینه بنگریم؛ دو ویژگی عمده در آن مشهود است که عبارتند از: مورد وثوق بودن؛ این اشخاص از سالیان متمادی، مورد اعتماد و وثوق رییس جمهور هستند. البته قبل از این هم که ابتدا، در شورای مشورتی تعیین کابینه، گزینش شده‌اند و بعد با توافق و تایید رییس دولت به مجلس و رأی اعتماد؛ در واقع، عملاً از سه فیلتر اساسی مهم عبور کرده‌اند. مورد وثوق بودن، امتیاز مهمی است. این اشخاص، ناآشنا نیستند که بعداً معلوم نباشد چه از کار دربیایند، بلکه در کوران حوادث، امتحان داده‌اند و پخته شده‌اند، در دولت‌های گذشته، کار کرده‌اند و روحانی با تدبیر و عقلانیت، گروهی از این جمع کارآمدن را

گلچین کرده است. چهره‌های آشنای امتحان داده‌ای که مردم و رهبری معظم انقلاب، دقیقا آنها را می‌شناسند.

ویژگی دوم کابینه، تجربه است. تجربه؛ کاری است که قبلا هزینه‌اش پرداخت شده است. علی (ع) می‌فرماید: «تجربه بالاتر از علم است» اغلب وزرای کابینه‌ی دولت یازدهم، تجربه‌ی کاری خوبی دارند. تجربه‌ی کاری؛ سرعت عمل را بیشتر کرده، مسیر را کوتاه می‌کند و اطمینان ایجاد می‌کند. جراحان و خلبانان با تجربه، یقینا به بیمار و مسافران اطمینان بیشتری می‌دهند. از طرفی در این شرایط دشوار، وضعیت کشور، اجازه‌ی آزمون و خطا را به هیچ دولتمردی نمی‌دهد. مضافا به اینکه در فرهنگ ما نیز به داشتن «پیر راه» تأکید فراوان شده است. «بی پیر مرو تو در خرابات// هرچند سکندر زمانی.»

موضوع «جوان‌گرایی» را بیشتر به نظر می‌رسد که مغرضین سیاسی دولت عنوان کرده‌اند که به خیال‌شان بتوانند، جوانان را در انتخابات آینده با خودشان همراه کنند! از نظر سنی، ما کشور جوانی داریم و جوانان در ساختار دولت بنا به مقتضیات و تناسب کاری، مسلما باید حضور جدی داشته باشند و هیچ عقل سلیمی هم نمی‌تواند منکر این قضیه‌ی بدیهی شود. اصولا حضور جوانان واجد شرایط در کنار مدیران و وزرای کارکشته و با تجربه از پست معاونت وزیری تا پائین در کنار مسن‌ترها، فاقد هرگونه اشکال؛ بلکه حسن و مزیت است تا تجربه کسب کنند و چرخه‌ی گردش مدیران نیز، بدین ترتیب شکل بگیرد و تداوم داشته باشد.

بنابراین، برخلاف اظهارات مخالفین دولت، اتفاقا این تیزبینی و کیاست رییس جمهور را می‌رساند که با درایت و مبتنی بر تدبیر و عقلانیت توانسته است بدون آزمون و خطا، کابینه‌ی خود را با دو ویژگی؛ مورد وثوق بودن و صاحبان تجربه تشکیل دهد که بدون شک، نقطه‌ی قوت و حسن دولت تدبیر و امید به حساب می‌آید که تاکنون نیز تأثیرات عملی و مثبت خودش را در ساختار کشور گذاشته و خواهد گذاشت.

عملکرد فراجناحی دولت

فراجناحی بودن، از طبع بلند آدمی سرچشمه می‌گیرد. به عبارتی، دیگران را به حساب آوردن، و از خودرأیی و تکروی، پرهیزکردن و قدرت تحمل آرای مخالف را داشتن است. همه به داشتن چنین صفتی خصوصا در مراودات سیاسی اذعان و افتخار می‌کنند. به نظر نگارنده، کسانی می‌توانند فراجناحی عمل کنند که منافع ملی و جمع را به منافع شخصی و گروهی خود ترجیح دهند. اینارگری، از خودگذشتگی و هنر همزیستی از خصوصیات بارز این اشخاص است. گفتمان اعتدال حسن روحانی با رویکرد فراجناحی او، سنخیت لازم را دارد.

خود رییس جمهور در برنامه‌های تبلیغاتی انتخاباتی و پس از پیروزی و حتی قبل و بعد از تشکیل دولت، به «تشکیل دولت فراجناحی»، تأکید داشته و دارد. وی اظهار می‌دارد: «البته دولت وحدت ملی، معانی مختلفی دارد، اما من دولت فراجناحی را می‌پسندم. چون در هر دو جناح، آدم‌های خوب، لایق و شایسته و معتقد و مخلص وجود دارد و باید از همه افراد شایسته و هر کسی که انقلاب را قبول دارد استفاده کنیم. آدم‌هایی باشند که صاحب نظر باشند و متخصص باشند نه اینکه [صرفاً] بله قربان گوی رییس جمهور باشند.» (۱)

روحانی در آستانه‌ی برگزاری دهمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز تأکیدات منطقی و اصولی مهمی را به مجریان انتخابات دارد که فراجناحی بودن دولت و عملکرد فراجناحی را هم مورد تأکید مؤکد قرار می‌دهد. رییس جمهوری گفت: «هیچ جناحی در کشور قابل حذف نیست، نه این وری‌ها خواب ببینند، نه آن وری‌ها خواب ببینند، نه وسطی‌ها خواب ببینند، این‌ها همه هستند؛ جناح‌ها یک ریشه فکری، تاریخی، عقیدتی و دینی و علمی دارند. حزب از بین می‌رود و افکار می‌ماند، ممکن است به شکلی

اسم و شکل حزب عوض شود اما افکار می‌ماند، ما ملت متکثر و متنوعی هستیم، ایران مانند فلان کشور شرق دور نیست که همه پادگانی زندگی کنند، اینجا مردم آزاد هستند، حرف می‌زنند و نظر می‌دهند.

رییس جمهوری گفت: در انتخابات، دولت وارد انتخابات به این معنا که بخواهد حامی این جمع یا آن جمع باشد به هیچ عنوان وارد نخواهد شد. دولت، حزب و جناح نیست، دولت، فرای جناح و حزب و جمع‌ها و تشکل‌های سیاسی است.

روحانی اضافه کرد: پس ما امانت داریم، ممکن است استانداری، فرمانداری و وزیری، نظرات فردی و شخصی داشته باشند اما ما به این سمت نیامده‌ایم تا نظرات فردی و شخصی‌مان را اعمال کنیم و در این جایگاه قرار نگرفته‌ایم که تمایلات جناحی‌مان را اعمال کنیم. رییس دولت تدبیر و امید گفت: ممکن است هر فردی به حزب و سمت و سویی تمایل داشته باشند، اشکالی ندارد، شعار دولت، فراجناحی بود اما وقتی در صندلی استانداری و فرمانداری و وزارت و ریاست قرار گرفته باشی! باید حزب، جناح و تمایل شخصی را فراموش کنی و شما هستید و خدا و مسوولیت سنگین قانونی در کشور و این عهد ما با مردم بود.» (۲)

دکتر صادق زیباکلام اما معتقد است که: «فراجناحی» و «فراجناحی عمل کردن» بیش از آنچه یک واقعیت جدی سیاسی باشد، بیشتر یک «ژست» سیاسی است. چراکه در عمل، اساساً چیزی به نام «فراجناحی» نه وجود دارد و نه می‌تواند وجود داشته باشد. (۳) تشکیل دولت اصولاً در هر صورت، متأثر است از شخصیت‌ها، احزاب و جریان‌ات عمده‌ی سیاسی همفکر و همراهی رییس جمهور که او را در فرایند انتخابات و پیروزی، کمک کرده‌اند. «اعتدال»؛ کلید واژه‌ی گفتمان انتخاباتی روحانی بود. در بین اصطلاحاً جناحین چپ و راست، او از ابتدا راه «میانه» را برگزید که در واقع، معتدلین هر دو جناح اصلاح طلب و اصول‌گرا را جذب کند. در کنار دو شخصیت تأثیرگذار - آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی و سید محمد خاتمی که

هر کدام نماد فرا جناحی و اصلاح طلبی بودند، عملاً همه‌ی اصلاح طلب‌ها و اقلیتی از اصول‌گرایان از روحانی حمایت کردند که قدر مسلم، همین تناسب باید در دولت تدبیر و امید، نمود داشته باشد که با رییس جمهور در اداره‌ی امور کشور، تشریک مساعی و همفکری کنند که شاکله‌ی دولت روحانی نیز بر همین اساس بنا شده است.

منابع:

۱. خبرنامه دانشجویان ایران،
۲. ایرنا. پایگاه خبری بولتن نیوز،
۳. رسانه خبری-تحلیلی گفت و گو نیوز، کد خبر ۱۵۸۲۰۱ شهریور ۱۳۹۲

هنر جذب و همراهی

دکتر روحانی رییس جمهور در اولین سفر استانی دولت خود به خوزستان، دست به نوآوری و ابتکار عمل خوبی زد و دو نفر از شخصیت‌های بنام و فرهیخته‌ی استان که هر دو از رزمندگان و فرماندهان عالی دوران دفاع مقدس بوده که حتی یکی‌شان نیز در انتخابات ریاست جمهوری در شمار رقبایش بودند را هم به همراه خودش داشت. این عمل نیکو یعنی؛ «هم افزایی عملی»، همگرایی، ایجاد وحدت و یکپارچگی، مشارکت متعهدانه مدیریتی در سطح کلان کشور، در راه رسیدن به اهداف و منافع ملی و محلی. به طور قطع و یقین این شیوه‌ی عملکرد خردمندان؛ درس‌ها و پیام‌های متعددی برای جامعه و ارکان مدیریتی کشور خواهد داشت. اولاً حکایت از طینت و ذات سلیم این سیاستمداران دارد و ثانیاً این روش و استراتژی روحانی؛ حاصل واقع بینی و تدبیر اوست؛ همانی که در جمع پژوهش‌گران پزشکی به درستی تأکید کرده بودند که باید اهل «درد و درک» باشیم. خلاء‌ای که در سالیان اخیر و دولت‌های گذشته به شدت احساس می‌شد و حلقه‌ی مفقوده بود. درد کجاست؟ چرا از تجارب، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نخبگان فکری و سیاسی که هر کدام‌شان در جای خود می‌توانند حلال مشکلاتی باشند نتوانیم سود ببریم؟! بهره‌گیری از این همه، توان و ظرفیت محلی و ملی در حل مشکلات خرد و کلان کشور؛ به نوعی، هدف است و نیاز به شناخت، شیوه و روش دارد. این‌گونه همراهی و بهره‌گیری؛ دقیقاً مبتنی و منطبق بر عقلانیت سیاسی و خرد جمعی است.

اظهارات و نوع عملکرد رییس جمهور در این مدت صدارتش بر قوه مجریه، حکایت از تشخیص درست گره‌های ناگشوده سیاسی دارد و این باور را تقویت می‌کند که دکتر روحانی با عبرت‌گیری از گذشته و شناخت درست آسیب‌های سیاسی در طول سه دهه تاریخ بعد از انقلاب، نقاط

«آسیب پذیر سیاسی»، را به خوبی می‌شناسد. اندیشه و رفتار؛ دو معیار و شاخص اصلی و مهم برای شناخت و درستی یک شخصیت سیاسی اجرایی به حساب می‌آید. چگونه می‌اندیشد؟ و چگونه عمل می‌کند؟ و به عبارتی، بین اندیشه و رفتارش؛ تناسب وجود دارد؟ واقع بینی؛ حاصل اندیشه است و رفتار متناسب با گفتار؛ محصول باور و ایمان قلبی به اندیشه و نظر است. ریاست قوه‌ی اجرایی کشور به درستی می‌داند که ایجاد انشقاق، چند دستگی، اختلاف‌آفرینی، به حساب نیاوردن دیگران، یکه‌تازی، خودمحوری، تنگ کردن حلقه‌های دوستان، بی‌اعتنایی به پیش‌کسوت‌ها و سرمایه‌های معنوی، خودشیفتگی، خودستایی و قانون‌گریزی...؛ همه از خصایص منفی سیاست پیشه‌گان بی‌هنری بوده است که فاقد شرایط و صلاحیت‌های لازم برای اداره امور کشور بودند. چراکه این‌گونه خصلت‌ها در ابتدای امر با داعیه‌ی خدمتگزاری در تناقض آشکارند و قبل از هر چیز، با تیره و تار کردن فضا، همه‌ی زمینه‌ها و فرصت‌های خدمت را از بین خواهند برد. آنانی که چشمان خویش را به روی حقایق عینی و آشکار، بسته و از تدبیر و درایت لازم سیاسی کم بهره باشند، یقیناً راه به جایی نخواهند برد. حوادث تلخ انتخابات ۸۸ و متعاقب آن، امیدوار شدن دشمنان و مخالفان در فتنه‌ی ۸۸ به ایجاد درگیری و اختلاف بین سران نظام؛ حاصل کم تجربه‌گی و بی‌تدبیری کسانی بود که در حد و اندازه این جایگاه‌ها نبودند و نقش صدارتی‌شان را به خوبی و شایستگی عمل نکردند.

رشد و توسعه‌ی اصولی کشور

وقتی که برخی‌ها با اغراض سیاسی بنا دارند دل مردم را خالی کنند که دولت، موفق نبوده و دولت نیز به نظر می‌رسد که خیلی راغب نیست فعلاً از عملکرد خودش، دفاع کند یا به نظر برخی از منتقدین حامی دولت که معتقدند دولت در این خصوص، ضعف دارد و اصطلاحاً این عدم دفاع و یا عدم تبلیغ عملکردها؛ پاشنه آشیل دولت محسوب می‌شود. بنابراین، در این

شرایط به خصوص، این سؤال می‌تواند در اذهان و افکار عمومی مردم مطرح شود و شکل بگیرد که پس دولت تدبیر و امید تاکنون چه دست آوردهایی داشته است؟

با نگاه به اخبار و گزارشاتی که دولتمردان طی هفته دولت ارائه دادند به طور مثال :

بانک مسکن: آغاز اجرای طرح سراسری مسکن قسطی از پائیز، وزیر راه و شهرسازی: ضرورت بازسازی ریل‌های ۸۰ ساله‌ی کشور، وزیر صنعت: تولید برندهای مطرح دنیا در ایران، مذاکره با سامسونگ برای صادرات محصول به منطقه با عنوان «ساخت ایران»، معاون وزیر: شروع تولیدات جدید پژو با سهم ۲۰ درصدی ایران، معاون اول رئیس جمهور: ایران صاحب شبکه ملی اطلاعات شد. هدف دولت، دسترسی آزاد مردم به اطلاعات است.

بر اساس تازه‌ترین گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، تراز تجاری یا صادرات خالص طی سال ۱۳۹۴ مثبت شد و ارزش دلاری صادرات از واردات در این دوره پیشی گرفت و یکی از مهم‌ترین اهداف تجاری-بازرگانی کشور تحقق یافت. این روند بر اساس اعلان رسمی در سال ۱۳۹۵ نیز ادامه یافت.

بنا بر گزارش سازمان بورس؛ از روز اجرایی شدن برجام در ۲۷ دی ماه ۹۴ تا اول شهریور ۹۵ استقبال سرمایه‌گذاران خارجی از بازار سرمایه ایران به طرز معناداری افزایش پیدا کرده، به نحوی که شاهد افزایش ۱۴۰ درصدی ارزش سبد سرمایه‌گذاری خارجی بوده ایم.

طرح تحول نظام سلامت، آینده‌ی روشن و مطمئنی را نوید می‌دهد. بازسازی ناوگان هوایی با قراردادهایی که با شرکت‌های بویینگ و ایرباس بسته شد. رونمایی و اعلان عمومی حقوق شهروندی که در صورت اجرایی شدن، می‌تواند تأثیرات زیادی در مناسبات و تعاملات اجتماعی داشته باشد. با توجه به مراتب فوق‌الذکر و حرکت دولت در خط سیر ترسیم شده از

سوی رهبری معظم انقلاب، خصوصاً در برنامه‌ی جامع «اقتصاد مقاومتی»، که در واقع، اقتصاد مقاومتی؛ تراز راستی دولت در خط سیر اقتصادی محسوب می‌شود و نظرات و عقاید متخصصین و کارشناسان خبره و شرایط بسامان زندگی مردم، به راحتی می‌شود عملکرد دولت را مورد ارزیابی قرار داد و محک زد و به آینده‌ی وضعیت اقتصادی کشور نیز، خوشبین و امیدوار بود. اهتمام جدی رییس‌جمهور به رفع تنگناهای اقتصادی و تأکیدات رهبری به حدی بود که بلافاصله معاون اول خود- جهانگیری را به رییس «ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی» برگزید.

به بیان و باور حجت‌الاسلام مسیح مهاجری- مدیر مسؤل روزنامه جمهوری: «آقای روحانی مملکت را آرام کرد، درست است که عده‌ای در مسائل اقتصادی هوچی‌گری می‌کنند؛ اما باید در نظر داشت که در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، عده‌ای با لحاف و تشک مقابل بانک‌ها می‌خوابیدند تا سکه ارزان بخرند و فردا گران‌تر بفروشند یا به یک باره قیمت پول سه برابر افت می‌کرد؛ اما امروز قانون وجود دارد باید بگوییم که سواد اقتصادی نعمت بزرگی است. مخالفان آقای روحانی مجموع فعالیت‌های ایشان را بیان نمی‌کنند.»*

بدون شک، بزرگترین دستاورد دولت روحانی تاکنون، موفقیت در مذاکرات هسته‌ای بوده که کشور قفل شده را در واقع از بحران همه‌جانبه نجات داد و بستری فراهم شد که چرخ‌های مملکت به گردش در بیاید و زندگی، روال و حالت عادی به خودش بگیرد. هم‌چنان که خودش نیز تأکید کرده: «دولت اگر کاری جز برجام نکرده بود، برای دستاورد سه ساله‌اش کافی بود، اینکه دیپلمات‌های ما موفق شدند قطعنامه‌های سازمان ملل را لغو کنند، برای تاریخ کشور ما بس است.» بنابراین، کشور رو به رشد و توسعه‌ی اصولی نهاده؛ اصولی یعنی برنامه‌ها و امور، به طور علمی، عقلانی و منطقی در چارچوب اهداف تدوین شده‌ی قانونی، روند رو به رشد را طی می‌کنند و بدین ترتیب، آینده‌ی مثبت و روشنی را نوید می‌دهند.

*سایت اصلاح نیوز، ۸ شهریور ۹۵

زدودن مشکلات ملت

اگر اولویت کاری در جامعه، حاکمیت و بخصوص در دولت مشخص باشد، امور کشور زودتر بسامان خواهد شد. احزاب، سازمان‌ها، گروه‌های سیاسی، انجمن‌ها و تشکلات مردم‌نهاد، قوای کشور- خصوصاً مجلس و دولت، متفق‌القول بدانند که امروز اولویت کاری‌شان کدام است، مسلماً بهتر نقش خویش را ایفا خواهند کرد و در نتیجه، سعادت جامعه، زودتر رقم خواهد خورد.

پرداختن به جناح بندی‌های سیاسی و بحث و جدل پیرامون آن‌ها که کدام درستند و کدام محق و منطقی‌اند در جای خود، حائز اهمیت است ولی آسیب این‌جاست که صاحبان و پیروان این اندیشه‌ها، فارغ از دغدغه‌ها و مشکلات مردم، صرفاً به دنبال به کرسی‌نشاندن نظرات خودشان باشند و از اولویت‌های امور و خواسته‌های اولیه‌ی مردم غافل شوند. فرضاً در شهری که در مسیر سیلاب قرار گرفته و هرلحظه، تهدید می‌شود که در اثر سیل، خسارات سنگینی به همه وارد شود، گروهی بی‌اعتنای به این تهدید، بخواهند در خصوص مثلاً زیباسازی پارک‌ها بحث و جدل کنند! یقیناً عقلانیت ایجاب می‌کند که ابتدا جلوی سیل را سد کنند و بعد در باره‌ی پارک‌ها، کاری انجام بدهند. به طور خلاصه این که درگیری‌های سیاسی و جناحی نباید امور اصلی و زیربنایی کشور را مختل کند.

یکی از ویژگی‌های مثبت رییس‌جمهور، تشخیص درست و به موقع اولویت‌های کاری است. او تاکنون کمتر خودش را درگیر حواشی و بحث و جدل‌های مخرب سیاسی کرده است. روحانی با تأسی از آسیب شناسی جناح‌بندی‌های سیاسی موجود کشور، معتقد است که: «جدا از اندیشه‌های صرف اصلاح‌طلبانه و یا اصولگرایانه، [باید] بیشتر به فکر زدودن مشکلات ملت باشیم.»* به زعم ایشان، جناح و حزب باید ابزار و وسیله‌ای برای

خدمت به جامعه و مردم باشد نه هدف. با این رویکرد است که خودش نیز عملاً در هیچ جناح و حزب خاصی نمی‌گنجد و درگیر چون و چراهای بیهوده‌ی حزبی و جناحی نیست و همین‌گونه عمل کردن مورد توجه و تأکید مؤکد رهبر معظم انقلاب نیز است که جناح بندی‌ها به خودی خود، هدف نیستند و نمی‌توانند خیلی ارزشمند باشند.

بیانات رییس جمهور از آغاز فعالیت‌های انتخاباتی تاکنون، گواه بر این است که او می‌خواهد تیم کاری خودش را از بین عقلای باتجربه معتدل جناح‌ها و مستقلین، تشکیل بدهد؛ بدین ترتیب عناصر متخصص معقول با تجربه معتدل برگزیده شده می‌توانند نمایندگان همه‌ی نیروهای سیاسی و بدنه‌ی اجتماعی باشند. به عبارتی در این راستا، مشارکت و وحدت و انسجام اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. با توجه به تجارب سیاسی حاصل شده از دولت‌های گذشته، به نظر می‌رسد که روش دولت تدبیر و امید، کارآمدی بهتری خواهد داشت و جوابگوی مطالبات مردم خواهد بود. مردم، کار می‌خواهند، توسعه و پیشرفت می‌خواهند، سعادت‌مندی می‌خواهند، نماینده و رییس جمهوری‌ای می‌خواهند که باعمل‌گرایی، حلال مشکلات‌شان باشند نه صرفاً درگیر جناح‌بازی و حزب‌بازی‌ها. از این لحاظ است که می‌شنویم مردم از احزاب و جناح‌ها خسته شده‌اند و رییس جمهور دولت تدبیر و امید نیز تاکنون نشان داده است که دقیقاً به این امر، واقف است و لذا فارغ از همه‌ی احزاب و گروه‌ها، رسیدگی به زندگی مردم و زدودن مشکلات آنان را در سرلوحه‌ی کاری خودش قرار داده است و حقا که کاری مبتنی بر واقعیت اجتماعی، درست، اصولی و عقلانی است و جا دارد که اصحاب فکر و رسانه هرچه بیشتر به تقویت این روش و دولت برآمده از عقلانیت اجتماعی، بپردازند.

* پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری

فصل سوم:

گفتمان و ظرفیت روحانی

اهتمام به قانون و مقررات

ارزش و اثرگذاری قانون را در زمانی بیشتر درک و احساس می‌کنیم که فقدان و خلاء آن را تصور کنیم. دولت‌های نهم و دهم شاهد مثال خوبی برای بی‌اعتنائی و بی‌توجهی به قانون به حساب می‌آیند؛ عمده‌ترین مشکل اصولی و زیربنایی دولت احمدی نژاد که در واقع، علت‌العلل همه‌ی مشکلات و قضایا محسوب می‌شد. شخص احمدی نژاد خیلی معتقد و پایبند به قانون و مقررات نبود. او برخی از قوانین را به صورت ناقص و دل‌بخواهی اجرا می‌کرد و برخی را نیز دور می‌زد و برخی را هم اصلاً قبول نداشت و اجرا نمی‌کرد و مجلس را هم در رأس امور نمی‌دانست! و به عبارتی؛ قوانین را خود، تأویل و تفسیر به رأی می‌کرد! در یکی از سایت‌های اصول‌گرا چنین آمده: «جالب آن جاست که محمود احمدی نژاد گویا تنها تشخیص خود را قبول دارد و معتقد است مجلس (متشکل از ۲۹۰ نماینده)، شورای نگهبان (متشکل از ۱۲ فقیه و حقوقدان) و مجمع تشخیص مصلحت نظام (متشکل از بیش از ۳۰ نفر) قوانین را برخلاف قانون اساسی تصویب می‌کنند و تنها اوست که تطابق قوانین با قانون اساسی را می‌تواند تشخیص دهد.»!! (۱)

سخنگوی طراحان سؤال از رییس جمهور اظهار می‌دارد: «از آخرین جلسه

علنی سال ۹۰ مجلس چنین برداشت می‌کنم که قانون‌گزیزی و بی‌توجهی به قانون که به شخص آقای احمدی نژاد نسبت داده می‌شد، در این روز اثبات شد... در مورد بحث خانه نشینی ۱۱ روزه آقای احمدی نژاد که در واکنش به حکم صریح مقام معظم رهبری اتفاق افتاده بود، دیدیم که رییس جمهور به صراحت از پاسخگویی فرار کرد و حاضر به پاسخگویی نشد و هنگامی که پاسخ صریحی داده نمی‌شود، می‌توان چنین تعبیر کرد که آقای احمدی نژاد به نوعی عملکرد خود را تایید کرده است.» (۲)

حداد عادل نیز قانون‌گزیزی را از خطاهای فاحش احمدی نژاد برشمرد و گفت: «در ۳ سالی که من رییس مجلس بودم احمدی نژاد به هیچ یک از قانون‌هایی که تصویب می‌شد عمل نمی‌کرد. نمونه آن قانون کنکور بود که چند روز مانده بود به کنکور اما هنوز توسط احمدی نژاد ابلاغ نشده بود...، بی‌اعتنایی به تخصص و دانش نیز از دیگر خطاهای احمدی نژاد بود و هر چه که خود به فکر و ذهنش می‌رسید فکر می‌کرد همان درست است.» (۳)

بنابراین، شواهد و قرائن زیادی دال بر تخطی از قانون، بی‌اعتقادی، بی‌توجهی، بی‌اعتنایی و بی‌احترامی احمدی نژاد به قانون وجود دارد، که اصولاً همین ویژگی عمده منفی به تنهایی می‌تواند به عنوان دلیل قوی رد صلاحیت او اقامه شود. آن روی سکه‌ی بی‌احترامی به قانون نیز مشخصاً؛ استبداد است. بدین ترتیب، در مقام مقایسه بین دولت دهم و یازدهم و دو رییس جمهور اسبق و فعلی از نظر قانون‌مداری و قانون‌گرایی، تفاوت از زمین تا آسمان است. با این اوصاف، اهتمام جدی دولت روحانی به قانون و مقررات، یکی از ویژگی‌های ممتاز و بارزی است که می‌تواند نقطه‌ی عطفی در کارنامه‌ی دولت او به حساب آید و ملت ایران را به ادامه و تداوم دولت تدبیر و امید، هر چه بیشتر ترغیب و امیدوار کند.

منابع:

۱. پایگاه خبری تحلیلی صراط، ۱۵ آذر ۱۳۹۱ - ۱۶:۰۶
۲. سایت آفتاب نیور، کد خبر: ۱۵۰۸۵۲۰۱۵، فروردین ۱۳۹۱، مردم سالاری،
۳. سایت خبری تحلیلی الف، دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

گفتمان مطلوب روحانی

تحقیقا «گفتمان روحانی»، یکی از عوامل مهم و کلیدی پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ محسوب می‌شود. او قبل از آغاز تبلیغات انتخاباتی، خصوصا از نظر افکار و اندیشه، خیلی برای مردم شناخته شده نبود. درست گفته‌اند، که تا مرد سخن نگفته باشد؛ عیب و هنرش نهفته باشد، اینجا مصداق تام دارد. سخنان او در بین هفت کاندیدای دیگر (عارف، حداد عادل، رضائی، جلیلی، قالیباف، ولایتی و غرضی)، امید و گیرایی بیشتری در بین مردم ایجاد می‌کرد. سخنانش؛ حرف‌های نو و تازه‌ای بود که تاکنون بر لب کاندیدایی جاری نشده بود. او از جمله اولویت‌های خود در صورت انتخاب برای ریاست جمهوری را این‌گونه عنوان کرد و گفت: «دولت من، دولت تدبیر و امید است و گفتمان آن، «نجات اقتصاد، احیای اخلاق و تعامل با جهان» خواهد بود.» (۱)

مسیح مهاجری در باره لحن و بیان مثبت روحانی می‌گوید: «من قبل از انقلاب و بعد از آن در همه مسائل حضور داشتم و آقای روحانی را یکی از رؤسای جمهور موفق و آبرودهنده به نظام در مقابل هشت سال بی‌آبرویی می‌دانم. ایشان به گونه‌ای سخن می‌گوید که ما سرمان را بالا نگه می‌داریم؛ بنابراین شورای نگهبان باید با افتخار، صلاحیت چنین فردی را تأیید کند.» (۲)

ادبیات معقول، منطقی و علمی روحانی از ابتدا تاکنون ملهم از امید، اعتدال و عقلانیت بوده است. به طور مثال در ۲۸ مرداد ۱۳۹۴ و در آستانه دهمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی، حسن روحانی، رئیس جمهوری در نشست مشترک هیئت دولت و استانداران سراسر کشور، با بیان این که مجلس شورای اسلامی آینده، متعلق به یک حزب و جناح نخواهد بود، گفت: «مگر مجلس اول که در آن زمان حتی شورای نگهبان [نیز] وجود

نداشت، بهترین مجلس تاریخ این کشور نبود؟... شورای نگهبان «چشم» است و نمی‌تواند کار «دست» را بکند. این نظر مقام معظم رهبری و گفته قانون اساسی ماست و مگر می‌شود جناحی بگوید که من یک خم رنگریزی پیدا کرده‌ام که می‌توانم آنجا را به هر رنگی که بخواهم درآورم؛ این گونه نیست. ما جایی را در کشور نداریم که بخواهد افراد صالح و دلسوز را که می‌خواهند با استفاده از تجربیاتشان به کشور خدمت کنند حالا از هر جناحی که باشند، رد صلاحیت کند! تمام گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی قانونی، مورد احترام هستند. همه از نظر دولت، برابرند و آن جایی که باید بگوید فردی برای شرکت در انتخابات صالح است یا نه، هیئت‌های اجرایی هستند و ما هیئت اجرایی نداریم که یک جناح را تأیید صلاحیت کند و یک جناح دیگر را تأیید صلاحیت نکند. شورای محترم نگهبان ناظر است نه مجری. مجری انتخابات، دولت است. دولت مسئول برگزاری انتخابات است و دستگاهی هم پیش‌بینی شده که نظارت کند تا خلاف قانون صورت نگیرد. شورای نگهبان چشم است و چشم نمی‌تواند کار دست را بکند، نظارت و اجرا نباید مخلوط شوند باید به قانون اساسی کاملاً توجه کرده و عمل کنیم.» (۳)

روحانی در همایش سراسری فرماندهان ناجا در ۹۴/۰۲/۰۵، سخنی ظریف و بدیع درباره وظیفه‌ی پلیس در ایران گفت: «پلیس موظف به اجرای اسلام نیست، هیچ پلیسی نمی‌تواند بگوید من این کار را کردم چون خدا گفته است، پلیس یک وظیفه بیشتر ندارد و آن هم اجرای قانون است.» یا در خصوص بهشت اجباری، معتقد است که: «نباید در زندگی مردم هر چند به خاطر دلسوزی، دخالت کنیم و به زور و با شلاق نمی‌شود مردم را به بهشت برد.» (۴)

حسن روحانی در مراسم تنفیذ هم، ادبیات شیرین و شیوایی دارد: «بگذاریم شایستگان به ملت خدمت کنند و سینه‌ها از کینه‌ها، پاک شود. بگذاریم که آشتی، جای قهر و دوستی، جای دشمنی بنشیند. بگذاریم که اسلام با چهره رحمانی‌اش و ایران با چهره عقلمانی‌اش و انقلاب با چهره

رحمانی و نظام با چهره عاطفی اش، همچنان حماسه بیافریند.» (۵) قابل ملاحظه است که روحانی، مسائل را خیلی خوب، شیوا و رسا مطرح می‌کند و این «گفتمان مطلوب» بدون تردید، یکی از ویژگی‌های مثبت و عامل موفقیت فرد است که هر کسی به راحتی ندارد.

منابع:

۱. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری

۲. سایت اصلاح نیوز، ۸ شهریور ۹۵

۳. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری

۴. همان

۵. همان.

عامل وحدت و محور تجمیع

گفتمان سیاسی روحانی که از میانه روی او نشئت گرفته، موجب شده که اصلاح‌طلبان، طیف‌های معتدل و میانه‌روی اصولگرایان و مستقلین به وی روی آورده و اقبال نشان بدهند. گفتمانی که دلالت بر رویکرد «فراجاحی» او دارد. با این سیره و رفتار روحانی، همه‌ی طیف‌های فکری و جناحی، می‌بینند که او مشترکات زیادی با آنها دارد؛ حرف‌های اصلاح‌طلبانه می‌زند، عقاید اصولگرایی دارد، نظرات مستقلی دارد، میانه‌روی دارد، حرف حساب، درست و منطقی را از هر کسی که باشد می‌پذیرد، خودرأی و متکبر نیست، در انحصار جناح و گروه خاصی قرار ندارد. بنابراین، روحانی با این اوصاف و عملکرد، در واقع می‌تواند همه‌ی طیف‌ها و جناح‌های سیاسی را نمایندگی کند.

اگر بشود کسی را در بین کاندیداهای ریاست جمهوری پیدا کرد که معدل و میانگین عقاید و نظرات جناح‌ها و گروه‌های سیاسی باشد؛ یعنی همه‌ی احزاب سیاسی به نوعی، وجه اشتراکی با او داشته باشند، این حقیقتاً حسن مهم و امتیاز بزرگی خواهد بود. کسانی که دل‌شان برای انسجام و وحدت ملی می‌تپد، آن‌هایی که معتقدند در سایه‌ی وحدت و همگرایی و هم‌افزایی، آسان‌تر می‌شود به اهداف انقلاب، نظام و ملت دست یافت، یقیناً به فکر آدم جامع‌ای — چون روحانی هستند که عملاً بتواند همه را به حساب آورد و با همگان فارغ از عقاید حزبی و سیاسی، تشریک مساعی داشته باشد و آنان را برای تأمین اهداف ملی به کار بگیرد. عملکرد دوره‌ی اول ریاست جمهوری روحانی، به خوبی نمایانگر رویکرد و روحیه‌ی دگرخواهی، تفاهم‌طلبی و وحدت‌آفرینی اوست. و او بجد باور دارد که امنیت ملی ایران اسلامی، متأثر از وحدت ملی و همدلی آحاد مختلف مردم است.

بنابراین، روحانی تاکنون از هر فرصت و موقعیتی برای تقویت وحدت

و انسجام ملی استفاده کرده است. در سفر به استان البرز (۲۶ آبان ۹۵)، ریاست جمهوری تأکید می‌کند که: «تفرقه، شکاف و دوقطبی کردن جامعه، لطمه به تولید و منافع ملی است.» (۱) و تحقیقا ایشان در ایجاد تعامل و تفاهم با اشخاص و جناح‌های سیاسی، پیشقراول و پیشتاز بوده است. روحانی تأکید می‌کند: «ما آنقدر که نقاط اشتراک داریم، نقاط افتراق و اختلاف نداریم. بنده از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی هر جا که کار کرده‌ام با دو جناح کار کرده و مرتبط بوده‌ام و به خوبی می‌دانم که اشتراکات ما بیشتر از اختلافات است. لذا می‌توانیم به تفاهم برسیم و تفاهم به نفع ملت، مردم، اسلام و کشور است.» (۲)

«در تحلیل تاریخی کار «ماکس ویر»، این مسئله مطرح است که تا چه حد ربط و ضبط امور توسط مردم و اراده‌ی آنها و یا تا چه حد توسط گروه‌های خاص اداره می‌شود. اگر توسط مردم و نمایندگان آنها در مجلس و بر مبنای سخن عقلایی صورت بگیرد، دولت حاصله، دولتی عقلایی خواهد بود و بخردانه است و این نظام بخردانه، جدید و صنعتی است و نشان از دوران مدرن تاریخ دارد... در دوران عقلایی، مهم‌ترین اصل این است که مردم و زندگی مردم و حرکت‌های اجتماعی بنا به معانی آگاهانه‌ای اداره شود که مردم به آن اعتقاد دارند و در تصمیم‌گیری‌های آن شریک هستند و این یعنی زندگی مردم عملاً به دست مردم اجرا می‌شود.» (۳)

معمار فقید انقلاب - حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، همیشه ارکان و سران نظام را از ایجاد تفرقه و اختلاف، برحذر داشته‌اند. سیره‌ی عملی روحانی نیز نشان می‌دهد که او چقدر بر خط ترسیمی‌ی امام و رهبری حرکت می‌کند. با این اوصاف، عقلانیت سیاسی و عرق انقلابی اقتضا می‌کند که به دور از لجاجت سیاسی و غفلت، با واقع بینی و رعایت حق و انصاف، به روحانی بگرویم که نشان داه است می‌تواند عامل وحدت ملی و محور تجمیع احزاب و جناح‌ها باشد و تقریباً کانون جلب اجماع عقلای قوم معرفی شود.

منابع :

۱. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
۲. خبرگزاری مهر، ۳ تیر ۹۴.
۳. تنهایی حسین ابوالحسن، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی (قسمت دوم)، نشر مرنديز، چاپ سوم ۱۳۷۷، صص ۳۱۱-۳۱۲

برنتابیدن تندروی‌ها و افراطی‌گری‌ها

اصولا، تندروی و افراطی‌گری به طور کلی فارغ از هرگونه گرایشات سیاسی و جناحی، امر معقول و پسندیده‌ای نیست. این پدیده‌ی نامیمون غالباً بعد از انقلاب، حادث شده و تاکنون نیز تبعات بس منفی برای انقلاب و نظام بارآورده است. افراطی‌گری‌ها و تندروی‌ها حداقل؛ عده‌ای را از جبهه‌ی انقلاب و دین، خارج می‌کند و برخی را نیز از گرویدن به دین و انقلاب، پشیمان کرده و برمی‌گرداند و علاوه براین، بهانه و حربه به دست مخالفان و دشمنان انقلاب و دین می‌دهد و به نوعی چهره‌ی مذهب و انقلاب را هم خراب می‌کند که همه‌ی این‌ها بدون تردید، موجب ریزش خواهند شد. لازم به ذکر است که از نظر نگارنده، «افراطی‌گری» به زعم برخی از مخالفین؛ یقیناً مترادف با انقلابی‌گری و حزب‌اللهی بودن نیست.

یکی دیگر از خصوصیات مثبت و بارز روحانی، برنتابیدن تندروی‌ها و افراطی‌گری‌هاست. شخصیت معتدل و میانه‌رویی که رفتار و کردارش اصلاً با تندروی‌ها و افراط‌کاری‌ها سازگاری ندارد. او معتقد است که: «از افراط در جمع کردن دشمن و دشمن‌تراشی و از تفریط در زمینه دوستان و علاقه‌مندان به ایران دوری کنید. در واقع اعتدال، حد میان افراط در طرد دیگران و تفریط در جذب مردم است؛ ضمن اینکه اعتدال یعنی راهی که با همه انسان‌ها و مردم با ادب و احترام سخن بگوییم و پاسخی هم که به آنها می‌دهیم، توأم با ادب و احترام باشد.» (۱) همزمان با تحریر این مقاله، سخنرانی علی مطهری نایب رئیس مجلس در روز اربعین (۳۰ آبان ۹۵) در مشهد توسط دادستانی لغو شد! که واکنش رییس جمهور را در بر داشت. روحانی در نامه‌ای خطاب به دو وزیر کشور و دادگستری، خواهان پیگیری سریع ماجرا شد که در قسمتی از نامه چنین آمده است: «...آیا کسانی در مراکز حساس استان نفوذ کرده‌اند که گمان می‌کنند با بستن دهان‌ها و سد

راه سالن‌های سخنرانی، می‌توانند راه پیشرفت و توسعه کشور در مسیر مورد نظر مردم و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای مدظله را ببینند و راه را بر افراطی‌گری و دوقطبی سازی جامعه بگشایند؟» (۲) بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که عمل فوق، دقیقا از مصادیق افراطی‌گری به حساب می‌آید.

رییس جمهوری با اشاره به اینکه افراط و خشونت از ذهن و فکر آغاز می‌شود، اظهار داشت: «متأسفانه برخی اندیشه و فکر افراطی دارند، گاهی هم به نام دین، افراطی می‌اندیشند و دین را افراطی تبیین می‌کنند.» (۳) روحانی اصرار دارد که باید چهره‌ی جذاب اسلام و انقلاب به دنیا معرفی شود و لذا تأکید می‌کند که: «ما باید اسلام رحمانی، اسلام معتدل، اسلام اعتدالی را به جهان معرفی کنیم، ما باید در برابر افراط و خشونت، ایستادگی کنیم. به دنیا بگوییم اسلام، دین افراط نیست، اسلام، دین خشونت نیست، اسلام، دین مماشات است، دین مداراست، دین سمهه سهله است، پس در کنار هم قرار بگیریم.» (۴)

کسی که اسلام را درست نفهمد، فکر می‌کند که باید با زور و جبر، اشخاص را مسلمان کنیم و یا وارد انقلاب کنیم؛ از همین جاست که افراط و تندروی‌ها، شکل بعضا رسمی بخود می‌گیرد که البته، نتیجه‌ی عکس هم خواهد داد. روحانی معتقد است که: «جهاد اسلام برای دفاع از مظلوم است. جهاد اسلام برای دفاع از معابد و کلیساها و کنیسه است. اسلام دین دفاع از همه است، جهاد اسلام از همه دفاع می‌کند.

من از آنهایی که به نام شرق‌شناس و یا اسلام‌شناس به دروغ گفته‌اند؛ اسلام، دین شمشیر است، می‌پرسم آیا اسلام در اندونزی با شمشیر وارد شد؟ از آنها می‌پرسم در شرق آسیا، آیا اسلام با شمشیر وارد شد؟

اسلام، دین شمشیر نیست، اسلام، دین دعوت و منطق است. اسلام، هرگز دین را به کسی تحمیل نمی‌کند. لا اکراه فی الدین. دین، با شمشیر

مفهوم ندارد. دین یعنی اعتقاد، مگر با شمشیر، اعتقاد بوجود می‌آید؟! این حرف، دروغ است که مرزهای اسلام، مرزهای خون است. مرزهای اسلام، مرزهای عقلانیت و منطق و رحمانیت است. پیامبر عظیم‌الشان (ص) ما، پیامبر رحمت بود. من از شما می‌پرسم شما علمای دین، شما فرهیختگان، دانشمندان، آیا پیغمبر (ص) در روزی که اسلام هنوز آن چنان قدرت نیافته بود و وارد مدینه شدند و آن روز آغاز تشکیل حکومت اسلامی بود، رفتارشان در مدینه با یهود و نصاری، افکار و عقاید دیگر چگونه بود و آیا نسبت به آن روزی که پیغمبر در سال آخر، در اوج قدرت بود، فرق کرد؟! آیا در مدینه، پیروان سایر مذاهب زندگی نمی‌کردند؟ پیامبر (ص) نه یهودی‌ها و نه نصاری را از مدینه اخراج کرد، حتی آنهایی را که می‌دانست منافق هستند، تحمل کرد. (۵)

بنابراین، اندیشه‌ی بلند و جامع‌نگری روحانی از امتیازهای مهم اوست که می‌شود وی را از این منظر، متأثر از شهید بهشتی، شهید مطهری و هاشمی رفسنجانی معرفی کرد.

منابع:

- ۱، ۲، ۳، ۴. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری.
۵. سخنان روحانی در کشور اندونزی- در جمع علما و دانشمندان اسلامی ۳/۲/۹۴

روحانی و انتخابات سال ۸۸

انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ هنوز، به عنوان معیار و محکی است که زیدگان و نخبگان سیاسی خصوصاً کاندیداهای ریاست جمهوری، کابینه وزیران و نامزدهای مجلس را در هر دوره با آن می‌سنجند که این اشخاص و یا متقاضیان خدمت در نظام جمهوری اسلامی، چه موضع و یا تبیین و تحلیلی در خصوص علل ایجاد آن حوادث دارند. حوادث تلخی که هنوز به درستی تبیین نشده و نکات ابهام فراوانی در بر دارد. حسن روحانی با توجه به سوابق و تجارب خدمتی - در مراکز امنیتی و خصوصاً در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، کسی نیست که از پشت پرده‌ی حوادث سال ۸۸ بی‌خبر بوده و مطلع نباشد. بنابراین، رویکرد و نگاه وی می‌تواند مهم و قابل تأمل باشد.

روحانی معتقد است اگر در مناظرات انتخاباتی، جلوی تهمت‌ها را می‌گرفتم وقایع ۸۸ پیش نمی‌آمد. وی در جواب خبرنگار گفت: «من همان زمان، مواضع خود را به صورت شفاف در این زمینه بیان کردم. برای بازخوانی صحیح و دقیق این وقایع تلخ، لازم است که به گذشته بازگردیم. کلید این وقایع در مناظره‌های تلویزیونی خورده شد که باید جلوی آن می‌ایستادیم. اگر در همان زمان، صدا و سیما جلوی اتهام‌زنی و دروغ‌گویی را می‌گرفت و یا به افرادی که به آنها تهمت زده شده بود، اجازه دفاع از خود را می‌داد، ما با حوادث بعدی روبه‌رو نمی‌شدیم.» (۱) روحانی صدا و سیما را در فتنه ۸۸ مقصر می‌داند و اظهار می‌دارد: «فتنه ۸۸ از زمانی شروع شد که در صداوسیما تهمت‌های ناروایی به افراد زده شد، باید از ابتدا با حرکتی که نمی‌پسندیدیم، مقابله می‌کردیم. صداوسیما باید همان روز به تمام کسانی که مورد اتهام واقع شدند وقت می‌داد. در مورد حوادث سال ۸۸ باید با تساهل برخورد کنیم، اما اگر قرار است در این‌باره زمانی بحث کنیم، ما حرف برای

گفتن زیاد داریم. (۲)

از نظر روحانی، فتنه‌ی ۸۸ ابعاد پنهان و نهفته‌ی فراوانی دارد که هنوز آشکار نشده است. او در مقابل کاسبان فتنه اظهار می‌دارد: «۴ سال است که فتنه، فتنه می‌کنند و خیلی چیزها است که مردم نمی‌دانند و اگر زمان آن برسد، همه را بازگو خواهیم کرد. ۴ سال است که آن وری شنیدید، یکبار هم این وری بشنوید، ناراحتی ندارد. (۳)

روحانی، مشخصاً ریشه‌ی فتنه را قبل از ۸۸ می‌داند و پیش از انتخابات ریاست جمهوری در سخنرانی خود در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بیان می‌دارد: «... حضور مردم یک اعتراض طبیعی بود، اما ادامه آن را نمی‌پسندیدم، چرا که ادامه آن نمی‌توانست مسئله را حل کند، پیشنهاد من این بود که ۲۰ درصد صندوق‌ها را به صورت تصادفی بشماریم و اگر اختلافات بسیار بود همه صندوق‌ها بازشماری شود. اما این پیشنهاد عملی نشد، بنابراین به نظر من ادامه تظاهرات خیابانی نیز ثمری نداشت.» (۴) وی در ادامه گفت: «فتنه از سال قبل از سال ۸۸ بود ای کاش وقتی حرکت خلاف قانون در صدا و سیما انجام گرفت، مسوولین اقدام می‌کردند. (۵)

و نهایتاً روحانی ضمن تأکید به انجام هر گونه اعتراضی در چارچوب قانون، اظهار می‌دارد که پس از سخنان مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ادامه‌ی اعتراضات خیابانی را به صلاح نمی‌دانست که حقیقتاً نیز همین‌گونه است. روحانی در دانشگاه شیراز در جمع دانشجویان و اساتید این دانشگاه در پاسخ به این سؤال که نظرتان درباره وقایع پس از انتخابات سال ۸۸ چیست؟ می‌گوید: «اعتراض اولیه بخشی از مردم پس از انتخابات و برخی از انتقادات، طبیعی بود. گرچه هر حرکتی باید از مسیر قانونی‌اش انجام شود، اما بعد از این که مقام معظم رهبری نظرشان را در نماز جمعه به صراحت اعلام کردند که هرگونه اعتراضی باید در چارچوب قانون ادامه پیدا می‌کرد می‌بایست اعتراض‌ها شکل قانونی به خود می‌گرفت.» (۶) اما

روحانی اصولاً معتقد است که نباید همه در آتش فتنه بسوزند و حربه‌ای برای فرصت‌طلبان و کاسبان فتنه ایجاد شود، لذا در آخرین روز رأی اعتماد به وزرا در مجلس شورای اسلامی، در دفاع از وزیران کابینه خود گفت: «چند سال پیش، حوادث تلخی رخ داد، عده‌ای اردوکشی خیابانی کردند و عده‌ای دیگر کهریزک درست کردند، همه می‌دانیم کارهای ناپسندی صورت گرفت. همه باید تلاش کنیم آتش‌ها با تدبیر خاموش شود. به دستگاه قضایی اعتماد داریم. عده‌ای احضار، عده‌ای متهم و عده‌ای هم محکوم شدند که تعداد آنان مشخص است. (۷)

بدین ترتیب، موضع واقع‌گرایانه، منصفانه، منطقی و اصولی حسن روحانی در خصوص فتنه‌ی ۸۸، صریحاً روشن و شفاف است و هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای را به دست فرصت‌طلبان و کاسبان فتنه نخواهد داد.

منابع:

۱. سایت فرهنگ نیوز، تالار جاسبی دانشگاه آزاد کرج، ۹۲/۲/۱۹
۲. خبرگزاری ایستا، ۹۲/۲/۱۷
۳. سایت صدف نیوز.
۴. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
۵. خبرگزاری فارس ۹۳/۱۰/۱
۶. سایت دیدبان.

فصل چهارم:

روحانی و ارزش‌های انقلاب

روحانی و دفاع از رهبری نظام

اصولا ارتباط تنگاتنگ و سیسماتیک بین ریاست جمهوری و جایگاه عالی رهبری، متضمن پیشبرد اهداف انقلاب و نظام است که خردورزی و عقلانیت روحانی نیز این هم‌افزایی و همگرایی را تأمین و تضمین خواهد کرد. علاوه براین، مشترکات زیادی بین این دو بزرگوار وجود دارد؛ هر دو در کسوت روحانیت‌اند، هر دو از مبارزین قبل از انقلابند، هر دو در مجلس شورای اسلامی بودند، هر دو در روحانیت مبارز بودند، هر دو در جنگ تحمیلی مسوولیت داشتند، هر دو در مجلس خبرگان بودند. این سوابق و جوه اشتراک، طبعاً امتیازاتی است که روحانی را تقویت خواهد کرد تا امور کشور و ملت را بهتر مدیریت کند. رییس جمهور امنیت کشور را مرهون رهبری نظام می‌داند و معتقد است: «امنیت امروز جمهوری اسلامی ایران در سایه برنامه‌ها و تدابیر رهبر معظم انقلاب تأمین شده است و شکر این نعمت با وحدت بیشتر و کمک به دنیای اسلام برای نجات کشورها از تروریسم و دخالت بیگانگان، میسر خواهد بود.» (۱)

روحانی ضمن قلمداد کردن رهبری به عنوان مرکز ثقل و محور وحدت، از اختلاف‌افکنان و تفرقه‌اندازان، اعلام نارضایتی کرده و اظهار می‌دارد:

«متأسفانه عده‌ای دنبال تفرقه و اختلاف‌افکنی هستند. با صراحت اعلام می‌کنم که رهبری، رهبر همه ماست. طبق معیارهای شرعی، قانونی و ملی، دولت به طور کامل از رهنمودهای رهبری تبعیت می‌کند و هر زمانی که دستور بدهند، عیناً درصدد تحقق آن خواهیم بود.» روحانی خاطر نشان کرد: «عظمت رهبری، عظمت همه ما، عظمت نظام و کشور است و تضعیف ایشان، تضعیف همه ما، کشور و نظام است.» (۲) روحانی با استقبال از نامگذاری سال ۱۳۹۵ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» خاطر نشان کرد: «این نشان می‌دهد که مسئله اصلی به تشخیص رهبری هم اقتصاد است و ما عمیقاً به این سیاست اعتقاد داریم و از همه وزرا می‌خواهم که ضمن گزارش اقداماتی که تاکنون در جهت تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی انجام داده‌اند، همه تلاش خود را برای پیگیری و اجرای کامل این سیاست‌ها به کار گیرند.» (۳)

روحانی، کم‌توجهی و اهانت به مقام ولایت را خواسته‌ی قدرت‌های استکباری می‌داند و تأکید می‌کند: «اهانت به مقام ولایت، اهانت به ملت است. اهانت به ایران است. اهانت به اسلام است. اهانت به مسلمانان است. اهانت به همه آزادگانی است که قلب‌شان برای ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام می‌تپد، بنابراین، این حرمت‌شکنی نه برای مردم ما و نه برای عاشقان انقلاب در سراسر جهان، قابل تحمل نیست، گرچه آن‌هایی که به این عمل زشت دست زده‌اند، تعدادشان بسیار اندک است، اما در عین حال، لبخند و تشویق استکبار جهانی و امیدهای نابخردانه‌ای که در آنها ایجاد کرد، نشان می‌دهد که قدرت‌های استکباری توسط مزدوران‌شان، سنگ زیرین این بنا را مورد هدف قرار داده‌اند.» (۴) بنابراین، دشمنان و برخی از مخالفین سیاسی نیز در صدد بوده و هستند که بین رهبری نظام و یارانش، اختلاف و تفرقه بیندازند که باید با هوشیاری، مراقب این شیطنت‌ها و دسیسه‌ها بود؛ هم‌چنان که روحانی با قاطعیت و موضع‌گیری درست، آنان را خلع سلاح کرده است.

منابع:

۱. سایت عصر ایران، ۸ دی ۹۴
۲. سایت شهدای ایران، ۹ فروردین ۹۵
۳. همان،
۴. خبرگزاری فارس، ۱/۱۰/۹۳

روحانی و ۹ دی

واکنش عمومی آحاد مردم طی راه‌پیمایی و تظاهرات خیابانی به حرمت شکنی‌های هتاکان و فرصت‌طلبان حوادث جنجالی انتخابات ۸۸، که در روز ۹ دی سال ۸۸ در تهران انجام گرفت، اصطلاحاً به «حماسه‌ی نهم دی» معروف شد. مقام معظم رهبری در باره ۹ دی فرمودند: «مسوولین کشور الحمدلله چشم‌شان هم باز است، می‌بینند؛ می‌بینند مردم در چه جهتی دارند حرکت می‌کنند. حجت بر همه تمام شده است. حرکت عظیم روز چهارشنبه‌ی نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مسوولین قوه‌ی مجریه، مسوولین قوه‌ی مقننه، مسوولین قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صححنه‌اند و چه می‌خواهند. دستگاه‌ها باید وظایف‌شان را انجام بدهند؛ هم وظایف‌شان در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضدانقلاب و ضدامنیت و این‌ها، هم وظایف‌شان در زمینه‌ی اداره‌ی کشور.» (۱)

بدون تردید حماسه‌ی نهم دی ماه برای حمایت از جناح، حزب و گروه‌ی خاص سیاسی شکل نگرفت؛ اما هر چند که برخی به ناصواب از آن برای تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی، سوءاستفاده کردند. حجت‌الاسلام حسن روحانی در جلسه هیئت دولت در هشتم دی، با گرامیداشت روز ۹ دی گفت: «حضور مردم در این روز، برای دفاع از اسلام، مقدسات و ادای احترام به اباعبدالله‌الحسین (ع) و حمایت از انقلاب و رهبری بود.» (۲) روحانی با بیان فوق، بر هرگونه سوء استفاده‌های سیاسی مزورانه از حضور مردمی نهم دی، خط بطلان کشیده است.

روحانی به عبرت‌گیری و درس‌آموزی از حادثه‌ی نهم دی تأکید دارد. رییس جمهوری اظهار داشت: «باید از حماسه حضور مردم در نهم دی در مسیر تحکیم وحدت، همدلی و قانون‌گرایی استفاده کنیم و نباید اجازه دهیم، هیچ حادثه‌ای در تاریخ کشور، تبدیل به وسیله‌ای برای ایجاد اختلاف

و تفرقه شود.» روحانی ضمن هشدار به بهره برداری‌های سیاسی از ۹ دی، تصریح می‌کند: «نهم دی به معنای بیعت مجدد با جمهوری اسلامی ایران، رهبری، انقلاب اسلامی، اصل ولایت فقیه و خاندان امامت و روز همدلی، اتحاد، انسجام و وحدت ملی است.» از نکات مثبت برجسته‌ی روحانی این است که از هر فرصت و موقعیتی می‌خواهد برای تقویت وحدت و انسجام ملی استفاده کند و این عمل خردمندانه‌ی انقلابی، انصافاً از زیرساخت‌ها و نیازهای اصلی و حقیقی جامعه‌ی امروز ماست و روحانی، خیلی با ظرافت و هنرمندانه دارد این هدف و رویه را دنبال می‌کند که حقا باید او را ستود و به او احسنت گفت. مؤید نظرم، این تأکید رییس جمهوری است که خاطر نشان می‌کند: «امروز و در شرایطی که بیش از هر زمان دیگری، نیاز به وحدت و اتحاد داریم، نباید در داخل، تفرقه و فاصله ایجاد شود و اگر فاصله‌ای نیز هست، باید تلاش کنیم تا آن را کم و کم‌تر کنیم.» (۳) بنابراین، با توجه به نظرات روحانی در خصوص کارکردهای سیاسی، اجتماعی ۹ دی، باید از این ظرفیت برای تقویت و انسجام ملی و غایتاً اصلاح امور، توسعه و پیشرفت همه جانبه‌ی کشور استفاده کرد نه بهره‌برداری‌های سیاسی و جناحی صرف که راه به جایی نخواهند برد.

منابع:

۱. بیانات رهبری در دیدار مردم قم در سالگرد قیام نوزدهم دی ماه ۱۳۸۸/۱۰/۱۹
۲. سایت دیدبان.
۳. خبرگزاری مهر، سخنان روحانی در چاه‌بهار، ۹ دی ۹۳

روحانی و تفکر بسیجی

تفکر، منش و روحیه‌ی بسیجی اصیل که آمیزه‌ای از ایمان، اخلاق، ایثار و مقاومت اجتماعی است از بدو انقلاب تاکنون و به طور خاص در دوران دفاع مقدس و بسیج سازندگی، خودش را به منصفی ظهور رسانده است. رشادت‌ها، اخلاص و جان‌فشانی‌های بسیجیان جان‌برکف قهرمان در سینه و تاریخ ایرانیان، ثبت و ضبط شده است. کدام ایرانی آزاده‌ایست که خودش را مدیون و مرهون آزادگان، ایثارگران، جانبازان و شهدای بسیجی دوران دفاع مقدس نداند؟! امام خمینی فرموده‌اند: «بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن اذان شهادت و رشادت سرداده‌اند.» (۱) و همچنین فرمودند که: «بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد.» (۲) رهبر معظم انقلاب نیز تأکید فرمودند: فرهنگ بسیجی، فرهنگ معنویت است، فرهنگ شجاعت است، فرهنگ غیرت است، فرهنگ استقلال و آزادگی است. فرهنگ اسیر خواست‌های حقیرنشدن است، خواست‌های زندگی برای همه مهم است، اما آنچه مهم‌تر است آرمان‌ها است، ارزش‌ها، هدف است، آن‌ها را باید مقدم داشت.» (۳)

به نظر روحانی اگر بسیج، درست معنا شود و در جایگاه‌های حقیقی خودش قرار بگیرد، اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران، بسیجی‌اند. از نظر وی: «اگر بسیج به معنای فکر بسیجی و فداکردن منافع شخصی و گروهی برای منافع دینی، ملی و اسلامی است، ما ۷۵ میلیون بسیجی در این کشور داریم.» (۴)

روحانی در خصوص نقش نیروهای بسیجی در دوران دفاع مقدس، معتقد است: «بدون تردید اگر در جنگ ۸ ساله، بسیج نبود، پیروزی‌های بزرگ نیز امکان‌پذیر نمی‌شد. بسیج به معنای عام کلمه، شامل همه کسانی می‌شود که به صورت سازمانی، حمایت‌های مردمی، جهاد سازندگی و عشایر خود

را برای فداکاری آماده می‌کنند.» روحانی اظهارداشت: «نیروهای مردمی، پشتیبان نیروهای مسلح در یک دفاع مشروع و مقدس هستند اما در ایران، بسیج نه تنها از نیروهای مسلح پشتیبانی می‌کند بلکه در خط مقدم دفاع حضور دارد و حتی در ایام عملیات‌های جنگی، آن نیرویی که خط شکن و پیشتاز بود، عمدتاً نیروهای بسیج بودند.» (۵)

به مناسبت هفته‌ی بسیج، رئیس جمهور در جلسه هیئت دولت در خصوص جایگاه بسیج بیان داشت: «بسیج، جناح و حزب نیست بلکه همه ملت ایران است/ بسیج الگوی وحدت ملی است/ با بسیج چنده میلیونی، هیچ کشوری جرأت توطئه علیه ملت ایران را نخواهد داشت/ بسیج باید در صحنه اخلاق، پیشگام و پیش قدم باشد.» (۶) بنابراین، روحانی مواضع صریح و شفاف‌ی در خصوص جایگاه و رسالت بسیج دارد که این نهاد مردمی را به ویژه از آسیب‌های سیاسی روزمره، حفظ خواهد کرد.

منابع:

۱. پایگاه خبری آفتاب، بسیج از دیدگاه امام خمینی، کد خبر ۱۱۴۹۰۶
۲. همان
۳. سخنان مقام معظم رهبری در ۷۴/۷/۹
۴. سایت دیدبان، سخنرانی رئیس جمهور در مراسم ۱۶ آذر به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۵. سایت تی نیوز، کد خبر ۷۴۷۵۸۶۳
۶. پایگاه اطلاع رسانی رئیس جمهور ۹۵/۹/۳

روحانی و سپاه پاسداران

سپاه پاسداران یک فلسفه‌ی وجودی دارد، آغاز و گذشته‌ای دارد، همزاد انقلاب، حافظ و پاسدار انقلاب است. سوابق روشن درخشان با افتخاری را، خصوصا در دوران دفاع مقدس دارد که شهدای زیادی را نیز در همه‌ی مراحل انقلاب و نظام تقدیم کرده است. نهاد انقلابی قانونی است که وظایف تعیین شده‌ای دارد. امام خمینی که حقیقتا اهل تعارف و مبالغه نبود در مورد سپاه، عبارات تاریخی استثنایی دارد که فرمود: «اگر سپاه نبود؛ کشور هم نبود.» و: «ای کاش! من هم یک پاسدار بودم.»

روحانی به شیوه‌ی معمول خود، با رویکرد آسیب شناسی به سپاه، اظهار می‌دارد: «سرمایه معنوی سپاه، خلوص، توسل و اعتقادی است که میان نیروهای آن وجود دارد و این؛ همان سرمایه‌ای است که این نیرو را محبوب دل‌ها قرار داده و اگر خدای ناکرده، این سرمایه سایش پیدا کند، قضاوت مردم نسبت به موقعیت ایثار این بهترین نیروی انقلاب، به تردید مبدل خواهد شد و سپاه دیگر، آن نیرویی نخواهد بود که امام راحل (ره) درباره آن فرمود: ای کاش من هم یک پاسدار بودم.» وی در خصوص تشریح و حفظ سرمایه‌ی اجتماعی سپاه، اظهار داشت: «سپاه باید دژ مستحکم و پناه همه مردم باشد و در این مسیر، مسلمان، غیرمسلمان، شیعه، سنی، روستایی و شهری، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند بلکه سپاه باید در کنار و همراه همه مردم باشد. به بیان امیرالمؤمنین (ع) جنود و نیروهای مسلح باید حصون الرعیّه باشند یعنی پناه و دژ همه مردم. امام نفرمود: «حصون المسلمین» یا «حصون المؤمنین»، نفرموده: «دژ مؤمنین یا مسلمین»؛ بلکه بعنوان پناه همه مردم دانسته است.»

روحانی نیز با پیروی و تأسی از امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری با تأکید بر جایگاه برتر سپاه، آنان را از ورود به بازی‌های سیاسی، برحذر داشته

و بیان می‌دارد: «سپاه باید از جریانات سیاسی به دور باشد؛ چرا که جایگاه او جایگاهی برتر از این جریانات و بازی‌های جناحی است. نباید به جناح یا حزبی وابسته باشد.» رئیس‌جمهور با بیان اینکه مبارزه با فساد و قاچاق کالا از دیگر موضوعاتی است که سپاه باید در این زمینه نیز از توان خود استفاده کرده و نقش‌آفرینی کند، تصریح کرد: «مردم همان‌طور که در جنگ، معنویت و خلوص سپاهیان را درک کرده‌اند، امروز هم باید شاهد خلوص سپاه برای حرکت چرخ‌های تولید در جهت رشد و پیشرفت روزافزون باشند.»

روحانی باور دارد که از ظرفیت و توانمندی‌های سپاه می‌شود در اقتصاد ملی کشور کمک‌گرفت و بدین‌گونه تصریح دارد که: «سپاه دارای توان نیروی انسانی، تجهیزات و برنامه‌ریزی است و باید امروز در شرایطی که دشمن، اقتصاد را هدف قرار گرفته وارد عمل شده و با شناختی که از شرایط کشور و ملت دارد، آستین را بالا زده و بخشی از بار مردم، نظام و دولت و چند پروژه ملی و بزرگ را بر عهده گیرد.* بنابراین با توجه به شناخت عمیق روحانی از سپاه، دشمنان و برخی از مخالفین نخواهند توانست بین نهادهای انقلاب و رئیس‌جمهور، اختلاف ایجاد کنند و به قول خود روحانی؛ که این‌ها آب در هاون می‌کوبند!

* پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، سخنرانی در بیستمین مجمع سراسری فرماندهان و مسئولین سپاه، ۲۵ شهریور ۹۲

روحانی و هماهنگی بین قوا

روحانی اصولاً به کار جمعی، گروهی، مشترک و اجماع نظرات دیگران، اعتقاد راسخی دارد که بی ارتباط با تجارب و سوابق کاری وی، به ویژه در مرکز تحقیقات استراتژیک نیست. روحیه‌ی اعتدال‌گرایی و میانه‌روی، او را ذاتاً از هرگونه تکروری و استبداد رأی بازداشته است. این اعتقادات، روحیه و تجارب کاری؛ پشتوانه‌ی محکمی است که روحانی را به تفکر و اندیشه در خصوص ایجاد وحدت و تشریک مساعی بیشتر با دیگران واداشته است. و بدین گونه است که تأکید می‌کند: «قبلاً هم گفته‌ام مسایل کشور با وحدت و اتحاد و هماهنگی بین قوا، پیش می‌رود و حتماً دولت به تنهایی قادر به برطرف کردن همه مشکلات نیست و دولت نیازمند به حمایت مجلس است. دولت نیازمند به حمایت قاطع مقام معظم رهبری و حمایت مردم است و مجلس نقش بسیار تاثیرگذاری در حمایت از دولت دارد.» (۱) در واقع، هماهنگی کامل بین قوا، خصوصاً دولت و مجلس در کنار حمایت قاطع رهبری و مردم، از شروط و عوامل اصلی موفقیت نظام و کشور به حساب می‌آیند که به درستی مدنظر روحانی قرار دارند.

روحانی در خصوص ضرورت و نیاز دائمی به همدلی، همفکری و هماهنگی در کشور تأکید دارد که: «شعار سال گذشته از سوی رهبری مبنی بر «همدلی و همزیانی» باید برای همیشه جاری بوده و در این راستا باید همواره بین مردم و قوا، همدلی و همفکری وجود داشته باشد.» (۲) رییس جمهور با اشاره به اینکه امروز برخی بدخواهان انقلاب و نظام در خارج از کشور به دنبال این هستند که نشان دهند میان قوا و مسوولان، اختلاف وجود دارد و مسیرهای جداگانه‌ای در کشور دنبال می‌شود، تأکید کرد: «بسیار مهم است که دنیا بفهمد هدف و آرمان ما، واحد بوده و قوای سه‌گانه تحت هدایت‌های مقام معظم رهبری به راه و وظایف خود با نشاط و قدرت

ادامه می‌دهند.» (۳) عقلانیت و تعهد روحانی، او را به این باور رسانده که موفقیت در امور کشور؛ در سایه‌ی هر چه بیشتر تعامل، مشارکت، هم‌افزایی، خرد جمعی، اتحاد و هماهنگی قوا و مسوولان، تحت حمایت و هدایت‌های رهبری نظام بدست خواهد آمد.

رفتار و برخورد روحانی در خصوص ایجاد هماهنگی و وحدت بین قوا با رییس جمهور قبلی، قابل مقایسه نیست. خبرنگار ایرنا از چهره شاخص اصولگرا- سید مرتضی نبوی، مدیر مسوول روزنامه رسالت سؤال می‌کند که: «آیا همکاری بین قوا نسبت به دوران دولت دهم بهتر شده است؟»

نبوی: نوع برخورد رییس جمهور قبلی با دیگر قوا، خیلی متفاوت بود. به نظر من تعامل بین قوا در زمان روحانی نسبت به آن موقع، خیلی فرق کرده و دیگر در صحنه بیرونی، شاهد آن اختلافاتی که زمان احمدی نژاد بین قوا رخ می‌داد، نیستیم.» (۴) اصولاً موفقیت در مدیریت امور اجرایی کشور، در گرو بستر، شرایط مساعد و لوازم کار است. در جو قهر و اختلاف که هماهنگی ایجاد نمی‌شود تا شرایط مناسب کاری ایجاد شود. بنابراین، ملاحظه می‌شود که روحانی با آسیب شناسی دقیق از دولت دهم، در صدد برآمده است که اشکالات و نواقص گذشته را برطرف کرده و مسیر رشد و تعالی کشور را عالمانه هموار کند و به پیش ببرد و این؛ یقیناً اصلاح امور است، حرکت به جلوس و موفقیت‌آمیز خواهد بود و جواب خواهد داد.

منابع:

۱. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
۲. پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین
۳. همان
۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹۵/۵/۳۱

فصل پنجم:

عقلانیت و منطق روحانی

روحانی و منطق برد- برد

زورگویان و مستکبران دنیا طبعاً بر تمامیت طلبی و یکه‌تازی پافشاری می‌کنند و در مقابل آن‌ها؛ برخی از اشخاص و کشورهای تا حدودی مستقل و انقلابی تحت فشار نیز بنا دارند که همان رویه و منطق را در قبال‌شان اعمال کنند که مسلماً با ادامه‌ی این شیوه، هر دو طرف، متضرر خواهند شد و کار بسامانی صورت نخواهد گرفت و عملاً کارها گره خواهد خورد و مشکلات لاینحل هم‌چنان باقی خواهند ماند. در این خلا است که روحانی با تدبیر، آسیب‌شناسی و واقع‌بینی، راه چاره و حل معما را در ارائه و به کارگیری «منطق برد- برد» می‌بیند. در واقع، او راه سومی را مطرح می‌کند و تأکید می‌کند: «این تفکر که در برابر دنیا دو راه بیشتر در برابر ما نیست یا شکست دیگران یا تسلیم، منطقی پشت آن نیست. راه سومی [هم] هست و آن تعامل است. تعامل مبتنی بر منطق و البته توافق برد- برد. توافق برد - باخت جدی نیست و پایدار نمی‌ماند. توافق برد - برد یعنی ما حس کنیم به اهداف مهم خود دست یافتیم و طرف مقابل هم همین طور.» (۱) با توضیح پیش‌گفته، روابط سیاسی، دیپلماسی، تجاری و اقتصادی ایران بعد از انقلاب با آمریکا و کشورهای اروپایی را در همین راستا می‌شود ترسیم کرد.

منطق برد- برد روحانی، مبتنی بر اصول علمی، واقع بینی، اقتناعی و عقلانی بوده و عین دو دو تا- چهار تا، مولای درزش نمی‌رود و با طبع انسانی نیز، سنخیت و سازگاری کامل دارد. آیا می‌شود در معامله و مذاکرات وارد شد و به طرف گفت که شما هیچ سود نکن؛ صفر درصد و من صد درصد؟! یا شما ۱۰ درصد و من ۹۰ درصد؟! مضافاً به این که طرف، صاحب مقام و جایگاه و فرصت‌هایی نیز باشد! آیا این توقع و درخواست، منطقی و عقلانی هست؟! بنابراین، منطق برد- برد؛ راهبردی، کاربردی و مجاب‌کننده است، کارآیی و کارآمدی‌های زیادی دارد که از جمله‌ی آن، فعالان توافقی هسته‌ای است که به زعم روحانی: «توافق هسته‌ای می‌تواند پیروزی دیپلماسی و منطق برد برد بر دیدگاه تحمیل، فشار و زورگویی تمامیت‌طلبان بین‌المللی باشد.» (۲) رییس‌جمهور با بیان این که بنده از روز اول بر یک توافق برد - برد تأکید داشته‌ام، گفت: «این مسئله برای خیلی‌ها روشن نبود و می‌گفتند مگر می‌شود توافق برد - برد باشد، البته به اعتقاد ما این کار در سطح بین‌المللی، شدنی است.»

انتخاب بجا و درست ملت در انتخابات، راهگشا خواهد بود. به اعتقاد روحانی: «ملت ما در سال ۹۲ به دولتی رأی داد که رویکردش نسبت به جهان، تعامل سازنده بود. اگر این رویکرد نبود ما به برجانی نمی‌رسیدیم، ملت به دولتی رأی داد که تفکرش در مذاکرات جهانی برد - برد بود و این پایه‌های موفقیت ما است. اگر ما به فکر برد - باخت بودیم، به پیروزی نمی‌رسیدیم.» (۳) روحانی مسلماً بین درشت‌گویی و درست‌گویی، تمایز قائل است و تعامل سازنده را مبتنی بر درست‌گویی می‌داند. رییس‌جمهور در گفت‌وگویی مستقیم تلویزیونی گفت: انتخابات خرداد ۹۲ یک فرآیند بود که نتیجه‌اش می‌گفت چگونه باید با دنیا برخورد کنیم. ما گفتیم درشت‌گویی پیروز نمی‌شود، درست‌گویی پیروز می‌شود و ما با این منطق، راه درست‌گویی را انتخاب کردیم. (۴)

منشأ توافق هسته‌ای از ابتدا به سخنان روحانی در سازمان ملل برمی‌گردد

که اعتمادسازی از آن مستفاد می‌شود. روحانی خاطرنشان کرد: «یک ماه بعد از ریاست جمهوری، من به نیویورک رفتم و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری را پیشنهاد کردم که مورد موافقت ملت‌ها در سازمان ملل قرار گرفت و اولین گفت‌وگوی وزیر خارجه ایران با وزرای ۱+۵ در آن جا محقق شد.» (۵) کارآیی و درستی منطق برد- برد روحانی در مذاکرات و توافق هسته‌ای، خودش را نشان داد. او خاطر نشان کرد: «ما در این مذاکرات سه هدف مهم داشتیم [که] به آن رسیدیم؛ طرف مقابل هم یک هدف مهم داشت و آنها هم ادعا می‌کنند که رسیده‌اند. به این می‌گویند توافق برد- برد. آنچه امروز به دست آمده نمی‌توانیم بگوییم به آن اعتماد صد در صد داریم. در تجارتی هم که با یک فرد یا کشور انجام می‌دهیم صد در صد مطمئن نیستید طرف عمل می‌کند، اما مکانیزمی می‌گذارید که اگر او توافق را به هم زد، ضرر نکنید.» (۶)

قابل فهم بود که جهان از رییس جمهور جدید ایران، رویکرد و گفت‌مان جدیدی را مطالبه می‌کرد که دقیقاً روحانی می‌دانست چگونه باید پاسخگو باشد و بدین ترتیب، معتقد است که پیروزی ما در مذاکرات، پیروزی غرور و عزت ملی ماست و تأکید می‌کند: «ما به توافق برد- برد دست یافته‌ایم و احساس افتخار می‌کنیم و به همه دیپلمات‌ها و دانشمندان هسته‌ای و شهدای هسته‌ای مان درود می‌فرستیم. موفقیت‌های ما فقط سیاسی و حقوقی و اقتصادی نیست. ما از نظر فرهنگی [نیز] پیروز شدیم و در جهان اثبات کردیم که گفت‌وگو و مذاکره پیروز است و گفت‌مان بر مبنای احترام و تکریم می‌تواند بر تهدید پیروز شود.» (۷) روحانی پس از کارآمدی منطق و استراتژی برد- برد در توافق هسته‌ای، معتقد است که باید همین رویه را ادامه داد و اظهار داشت: «بعد از برجام هم تمام روابط ما با جهان براساس برد- برد خواهد بود. ما نمی‌خواهیم سر کسی کلاه بگذاریم. آن دوره گذشت که می‌گفتند می‌خواهم سر طرف کلاه بگذارم. اگر هم کسی موفق شود کلاه سر طرف بگذارد آن معامله به هم می‌خورد. قراردادی می‌تواند بادوام و پایدار

باشد که برد - برد، منطقی و عادلانه باشد.» (۸) با این اوصاف، به نظر می‌رسد که روحانی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زیادی برای عرضه و ارائه داشته باشد و گفتمان مجاب‌کننده‌ی برد- برد او فعلاً یکی از آن‌هاست که توانسته است گره‌های پیچ در پیچ لاینحل چندین ساله‌ی هسته‌ای را بگشاید.

منابع:

۱. سایت خبرآنلاین، ۱۱ مرداد ۹۴،

۲. خبرگزاری فارس ۹۴/۴/۲۲،

۳. پایگاه خبری تحلیلی نسیم قاین، ۹۵/۱/۱۹،

۴. سایت خبرآنلاین، ۱۱ مرداد ۹۴،

۵. همان،

۶. همان،

۷. همان،

۸. سایت عصر ایران، ۲۱ بهمن ۹۴.

روحانی و جایگاه انتقاد از دولت

به طور کلی اگر انتقاد مثل آینه، شفاف و روشن باشد طبعاً نواقص و عیوب را منعکس خواهد کرد و لذا این کارکرد بسیار مطلوب، می‌تواند برای همگان قابل پذیرش و خوشایند باشد. دولت تدبیر و امید روحانی که بر محور عقلانیت حرکت می‌کند مسلماً و ضرورتاً نمی‌تواند از فواید و ثمرات انتقاد بهره‌مند نشود. اما در جامعه‌ی ما، کم نیستند اشخاص، مدیران و مسوولانی که انتقادهای را بر نمی‌تابند و شدیداً در مقابل منتقدین، عکس‌العمل نشان می‌دهند و انتقادپذیری در هر حال، خیلی بازار پررونقی ندارد که البته علل و عوامل خاص خودش را نیز دارد.

با این اوصاف روحانی، انتقادپذیر بودن را از امتیازات دولت‌ش قلمداد می‌کند و اظهار می‌دارد: « یکی از مشخصات این دولت این است که انتقادپذیر است و هر کس با هر لحنی انتقاد کند، البته ما دل‌مان می‌خواهد لحن انتقاد کاملاً مودبانه و اخلاقی باشد و اعتراض حتماً در چارچوب قواعد بازی باشد، به هر حال دولت از این به بعد قدم‌های بلندتری خواهد برداشت و این قدم کوچک دولت خواهد بود. برخی ممکن است مخالف باشند و یا اعتراض کنند. حق آن‌هاست که اعتراض کنند، اتفاقاً من خودم به دو دستگاه مهم نظرسنجی گفتم که در کشور نظرسنجی دقیق کنند و نظر مردم را بگیرند تا ببینیم این حرکت دولت که گامی به پیش گذاشته است، چقدر موافق و چقدر مخالف دارد، حتی اگر مخالفین راه این دولت یک درصد باشند، آن یک درصد حق دارند حرف بزنند و نقد کنند. منتها همه یادمان باشد که در صحبت، نقد و انتقاد حتماً منافع ملی را در نظر قرار دهیم. حتماً نقد ما سازنده باشد و اخلاقی باشد، همه ما، حالا ممکن است دولت هم به کسی نقد داشته باشد و آن هم به همین صورت است، هیچ اشکالی ندارد اگر کسی نظری و نقدی دارد بیان کند، منتها بدانید که دولت

در یک مسیر دشواری در حال حرکت است و حمایت مردم و نظر مردم و مجلس شورای اسلامی به ویژه حمایت مقام معظم رهبری، سرمایه‌های اصلی ما در این راه هستند، اگر این‌ها نباشد دولت یا نمی‌تواند به اهداف برسد و یا بسیار سخت به اهداف خواهد رسید. ما نیازمند این‌ها هستیم اما در عین حال انتقاد هم آزاد است.»*

هم‌چنان که از سخنان روحانی برمی‌آید؛ اولاً چرا انتقادپذیر نیستیم و ثانياً چرا انتقادات، تأثیرات آن چنانی بر اصلاح امور و زندگی ما ندارد؟ به برخی از عوامل اشاره می‌کند؛ قبل از هر چیز، انتقاد باید، درست و وارد باشد، مؤدبانه و اخلاقی باشد، در قالب لحن و ادبیات نرمی بیان شود، به قصد تخریب و موج‌گیری نباشد، منصفانه و عادلانه باشد، سازنده و به قصد اصلاح باشد. آینه، تمثیل کاملی برای انتقادگویی است. پیامبر فرمود: «المؤمن مرآة المؤمن»؛ مؤمن؛ آینه‌ی مؤمن است. آینه، زشت و زیبا را باهم نشان می‌دهد ولی مگس فقط، روی زخم و جراحت می‌نشیند. بدین ترتیب، روحانی در دولت عقلانیت‌محور خود، ناگزیر از پذیرش انتقاد خواهد بود و البته انتقادی که آینه‌سان باشد و به اصلاح امور بی‌انجامد.

* پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری،

روحانی و انتخابات ایده‌آل

انتخابات آزاد در هر کشوری، مظهر و نماد دموکراسی است. پس از انتخابات تاریخی سال ۸۸ ریاست جمهوری که حرف و حدیث‌های زیادی را از خود برجای گذاشت، روحانی در آستانه‌ی یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری بر «اعتمادسازی و رفع تردیدها» تأکید دارد و اظهار می‌دارد: «ما باید در این انتخابات کاری کنیم که مردم به صندوق رأی اطمینان پیدا کنند. هیچ خیانتی در کشور بالاتر از خیانت به صندوق ملی نیست باید تردیدها را برطرف کنیم... چرا لیست کنار صندوق‌ها محرمانه تلقی می‌شود؟ مردم باید از آرای خود آگاه شوند و بعد باید بلافاصله در

سایت وزارت کشور منعکس شود. هم‌زمان با وزارت کشور، افکار عمومی هم باید بتوانند آرا را جمع بزنند... باید کاری کنیم که انتصابات به انتخابات تبدیل شوند.» (۱)

از نظر روحانی، انتخابات باید موجب فخر و مباهات ما در دنیا باشد و لذا در خصوص انتخابات مجلس و خبرگان رهبری تصریح می‌نماید: «باید با همدلی و هم‌زبانی، شاهد برگزاری انتخابات بسیار خوبی برای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری باشیم. انتخاباتی با حضور و مشارکت گسترده مردم و همه جناح‌های سیاسی که قانون اساسی را قبول دارند؛ انتخاباتی که موجب مباهات و فخر ما در سراسر دنیا شود.» (۲)

روحانی به مراعات اخلاق در انتخابات تأکید دارد و بیان می‌دارد: «امیدوارم همان‌طور که همیشه با خردورزی و ایمان به خدا کار خود را پیش برده‌ایم، دین خود را هرگز به دنیای دیگری نفروشیم و به خاطر آقا یا خانمی که می‌خواهد نماینده مجلس باشد، دین‌مان را نفروشیم و بگذاریم اخلاق در انتخابات برقرار باشد.» (۳) رییس جمهور ویژگی تخصص در نمایندگی مجلس را نیز یادآور می‌شود و تصریح می‌کند: کسی که می‌خواهد برود نماینده مجلس شود، می‌گویند باید متعهد به دین بوده و التزام به قانون اساسی را داشته باشد، اما پس محیط زیست، بیکاری، صنعت، مدیریت چه می‌شود؟» رییس قوه مجریه تأکید کرد: «ما باید بهترین‌ها را به مجلس بفروستیم، به ویژه در چنین شرایط منطقه‌ای و فشار نفت باید افرادی شایسته به مجلس ورود پیدا کنند و همان‌طور که رهبری فرمودند؛ مر قانون اما نه مر سلیقه در نظر گرفته شود.»

روحانی ضمن تقبیح تک جناحی و یک صدایی در مجلس، معتقد است که مجلس باید آینده‌ی یک ملت باشد و بیان می‌دارد: «من نمی‌دانم، در قانون اساسی آمده است که یهودی‌ها باید در مجلس نماینده داشته باشند، اما مگر چقدر آشوری، ارمنی، یهودی و... داریم؟ بیشتر جمعیت آنها شاید به ۷۰۰۰ نفر برسد که از هر کدام از این‌ها یک نماینده انتخاب می‌شود، اما یک جناحی

در این کشور، جمعیتش ۷ میلیون تا ۱۰ میلیون است. آیا نباید نماینده داشته باشد؟ «روحانی افزود: «آیا قانون اساسی را این گونه می‌خواهید تفسیر کنید؟ اسم این مجلس، خانه ملت است، نه خانه یک جناح، بنابراین باید آینه یک ملت باشد.» (۳) ملاحظه می‌شود که روحانی به درستی به مر قانون، اخلاق، آزادی، تخصص و جامع‌نگری در انتخابات مجلس، تأکید و اصرار دارد.

منابع:

۱. سخنرانی دانشگاه تهران
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری،
۳. سایت خبری تحلیلی ساعت ۲۴
۴. همان

جهت گیری سیاسی روحانی

جهت گیری سیاسی رییس جمهور، اصل و مهم است. به طور کلی آدمی که اهل افراط یا تفریط باشد طبعا عملکرد متفاوتی خواهد داشت. در بین کاندیداهای ریاست جمهوری باید حساس شد که طرف چه خط سیاسی ای دارد؟ جهت گیری های سیاسی اش چگونه است؟ تحقیقا روحانی از ابتدا اهل افراط و تفریط نبوده است. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص جهت گیری سیاسی خود اظهار داشت: «من در کل همیشه انسان اعتدال گرایی بوده ام و در رابطه های کاری نیز به این نکته توجه داشته ام به نحوی که از اول زندگی سیاسی خود با افراطیون کار نمی کردم و مشکل داشتم.» روحانی افزود: «رابطه من با اصولگرایان معتدل و اصلاح طلبان معتدل در کار ادامه خواهد داشت و اعضای کابینه خود را از میان افراد کارشناس و متخصصی که اعتدال دارند برخواهم گزید تا از افراد دلسوز و مفید با هر جناحی که هستند بتوانیم به بهره برداری مفید برسیم.» (۱)

روحانی «اعتدال» را بنای اندیشه اسلامی و اساس پیشرفت کشور می داند و تاکید می کند: «دستاوردهای جهانی ایران اسلامی، نتیجه تفکر اعتدالی و تعامل مقتدرانه است.» (۲) او از تفکر افراطی تبری جسته و اذعان می کند: «در یک فکر افراطی، هیچ گاه نباید با آژانس بین المللی انرژی اتمی و سازمان ملل متحد همکاری کرد و حتی فکر افراطی به ما می گوید به هیچ کس و حتی همسایگان و دوستان خود هم اعتماد نکنید اما اندیشه اعتدالی به ما می گوید رویکرد ما باید رویکرد معتدلی باشد به گونه ای که هم با دنیا حرف بزنیم و هم باید برای خوداتکایی و خودکفایی تلاش کنیم.» (۳)

تفکر نادرست افراطی، راه به جایی نخواهد برد. رییس جمهوری با تاکید بر ضرورت تعامل با جهان و در عین حال تلاش برای خودکفایی و خوداتکایی گفت: «رسیدن به خودکفایی و خوداتکایی باید با کمترین

هزینه و در کمترین زمان [ممکن] انجام گیرد. این که ممکن است نوجوانی بگوید نیاز به مدرسه و معلم ندارد و می‌خواهد خودکفا و خوداتکا باشد و خود بیاموزد، این همان تفکر نادرست افراطی است.» (۴) دکتر روحانی با اشاره به این که اساس پیشرفت یک ملت، اعتدال است و بنای اسلام نیز بر اعتدال است، اظهارداشت: «معنای اعتدال این است که رویکرد ما نسبت به جهان و کشورهای دیگر، رویکردی متوازن باشد. ما اعتدال را پذیرفته‌ایم و با رویکرد اعتدالی، با هزینه‌ای کمتر و مسیری کوتاه‌تر به مقصد می‌رسیم.» (۵)

روحانی، مسیر دولت تدبیر و امید را شکست ایران‌هراسی دانست و با تاکید بر این نکته که دشمنان ما در طول سال‌های گذشته ایران‌هراسی را تبلیغ کردند و گاهی متأسفانه ایران‌هراسی را در ذهن برخی به باور رساندند، گفت: «کار دولت تدبیر و امید از زمان فعالیتش، بر این مبنا بوده که پروژه ایران‌هراسی را به شکست بکشاند. امروز دنیا به ایران و به این ملت بزرگ که در سال‌های گذشته برخی نسبت به او به ناروا قضاوت کردند، اعتماد دارد و نباید امروز سخن و کلام ما دوباره آن ایران‌هراسی شکست‌خورده و از بین رفته را زنده کند.» (۶) بنابراین، جهت‌گیری‌های سیاسی رییس‌جمهور تاکنون در داخل و خارج، به خوبی جا افتاده و جواب داده، مدافع تنش‌زدایی بوده، اعتمادسازی را ایجاد کرده، دولت فراجناحی اعتدالی را تشکیل داده و در سیر صعودی پیشرفت و توسعه‌ی ایران اسلامی، حرکت می‌کند.

منابع:

۱. سایت صدف،
۲. پایگاه خبری تحلیلی نسیم قاین، ۹۵/۱/۱۹،
۳. همان،
۴. همان،
- ۵ و ۶. همان.

روحانی و آزادی‌های سیاسی

از نظر روحانی، گردش آزاد اطلاعات، جامعه را به رشد و تعالی خواهد رساند و تأکید می‌کند که: «ما باید واقعیت‌ها را برای آگاهی بیشتر مردم تبیین کنیم و برای گردش آزاد اطلاعات، دست به دست هم دهیم و بدانیم اگر اطلاعات شفاف در اختیار مردم قرار بگیرد، می‌توانیم به اهداف بلند و از جمله هدف آزادی و تعالی جامعه دست یابیم.» روحانی معتقد است که حضور فعال رسانه‌ها، جلوی فساد را خواهد گرفت و خاطر نشان می‌کند: «اگر رسانه‌ها و مطبوعات همه به صحنه بیایند، نه اینکه با مفسد می‌شود مبارزه کرد، بلکه می‌شود جلوی فساد را گرفت. رسانه‌ها باید هزینه‌ها را آنقدر بالا ببرند که کسی در مسیر فساد قرار نگیرد و هوس فساد به سرش نزنند و راه آن، حضور فعال رسانه‌ها است.»

به باور روحانی با حفظ ضوابط و در چارچوب قانونی می‌شود از دولت و رییس جمهور صریحا انتقاد کرد و بیان می‌دارد: «شما می‌بینید امروز انتقاد صریح می‌کنند که حق آنهاست؛ گاهی حتی اتهام می‌زنند، دروغ مطرح می‌شود، حتی نسبت به آن موارد هم دولت وارد عمل نشده و شکایتی را مطرح نکرده و فقط از طرف مسوولان تذکری به آنها داده شده که این حرف، ناصحیح و نادرست است... حتی علیه شخص رییس جمهور سی‌دی پخش می‌کنند و ما فقط گفتیم به آنها بگویند این قسمت‌های سی‌دی اشتباه است.»

روحانی از تبعیض در آزادی، گله مند و شاکی است. رییس دولت یازدهم با مطرح کردن این سوال که چطور امروز برخی آزاد آزادند و برخی از این آزادی، سهمی اندک در اختیار دارند؟ گفت: «منتقدان و مخالفان این دولت آزادند و آزاد خواهند بود، اما بگذارید به همان اندازه، همراهان دولت هم از آزادی و امنیت برخوردار باشند؛ نقد کنند؛ مخصوصا نقد سازنده، این افتخار برای دولت است؛ من در هیات وزیران و مسوولان گفته‌ام یا شکایتی

از طرف دولت نباید باشد نسبت به روزنامه و رسانه، یا باید به حداقل ضروری اکتفا شود.»

دژ پولادین برخی از مطبوعات نیز از دغدغه‌های روحانی است که بر زبان آورده است. روحانی تاکید کرد: «چرا برخی از مطبوعات دارای دژ پولادین هستند و هیچ کس جرأت نمی‌کند به آنها نزدیک شود؛ نه قوه اجرایی و نه قوه قضاییه؛ بالاتر از دژ پولادین، خود را قیم می‌پندارند، نه قیم تنها برای دولت، نه تنها قیم برای احزاب و جناح‌ها که حتی قیم برای مردم.»! وی از افراط و تفریط و فقر نیز گلایه دارد و تصریح کرد که: «معضل ما در جامعه، فقر است، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، نبود اخلاق حسنه، نبود اعتدال در جامعه و افراط و تفریط‌هاست و افراط‌ها آن چنان که گویی باید منزوی باشیم و درها بسته باشد و تفریط‌ها به گونه‌ای که گویی باید هویت اسلامی و ایرانی ما روز به روز تضعیف شود.»

از دیدگاه روحانی، دولت معتقد به آزادی مسؤولانه است و به بیان دیگر: «در همه جوامع، اصول، ارزش‌ها و مقدساتی وجود دارد که باید مورد احترام همگان قرار گیرد... مقدسات دینی و مذهبی و هم‌چنین ارزش‌های فرهنگی، ملی و حتی قومی باید مورد احترام همگان باشد. اگر رسانه‌ای بخواهد این اصول را مورد مراعات قرار ندهد، بی‌تردید رسانه‌ای ارتباطی است که ارتباط خود را با جامعه و مردم تضعیف و یا قطع کرده است.» روحانی ضمن تأکید به تبعات سلب و محدودیت‌های آزادی، معتقد است: «بی‌تردید اگر در جامعه‌ای دهان‌ها بسته شود و قلم‌ها شکسته شود، اعتماد عمومی در آن جامعه از بین خواهد رفت و چشم‌ها و گوش‌ها به سمت امکانات ارتباطی بیگانگان خواهد رفت.» (۱) از نظر روحانی، با آزادی بیان است که حقایق برای جامعه، روشن و تبیین خواهد شد و لذا تصریح دارد که: «بگذاریم میدان قلم و بیان، میدان بازی باشد تا حقایق برای مردم و جامعه تبیین شود، البته آزادی بیان باید با در نظر گرفتن شرایط تاریخی، فرهنگی، دینی و مذهبی و اجتماعی آن کشور و جامعه باشد.» (۲) بنابراین، آزادی‌های سیاسی

و مطبوعاتی مدنظر روحانی در چارچوب قوانین و معیارهای فرهنگی و ارزشی جامعه است که مشروعیت و مقبولیت لازم را خواهند داشت.

روحانی در رونمایی از منشور حقوق شهروندی خاطرنشان کرد: «من در این جمع بسیار مهم و باشکوه لازم می‌دانم جملاتی از آن فرمان هشت ماده‌ای بخوانم، که باید هر روز بخوانیم و هر روز تذکر دهیم و هر روز بخواهیم که جمله جمله آن عمل شود و مورد توجه قرار گیرد. بند شش فرمان هشت ماده‌ای امام راحل می‌گوید که هیچ کس حق ندارد که به نام کشف جرم، تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی و اسلامی مرتکب شود یا به تلفن، یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند... آیا این مال همین انقلاب اسلامی است؟!» (۳)

منابع:

۱. سایت خبری تحلیلی صدای ایران
۲. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
۳. سایت انتخاب، ۲۹ آذر ۹۵

فصل ششم:

کارشکنی‌های مخالفین علیه

دولت

آن را که حساب پاک است

موضوع و افشاشدن فیش‌های حقوقی نامتعارف برخی از مدیران، هر چند که با اغراض سوء سیاسی و به قصد موج‌گیری، تخریب و سیاه‌نمایی علیه دولت، کلید زده شد ولی با استقبال، پیگیری، تدبیر، درایت و اصلاح ساختاری دولتمردان ذریبط دارد به تقویت و نقطه‌ی اتکای دولت تبدیل می‌شود. در واقع، تهدید تحمیلی دارد تبدیل به «فرصت» مغتنم می‌شود. این‌ها اگر قصد خیر و اصلاح داشتند در گذشته نه چندان دور، در مقابل عملکردهای ناصواب دولت گذشته و آن همه اختلاس‌ها و سوء استفاده‌های سیاسی و مالی، حداقل روزهی سکوت نمی‌گرفتند! مجموعه دولت اعم از رئیس‌جمهور، معاون اول، ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزرای مرتبط؛ همه خوش درخشیدند و امتحان خوبی پس دادند به نحوی که افشاکنندگان اولیه، از کرده‌ی خویش نیز، چه بسا نسبتا پشیمان شدند؛ چرا که انتظار این فرجام خوش مثبت را نداشتند! علاوه بر این، فرصتی ایجاد شد که دولت، نیروهای غیر هم‌جنس و غیر هم‌گن خود را، حتی اگر به تعداد انگشتان دست نیز باشند، بشناسند و به نوعی، خودش را پالایش و پایش کند. شفاف سازی و ابهام زدایی کند، حلقه‌های مفقوده را بشناسد

و اصطلاحاً پوست اندازی کند.

وقتی رییس جمهور و مجموعه‌ی دولت بدواً از این افشاگری و در واقع از این مطالبه‌ی برحق عمومی، استقبال کردند خود نشانه‌ی صداقت، پاکدستی و سالم بودن کارگزاران دولتی است. بدون تردید، وقتی که دولت خود اساساً بر «واقع بینی»، «عقلانیت» و «امیدآفرینی» شکل گرفته، مسلماً صادقانه و متعهدانه ضمن پابندی به میثاق خود با مردم، در پی سالم‌سازی و حل مشکلات اجتماعی مردم است. لذا رییس جمهور با شجاعت تمام و عزمی راسخ با بسیج همه‌ی دست اندرکاران تأکید کرد که: «فساد و رانت را ریشه کن می‌کنیم.» فساد و رانتی که غالباً میراث حقوقی دولت گذشته است و به نوعی، ریشه در گذشته دارد و مختص این دولت و این مدت سه سال و نیمه نیست. ابهامی که باید خود رییس جمهور، آن را برای مردم و افکار عمومی، بیشتر شفاف سازی کند تا فرصت‌طلبان سیاسی مخالف، بیش از این، مانور توهم‌زایی سیاسی نداشته باشند.

سالیان متمادی است که با تأکیدات مؤکد رهبر معظم انقلاب قرار است که با «فساد اقتصادی» مبارزه و مقابله شود. سران قوا طی جلسات متعددی که در این خصوص داشته و دارند، همایش‌هایی که تاکنون برگزار شده، قول و قرارهایی که داده‌اند ولی عملاً نتایجی را مردم، خیلی احساس نکرده‌اند، نمود اجتماعی چندانی نداشته! اخبار اختلاس‌ها و سوءاستفاده‌های مالی و ... هر از چندگاهی، موجب آزار و رنجش مردم می‌شود. به نظر می‌رسد که موضوع فیش‌ها به مثابه‌ی آلامی، خبر از ناسالم بودن سیستم و چرخه‌ی مدیریتی می‌دهد که بایستی در تبادلات اقتصادی- مالی کشور نقش ایفا کند! لذا با شناسایی این حلقه‌ی معیوب و ناقص، حداقل به عنوان یکی از مهم‌ترین و یا اصلی‌ترین عوامل ایجادی فساد اقتصادی، مسلماً در روند مبارزه و مقابله باید شاهد موفقیت‌ها و پیشرفت‌هایی باشیم که اصلاح ساختار و سیستم در اولویت اول قرار دارد؛ شاید همان لایحه‌ای باشد که قرار است رییس جمهور بزودی تقدیم مجلس کند. رییس جمهور و دولتی

که با مردم به عنوان «ولی نعمتان» جامعه، پیمان پاکی و صداقت بسته‌اند، یقیناً از «محاسبه»، شفاف‌سازی، نظارت و حسابرسی، ترس و واهمه‌ای نخواهند داشت. آن چنان‌که تاکنون شاهد بوده‌ایم و حقیقتاً؛ آن را که حساب پاک است؛ از محاسبه چه باک است؟!

شناسایی مخالفین دولت!

برای اکثریتی که اراده کردند و دولت تدبیر و امید را بر سر کار آوردند، پیوسته این سؤال می‌تواند مطرح باشد که مخالفین دولت چه کسانی هستند؟! این شناسایی به حامیان کمک می‌کند که از دولت متبوع خود، به نحو بهتری هواداری و حمایت کنند، حربه‌های مخالفین را خنثی کنند، جنس و تنوع مخالفت‌ها را بشناسند، بین منتقدین و مخالفین دولت، مرز قائل شوند.

مخالفت‌ها در دو صورت کلی یا از سوی کسانی است که از ابتدا به این دولت، رأی نداده‌اند و سخت مخالف بودند. طبعاً این‌ها هر طور که شده، می‌خواهند دولت در اهدافش به موفقیت، دست نیابد و یا از حامیان دولت‌اند که نسبت به برخی از عملکردهای دولت، خیلی نظر مساعدی ندارند.

سوار قطار مترو شدم. جوانکی با احساسات صحبت می‌کرد و منتقد دولت بود چند نفری نیز به سخنانش گوش می‌دادند، مرد میانسالی هم خوب پاسخ می‌داد. کاری به اصل بحث ندارم ولی شخص حامی دولت متوجه شده بود که این جوان منتقد، از کسانی است که به اشخاص دیگری رأی داده و الان به هر نحو که شده می‌خواهد دولت را «ناکارآمد» جلوه دهد و اصطلاحاً «موچ‌گیری» کند. نگارنده نظایر این گونه مخالفت‌ها را در برخی از محافل و مجالس عمومی و خصوصی شاهد بوده و یقیناً شما نیز حتی در بحث‌های روزمره‌ی خانوادگی‌تان به گفت و شنودهای اطرافیان پیرامون عملکرد دولت برخورد داشته‌اید. برخی نق می‌زنند، برخی حمایت می‌کنند،

برخی صادقانه، انتقادهای خوبی را مطرح می‌کنند و علاقمند به موفقیت دولت هستند و به هر حال، با دنیایی از تنوع موافقت‌ها و مخالفت‌ها رو به رو هستیم.

تحقیقا مخالفین دولت را به سه دسته می‌شود تقسیم کرد که عبارتند از: ۱. برخی که خواهان بازگشت دولت دهم و یا دولتی از جنس همان دولت هستند! ۲. برخی مخالفت‌ها به دسته بندی‌های سیاسی کشور و به عبارتی، به انتخابات سال ۹۲ بر می‌گردد، که به کاندیداهای دیگری غیر از روحانی رأی داده بودند. ۳. برخی که از ابتدا به دولت، رأی داده‌اند ولی به هر دلیلی، فعلا تا حدودی منتقد دولت هستند که این‌ها در اقلیت قرار دارند.

بنابراین، شناسایی منتقدین و مخالفین دولت، از هر نظر حائز اهمیت است. چرا که انتقاد و مخالفت از زبان چه کسی باشد، مهم است. مردم با ارزیابی درست عملکردها باید تصمیم بگیرند که به چه شخصی رأی بدهند و حامیان دولت نیز باید دلایل محکم اقناعی و متقنی برای دفاع و ادامه‌ی حمایت‌های خود داشته باشند. برخی که از آغاز، عینک بدبینی به چشم دارند؛ مسلما همه را تیره و تار خواهند دید و لذا واقعیت عملکرد دولت را لاپوشانی خواهند کرد. از رسانه‌ها و مطبوعاتی که از آغاز صد در صد علم مخالفت با دولت برافراشته بودند، طبق معمول غیر از تخریب، سیاه‌نمایی و... نمی‌توان انتظار دیگری داشت؛ هم چنانکه صداوسیما- رسانه‌ی ملی ما و برخی از مطبوعات، کاری غیر از این نمی‌کنند!! به طور مثال، مهم‌ترین و عالی‌ترین دستاورد دولت را «ذلیل‌ترین»!! دستاورد دولت عنوان می‌کنند! قدر مسلم این که انتقاد و مخالفتی که از روی عناد و کارشکنی باشد، یقینا ضد ارزش است و نمی‌تواند معیار و شاخص خوبی برای ارزیابی و انتخاب باشد. بدون شک، حساب منتقدین دلسوز از مغرضین و مخالفین تابلودار جداست. نقد، ابزار پیشرفت و کمال است. منتقدین منصف، عیوب و نواقص را شناسایی کرده و منصفانه راه حل ارائه می‌دهند و مسلما نیت خیر و روحیه‌ی دلسوزی دارند.

ذهنیت منفی آماده‌ی ضد دولتی!

هواداران و حامیان دولت تدبیر و امید در این ایام، دوران سخت و طاقت فرسایی را سپری می‌کنند. زیرا که امواج منفی ضد دولتی از جهات متعددی، وزیدن گرفته و دولت را تهدید می‌کند. برخی از تریبون‌های نماز جمعه، صدا و سیما، برخی از مطبوعات و روزنامه‌هایی که حتی با پول بیت المال تدارک می‌شوند! و برخی دیگر از نهادهای حاکمیتی، در اختیار مخالفین دولت قرار دارند! با این اوصاف که، عده‌ای بدوا نسبت به دولت تدبیر و امید، ذهنیت منفی داشته و دارند و این ذهنیت منفی، به راحتی قابل درک و تشخیص است و نمود اجتماعی و سیاسی متنوعی دارد. ظواهر امر نشان می‌دهد که آنها با اهداف و اغراض سیاسی غالباً با هجمه‌های دینی و فرهنگی تحریک آمیز بنا دارند که انگیزه‌های دینی و انقلابی مردم را تحریک کنند. برای تحلیل و تبیین بهتر قضایا در این مقوله باید ابتدا به این سؤال پاسخ داد که مبدأ و منشأ شکل‌گیری ذهنیت منفی علیه دولت، کجاست؟

تحقیقا سرمنشأ بسیازی از مخالفت‌ها با دولت تدبیر و امید به انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ برمی‌گردد. آنهایی که کاندیدای موردنظرشان در انتخابات رأی نیاورد، از همان آغاز، علم مخالفت با دولت منتخب مردم را برافراشتند، این‌ها طبعاً موفقیت‌های دولت را بر نمی‌تابند و صدالبته از شکست و ناکامی‌های دولت استقبال می‌کنند. این اشخاص بی‌صبرانه، مترصد هرگونه موقعیت و فرصتی هستند که با پمپاژ امواج منفی، افکار عمومی را در راستای اهداف خود مبنی بر «ناکارآمدی دولت»، تحت تأثیر قرار دهند. جوسازی، شایع‌پراکنی، جنگ روانی و فضا سازی‌های تصنعی از روش‌های نسبتاً معمول مخالفان دولت است که در صددند با تشویش اذهان عمومی، خالی کردن دل مردم؛ اوضاع کشور را نابسامان جلوه داده تا موجب یأس و ناامیدی مردم نسبت به دولت شوند. و به زعم خویش، به

نوعی بتوانند از دولت و مردم، انتقام بگیرند! و برای تأمین این اهداف نیز، به دنبال کوچک‌ترین جرقه و بهانه‌ای هستند که دولت را درگیر کرده و به چالش بکشانند؛ هم چنان که گذشت، این حربه و جرقه؛ می‌تواند موضوع رابطه با آمریکا باشد، گاهی برجام است و گاهی اجرای کنسرت‌هاست و فیش‌های حقوقی و در مواقعی نیز مفاهیم و اصطلاحات نامأنوسی همچون AFTF (۱) است که بعضاً طرف از اصل موضوع نیز خبر ندارد، و اگر از او سؤال کنی این موضوع‌ای که شما با آن مخالفت می‌کنی، چی هست یک توضیح مختصری بدهید، ناتوان است! همین که متوجه شده با این موضوع جدید، فعلاً تا اطلاع رسانی کامل نشده، می‌شود حداقل تا مدت کوتاهی نیز جنگ روانی و شانتاژی را علیه دولت راه انداخت، خودش غنیمت است و کفایت می‌کند! یقیناً این روش‌ها، بسیار ناصواب، ناجوانمردانه و دور از حق و انصاف است و این‌ها دارند فی‌الواقع از جایگاه و موقعیت خود، به نحو احسن، سوء استفاده می‌کنند که حقیقتاً رویه‌ی درست و پسندیده‌ای نیست و نهایتاً نتایج عکس خواهد داد و با فرهنگ اسلامی - انقلابی ما نیز کاملاً ناسازگاری دارد. مردم نیز نشان داده‌اند که در موعد مقرر، پاسخ مقتضی به این عملکردهای ناصواب ناجوانمردانه را خواهند داد.

به زعم دکتر مصطفی معین (وزیر آموزش عالی دولت اصلاحات)، ضدیت با روحانی، واکنش به شکست [های] ۹۲ و ۹۴ است. وی اظهار می‌دارد: «هفتم اسفند ۹۴، نقطه عطفی در ادامه فرایند افزایش آگاهی و توان تحلیل سیاسی جامعه، حساسیت و احساس مسئولیت آنها نسبت به شرایط ملی و جهانی، حمایت و رأی اعتماد مردم به مشی اصلاح‌طلبانه و نفی خشونت، افراطی‌گری و سوء استفاده از مقدسات و باورهای دینی است.... ضدیت‌ها با آقای روحانی می‌تواند نوعی واکنش عصبی ناشی از شکست عناصر و تفکرات افراطی مخالف دولت در انتخابات ۹۲ و همچنین هفتم اسفند باشد. به نظر من دوستان اصولگرا باید علت شکست را در رویکردها و عملکردهای خود جست‌وجو کنند و نه در دولت و اصلاح‌طلبان پشتیبان

آن. پیوند با افراطیون پایداری در هر دو انتخابات قبلی، تشتت در بین گروه‌های سیاسی وابسته و فقدان شعارهای متناسب با واقعیت‌های امروز جامعه، منجر به بی‌اعتمادی بیشتر مردم به افراطیون و اقبال آنها به سمت اصلاح‌طلبان شد. (۲)

بنابراین، حامیان و هواداران دولت یقیناً مراقب دسیسه‌ها و شیطنت‌های بدخواهان سیاسی هستند که علناً تضعیف و تخریب دولت را در دستور کارشان قرار داده‌اند و اصطلاحاً شمشیر را از رو بسته‌اند و در صدد برآمده‌اند که از هر طریق ممکن، آحاد مردم را نسبت به دولت، دلسرد و ناامید کنند تا بلکه شاید بستر مناسبی برای انتخابات مورد نظرشان مهیا و آماده شود. اما به دنبال دو انتخابات موفق ۹۲ و ۹۴ عملاً اثبات شد که مردم دیگر فریب حیل‌های رنگارنگ عوام‌فریبی و پوپولیستی برخی از تشنگان قدرت را نخواهند خورد و به راحتی قدرت تشخیص و انتخاب اصلح را خواهند داشت.

منابع:

۱. FATF یک قرارداد نیست، یک سازمان بین دولتی است. «گروه ویژه اقدام مالی» (Financial Action Task Force – FATF) در سال ۱۹۸۹ به ابتکار کشورهای عضو گروه «جی ۷» تشکیل شد تا بررسی‌هایی درباره وضعیت قوانین مبارزه با پول‌شویی در بازارهای مختلف مالی را در سرتاسر جهان انجام دهد و نتیجه آن را در جلسات هر چهار ماه یک بار خود به اطلاع کشورهای عضو برساند تا این کشورها بتوانند ریسک سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی هدف را بررسی و در مورد سرمایه‌گذارانی که به «کشورهای مشکوک» می‌روند احتیاط کنند. (سایت خوان روزنامه دنیای اقتصاد تاریخ خبر: ۱۳۹۵/۰۶/۱۶ کد خبر: ۱۰۹۸۲۸۹)
۲. روزنامه شرق، شماره ۲۵۵۹ - ۱۳۹۵ پنجشنبه ۲۶ فروردین.

کنسرت‌ها؛ جبهه‌ای علیه‌ی دولت

تجربه می‌گوید که هر آن و لحظه باید منتظر گشایش جبهه‌ی جدیدی علیه دولت باشیم! حال که دولت سال چهارم عمر خود را سپری می‌کند، روند جبهه‌گیری‌ها، شدت و حدت بیشتری نیز به خود گرفته است. احساس می‌شود که برخی‌ها با «موج‌سازی» و «موج‌سواری»، همچنان بنا دارند برای دولت، حاشیه‌سازی کنند و عرصه‌ی درگیری را گرم نگه دارند. بهانه‌ها و حربه‌هایی که انگار، تمامی ندارد؛ مذاکرات هسته‌ای بی ثمر! تعامل با بیگانگان! سازش با کدخدا! ریزگردهای خوزستان! تساهل و تسامح! حقوق‌های نجومی! کنسرت‌ها! و

بحث کنسرت‌ها را امام جمعه مشهد - حجت‌الاسلام علم‌الهدا کلید زد که در باره برگزار نشدن کنسرت در این شهر در تهدیدی غیر معمول گفته بود: «کنسرت می‌خواهی، از مشهد برو!! مخالفت با اجرای کنسرت‌ها و بررسی نظرات و اظهارات مخالفین و موافقین، سؤالاتی را در اذهان عمومی ایجاد می‌کند از قبیل این که؛ آیا کنسرت، مقوله‌ی جدیدی است و دستاورد دولت یازدهم به حساب می‌آید؟! اگر موضوع جدیدی نیست چرا الان این قدر داغ و حساس شده است؟! مخالفین از چه گروه و دسته و قشری هستند؟ مخالفت برای چیست؟ از لفظ و واژه‌ی «کنسرت»، مثلاً ناراحتند، اگر بگویند مراسم «شعر و یا سرود خوانی»، دیگه مشکلی نخواهد داشت؟ از محتوا ناراحت‌اند یا شکل برگزاری؟ مجری مشکل دارد یا مدعوین و یا خواننده و شرکت‌کنندگان و ...

یقیناً کنسرت‌ها، مقوله‌ی جدیدی نیستند و دستاورد دولت تدبیر و امید هم به حساب نمی‌آیند. دادستان تهران در جلسه‌ای که به موضوع عفاف و حجاب اختصاص داشت، به موضوع برگزاری کنسرت‌ها و مشکلات ناشی از آن هم پرداخت و با یادآوری این نکته که، این مراسم از قدیم‌الایام

برگزار می‌شده و موضوع جدیدی نیست، اظهار داشت: دادستانی تهران پیشنهاد می‌نماید برگزاری کنسرت‌ها در تهران منوط به تضمین و تامین امنیت مراسم از سوی استاندار یا فرماندار تهران و تضمین سلامت محتوای برنامه‌ی ارائه شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گردد. مدیرکل پیشین دفتر موسیقی وزارت ارشاد گفته بود: «در سال‌های ۹۲ و ۹۳ در دولت یازدهم حدود ۳۰۰ کنسرت در شهر مشهد برگزار شده است.»!!

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه در یک‌صد و یکمین نشست خبری خود و در هفته دولت درخصوص موضوع کنسرت‌ها اظهار داشت: مطلقاً با هنر و استفاده هنرمند مخالف نیستیم و نه تنها مخالف نیستیم بلکه کل نظام، هنر را تشویق می‌کند. وی با بیان اینکه زبان هنر، موثر است. گفت: موضع صریح قوه قضاییه این است که مدافع جدی هنر و هنرمند هستیم، زیرا این زبان موثر است و باید تشویق و حمایت کرد. همچنین جلیل رحیمی جهان‌آبادی، عضو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، با تأکید بر لزوم اتخاذ سیاست واحد برای برگزاری کنسرت‌ها در سراسر کشور تأکید کرد: در صورت صدور مجوز قانونی برای یک کنسرت، کسی حق اعمال سلیقه ندارد. این که گفته شود برخی شهرهای مذهبی از شمول برگزاری کنسرت مستثنا شوند، حرف معقولی نیست زیرا قانون را نمی‌شود بخشی و سلیقه‌ای اجرا کرد؛ اگر قانونی وجود دارد باید برای تمام نقاط کشور اجرا شود.

مسیح مهاجری از سفر خود با رهبر معظم انقلاب در زمان ریاست جمهوری، این‌گونه روایت می‌کند: «در چند سفر خارجی همراه رهبر بودم از جمله سفر کره شمالی و چین. در سفر به کره شمالی به ساختمان ارکست سمفونیک این کشور رفتیم و در آنجا چند قطعه برای ما نواختند. در بخشی از برنامه، من قصد داشتم برنامه را ترک کنم اما ایشان تا انتهای برنامه نشستند یا وقتی به مسجد جامع کاشغر، یکی از شهرستان‌های منطقه مسلمان نشین، سین کیانگ چین رفتیم، فرماندار این شهر یک وسیله نوازندگی بزرگی به آقای

خامنه‌ای هدیه دادند و ایشان نیز آن را تحویل گرفتند و تشکر کردند.» (۱)
 مدیر مسؤل روزنامه جمهوری افزود: «افرادی که امروز مطالبی بیان می‌کنند و بازی درمی‌آورند ... نمی‌خواهم به عمق قضایا بروم و سوابق این افراد را بیان کنم؛ ولی این نوع مطالب، عقبه و مسائل دیگر دارد. اگر برگزاری کنسرت حرام است برای همه شهرها حرام است؛ اما اگر حلال است؛ چرا نباید در مشهد برگزار شود؟» (۲)

سید رضا اکرمی رییس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری در واکنش به سخنان اخیر آیت‌الله علم‌الهدی مبنی بر محدودیت و ممنوعیت برگزاری کنسرت در مشهد گفته است: «اگر قرار بر رعایت قانون و مفاد تعیین شده در مجوز صادر شده باشد، برگزاری کنسرت در شهرهای مذهبی اشکالی ندارد.»

اکرمی با اشاره به اینکه حرمت مشهد به دلیل مرقد مطهر امام هشتم شیعیان همان قدر واجب است که شهر ری و شیراز و قم، در عین حال گفته است: «اما این دلیل نمی‌شود که شهرهای مذهبی را جزیره‌ای مستقل دانسته و حساب مشهد و قم و... را از شهرهای دیگر کشور جدا بدانیم. دغدغه باید این باشد که کنسرت‌ها با نظارت دقیقی برگزار شوند تا برگزارکنندگان هر کاری را که دلشان می‌خواهد انجام ندهند. این را هم بدانیم که پاک کردن صورت مسئله، دردی از ما دوا نمی‌کند. آن‌هایی که هم‌وغم‌شان برای تعطیلی کنسرت در مشهد است، بروند و ببینند مسافران مشهد با چه شرایطی به لحاظ حجاب و پوشش در این شهر تردد می‌کنند. آن وقت است که متوجه می‌شوند به جای تعطیلی کنسرت، باید به کارهای فرهنگی و مهم‌تر فکر کنند. باید تأکید کرد که رعایت رفتار اسلامی، مشهد و تهران نمی‌شناسد و با وجود تأکید بر حفظ حرمت شهرهای مذهبی، نمی‌توان قانونی متفاوت با شهرهای دیگر وضع کرد.» اکرمی با اشاره به نفوذ کلام روحانیون در جامعه گفت: «میزان در مسائل شرعی، رساله و قانون است و به همین دلیل، چهره‌های مذهبی باید بدانند که نمی‌توانند انتظار داشته باشند هر

چه می‌گویند، توسط عموم، ملاک و معیار باشد. پس لازم است در اظهار نظرهای مان دقت کافی داشته باشیم تا دین در این بین آسیب نبیند. اگر مفاد نوشته شده در مجوز وزارت ارشاد، تمام و کمال رعایت شود، اجرای کنسرت در شهرهای مذهبی نمی‌تواند نشانه‌ای مبنی بر هتک حرمت قلمداد شود.»

بنابراین، با توجه به درگیر شدن برخی از دولتمردان، به ویژه مسؤولین فرهنگی کشور با بگو و مگوهای پیرامون کنسرت‌ها؛ علنا این قضیه، به جبهه‌ی جدیدی علیه دولت تبدیل شده است! به دلیل اهمیت مسئله، انتظار می‌رود که حامیان و هواداران دولت، خصوصا آنها که امکانات و تسهیلات روشنگری بیشتری در اختیار دارند مراقب و مواظب تحرکات و کارشکنی‌های متعدد مخالفین دولت باشند که بیش از این، با خالی کردن دل مردم، اختلالاتی را در امور کشور و دولت ایجاد نکنند.

منابع:

۱. سایت اصلاح نیوز، ۸ شهریور ۹۵ (مصاحبه با عصر ایران)
۲. همان.

نغمه‌ی ناساز کنسرت‌ها!

دولت؛ حاصل و برآیند آراء و اتخاذ تصمیم جمعی ملت است و بدین لحاظ، کارشکنی در حق او نیز، کارشکنی در حق ملت و طبعا تضییع حقوق ملت به حساب می‌آید. از سوی دیگر، قوانین و مقررات، ابزار و لوازم اصلی کار دولت و کشور می‌باشند که بی اعتنائی به آن‌ها، موجب اختلال، بی نظمی و بی ثباتی در کشور و جامعه خواهد شد. به نظر می‌رسد که مخالفین سیاسی دولت در چند ماه باقی مانده به انتخابات، مترصد هر گونه فرصت و موقعیتی هستند که رو در روی دولت قرار بگیرند! ایجاد چالش، درگیری‌های مصنوعی، بحران‌سازی و ترویج بی قانونی از آسیب‌های سیاسی‌ای هست که مخالفین به آن‌ها دل خوش کرده‌اند و هم اکنون، مقابله با اجرای کنسرت‌ها نیز در همین راستا قابل تبیین است.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، رییس جمهور با گلایه از ترویج بی قانونی اظهار می‌دارد که بی قانونی، خوب نیست و بی قانونی به نام دین و دلسوزی، بدتر است. وی گفت: افتخار ما این است که کشورمان، کشور قانون است و امام (ره) بارها بر این که حکومت اسلام و جمهوری اسلامی، حکومت قانون است، تأکید کردند، زیرا اگر قانون زیر پا رود، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. رییس جمهور با اشاره مستقیم به بحث لغو کنسرت‌ها در مشهد که توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم رسماً پذیرفته شد، گفت: یک جا می‌خواهد کنسرتی برگزار شود. مجلس قانون گذاری شکل می‌گیرد، در حالی که ما مجلس شورای اسلامی داریم و هر که صبح بیدار می‌شود و یک تریون پیدا می‌کند، نمی‌تواند قانون گذاری کند، و وزیر نیز نباید تبعیت کند، چون وزیر باید تابع قانون باشد.*

* پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

تبعات کم‌توجهی به هنر و جوانان

قابل کتمان و انکار نیست که با دو مقوله‌ی هنر و جوانان نمی‌شود برخورد تند سلبی و حذفی داشت. هنر و هنرمندان؛ تعاریف و جایگاه خاص خودشان را دارند و مسلماً در قالب و چارچوب‌های منطقی قانونی خود، نیاز به عرصه‌ای برای نمود، ارائه و هنرنمایی دارند. اگر عرصه‌ی هنر بر اهل هنر و جوانان، تنگ شد و یا آسیب دید و از بین رفت، یقیناً تبعات متعددی خواهد داشت که به برخی از آن‌ها بطور اختصار اشاره می‌گردد:

۱. بدبین شدن به دین، انقلاب و نظام؛

برخی از مردم و خصوصاً جوانان به دین، انقلاب و نظام بدبین می‌شوند که برای آنان، مشکل و محدودیت ایجاد کرده‌اند. در صورتی که این ممانعت و کارشکنی‌های سلیقه‌ای حقیقتاً هیچ ربطی به دین، انقلاب و نظام نداشته بلکه از سوی کسانی اعمال می‌شود که به اشتباه، نظر و سلايق خویش را ملاک و معیار قانون و مقررات می‌دانند! نکات قابل تأملی در سخنان علی جنتی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد وجود دارد که بیان می‌دارد: «استفاده از دیش و ماهواره ممنوع است اما ببینید چند درصد مردم را وادار کرده‌ایم، خلاف قانون عمل کنند. یک روزی هم می‌گفتند که چرا از فضای مجازی استفاده می‌کنید اما امروز ببینید مراجع تقلید هم دفاترشان روی شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام قرار گرفته است و از آن استفاده می‌کنند، بنابراین این اجتناب‌ناپذیر است.» (۱)

۲. ایجاد جو بدبینی نسبت به روحانیت؛

چون برخی از روحانیت، به ویژه ائمه‌جمعه در خصوص اجرای کنسرت‌ها، نظرات مخالفی را ابراز داشته‌اند، طبعاً موجب بدبینی به روحانیت را فراهم کرده‌اند. پیشقراول این جریان، حجت‌الاسلام علم‌الهدا امام جمعه مشهد

بود که با لحنی تهدیدآمیز خطاب به جوانان اظهار داشته بود: «اگر کنسرت می‌خواهی از مشهد برو بیرون!!» و اخیرا نیز معتقد است که: «با مسئله کنسرت‌ها قشر لائیک بی بند و بار را منسجم کردند.» (۱۷ شهریور ۹۵) این‌گونه سخنان از زبان خطیب نماز جمعه در جوار ملکوتی امام رئوف و مهربان - امام رضا (ع) در مواجهه با جوانان جای تأمل فراوان دارد، در حالی که مقام معظم رهبری مکررا تأکید به «جذب حداکثری» دارد! و شهید مظلوم دکتر بهشتی در خطاب به مسئولین می‌فرمود: «که بایستی جاذبه در حد اعلی و دافعه در حد ضرورت داشته باشید.»!

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی با اشاره به لغو کنسرت‌ها در مشهد گفت: «نباید وقتی یک روحانی، نظری می‌دهد آن را به همه روحانیت، تعمیم عام بدهیم.» وی ادامه داد: «قبل از انقلاب، افرادی بودند که از حضرت امام با هدف محدود کردن هنرمندان و اهالی موسیقی، استفتائات جهت‌دار می‌کردند، اما امام هوشمندانه پاسخ آنها را می‌داد.»

مدیرمسؤل روزنامه اطلاعات افزود: «امام خمینی برای آنکه منش و روش خود را در باره موسیقی نشان دهد؛ بعد از انقلاب، در حسینیه جماران که مکان مقدسی است؛ دستور دادند تا برنامه زنده موسیقی اجرا شود و هنرمندان نیز با اجازه امام، سازهای مختلف را در آنجا نواختند و ایشان با این رفتار؛ نظر خود را به همه اعلام کردند.»

دعایی در پایان خاطر نشان کرد: «اگر روحانی بزرگواری در شهری، نظری می‌دهد با تمام احترامی که برای نظر ایشان قائلیم، اما این، یک نظر شخصی است و ما آن را به عنوان نظر کلی، قبول نداریم.» (۲)

۳. ترویج بی‌اعتنایی به قانون و مقررات؛

جایگاه قانون و مقررات بر کسی پوشیده نیست. در نظام اسلامی، اقدام برای ممانعت از انجام کار قانونی، حرام است و با توجه به فتوای امام خمینی (ره) این کار، خلاف شرع است. بنابراین، مقابله با کنسرت‌های مجوز دار،

ترویج بی‌اعتنایی به قانون و مقررات است و بازار هرج و مرج، خودسری‌ها و بی‌مبالاتی‌ها را پر رونق خواهد کرد که نهایتاً منجر به سلب آسایش جامعه خواهد شد.

۴. گرایش جوانان به موسیقی بیگانه؛ ایجاد محدودیت و سخت‌گیری خلاف عرف و قانون برای جوانان، موجب ناامیدی و سرخوردگی آنان خواهد شد. معاون وزیر ارشاد در پاسخ به این موضوع که اجرای موسیقی، منافاتی با قانون و دین ندارد و اگر این نیاز تأمین نشود، جوانان برای پرکردن این احساس نیاز، به موسیقی بیگانه پناه می‌برند، گفت: کسی با اصل موسیقی مخالف نیست و حتی علمای دینی و مراجع قضائی با برگزاری کنسرت‌ها مخالفتی نداشته و ندارند ولی حاشیه‌هایی که در کنار کنسرت‌ها اتفاق می‌افتد منجر به مخالفت و برخوردهای سلبی می‌شود.

۵. مخالفت با نیازهای طبیعی جامعه؛

واقعا جای سؤال است که مخالفت با امیال و رغبت طبیعی و فطری جامعه - علی‌الخصوص جوانان، چه دستاوردهای مثبتی می‌تواند به همراه داشته باشد؟! به زعم معاون وزیر ارشاد: «موسیقی جزئی از فرهنگ کشور ماست که از نیازهای جامعه ما نشأت می‌گیرد. موسیقی که سالم و در چارچوب ضوابط کشور برگزار شود، قانونی و شرعی است؛ بنابراین تصور نمی‌کنم وقتی امری در کشور ما با در نظر گرفتن اقتضاهای فرهنگی و شروط قانونی و دینی اجرا شود، کسی با آن برخورد قهری و سلبی داشته باشد.» یکی از اعضای فراکسیون روحانیون مجلس شورای اسلامی نیز تصریح کرد: «جوانان ما به همان اندازه که نیاز به مجالس روضه و دعا دارند؛ به همان اندازه نیز نیاز به فضاهای هنری، شاد و مفرح دارند که کنسرت یکی از این‌هاست.»

۶. محدود کردن عرصه‌ی هنر؛

کنسرت، یک فضای سالم و فرهنگی برای عرضه‌ی هنر موسیقی است

که حداقل تا حدودی از اوقات فراغت جوانان و خانواده‌ها را پر می‌کند و از این منظر، می‌تواند کارکرد مثبتی داشته باشد. پس تعطیلی کنسرت‌ها؛ فضای عرصه و عرضه‌ی هنر و اوقات فراغت مردم را نسبتاً محدود می‌کند. علی‌جنتی خاطر نشان کرد: گاهی فضایی در کشور راه انداختند که کسی نتواند در این فضا تنفس کند، روزی در سفری به استان بزرگی رفتم با نماینده ولی فقیه استان صحبت می‌کردم او گفت با موسیقی مخالفم، گفتم شما مخالفید؟ شما نماینده ولی فقیه هستید اما باید ببینید ولی فقیه شما چه فتوایی داده است شما نمی‌توانید جدا عمل کنید، وقتی این عنوان را دارید نمی‌توانید بگویید کلا با موسیقی یا تئاتر مخالفم.» (۳)

خلاصه‌ی کلام، در این اثنا نمی‌شود دو نکته را از نظر دور داشت؛ اولاً این که اغلب این مجادلات و اعلان اختلاف نظرات، شائبه ساز بوده و رنگ و بوی سیاسی دارد. به نحوی که برخی به دنبال هرگونه بهانه و مستمسکی می‌گردند که بر علیه دولت، جو سازی کنند. ثانیاً در پشت صحنه‌ی این بازی‌ها، بدخواهان و مخالفین سیاسی دولت قرار دارند که بر آتش اختلافات می‌دمند و دامنه‌ی تحریکات را گسترش می‌دهند.

البته سالم سازی محیط‌های فرهنگی و اجرای یک موسیقی ارزشمند معقول پاک تعالی بخش، باید از اهداف اصولی مراکز فرهنگی - هنری باشد. اما قطعاً به خاطر برخی از حواشی پیرامونی که نمی‌شود، «صورت مسئله» را پاک کرد. موضوع را با سخنی از رهبر معظم انقلاب به پایان می‌برم که می‌تواند ضمن راه‌گشایی، برای همگان، به ویژه برای اشخاصی که حساسیت و سخت‌گیری‌های غیرمتعارف زیادی دارند، آموزنده و فصل‌الخطاب باشد که فرموده‌اند: «موسیقی به معنای یک هنر، چیز با ارزشی است. اما همچنان که یک شعر بد، مردود است - ولو یک هنر است - یک موسیقی گناه آلود و گناه آموز [نیز] مردود است - ولو این هنر است - یک موسیقی گناه آلود و گناه آموز نیز، هم حرام و هم مردود است؛ ولو اینکه یک هنر هم باشد. این را حمل نکنند بر ضدیت با هنر؛ که «آقا؛ فلان

با هنر مخالف است» ما با گناه مخالفیم. چرا با هنر مخالف باشیم؟ تا گفته می‌شود «فلان موسیقی حرام است»، می‌گویند: «آه اینها باز هم آخوندبازی و شیخ بازی درآوردند. مقدس بازی درآوردند.» نه آقا موسیقی خوب چیز خوبی است. مگر ندیدید جلو چشم امام، آلات موسیقی بردند و بنا کردند زدن و خواندن. امام هم مثل کوه نشستند و نگاه کردند.» (۴) پس تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

منابع:

۱. سایت الف، ۳ آبان ۹۵
۲. خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی (آنا)، ۱۴ شهریور ۹۵، کد خبر ۱۳۸۳۲۶
۳. سایت الف، ۳ آبان ۹۵
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در بازدید از صدا و سیمای جمهوری اسلامی -
۱۷/۹/۱۳۷۱

فصل هفتم:

روحانی در آینه‌ی متقدمان و

نخبگان

روحانی متأثر از چه کسانی است؟

سؤال به‌جا، اساسی و خوبی است که رییس جمهور از نظر طرز تفکر، اندیشه و رویکرد تحت تأثیر چه کسانی است؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند ملت را در انتخابات ریاست جمهوری کمک کند و شخصیت روحانی را نیز بیشتر به مردم بشناساند. اصولاً روحانیان سیاسی - انقلابی مبارز هم‌چون رییس جمهور طبعا تحت تأثیر مقتدای خویش - امام خمینی (ره) قرار دارند. روحانی با تأکید بر اینکه هر چه داریم از امام خمینی (ره) داریم، خاطر نشان کرد: «استقلال، سربلندی، عزت و پایداری و اعتماد به‌نفسی که امروز داریم همه از امام خمینی (ره) است.» (۱) قرابت فکری روحانی با رهبر معظم انقلاب نیز بر کسی پوشیده نیست. او صریحا بیان داشت: «رهبری مقتدر و فرهیخته ما که همه جا راهنمای ما بود در خرداد ۹۲ ما را راهنمایی کرد؛ ایشان مسیر را برای آراء مردم هموار کرد. در مذاکرات هسته‌ای هم ایشان هدایت، حمایت و تدبیر کرد و اگر دولت ما، دولت تدبیر و امید بود؛ هم تدبیر را از ایشان آموختیم و هم امید را از ایشان گرفتیم.» (۲)

حسن روحانی یقیناً تحت تأثیر یاران هم‌رزم و هم‌کار خود نیز قرار دارد. خودش اظهار می‌دارد که: «من با آقای هاشمی و خاتمی سال‌ها کار کرده‌ام

و افکار من به آنها بسیار نزدیک است، البته من نظرات شخصی خود را نیز دارم.» (۳) در جای دیگری نیز بیان می‌دارد: « من مدت زیادی را با هاشمی رفسنجانی کار کرده و سال‌های زیادی را با وی به سر برده‌ام و فکر می‌کنم از نظر فکری، قرابت زیادی با وی دارم.» (۴) روحانی در پاسخ به سوال دیگری که آیا شما از دوستان آقای هاشمی هستید و آیا در صورت شرکت ایشان در عرصه انتخابات از حضور در این صحنه کناره‌گیری می‌کنید؟ اظهار داشت: «بنده از زمان مبارزات سیاسی قبل از انقلاب تا به امروز همواره در کنار ایشان بوده‌ام و در مورد مسائل مختلف از ایشان مشورت می‌گیرم و همین‌طور آقای هاشمی هم بنده را امین خود می‌دانند؛ ولی در هر صورت ایشان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هستند و بنده هم حسن روحانی؛ که هر کدام افکار مخصوص به خود را داریم؛ ولی در کل باید بگویم که بنده از لحاظ فکری، خیلی به ایشان نزدیکم و ایشان را جزو ارکان انقلاب و نظام می‌دانم.» (۵)

محمود سریع‌القلم استاد دانشگاهی است که می‌گویند بخشی از دیدگاه‌های حسن روحانی در حوزه سیاست خارجی، متأثر از دیدگاه‌های اوست. او، استاد تمام و مدیرگروه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است که بعد از پیروزی روحانی به عنوان مشاور خارجی رئیس‌جمهور جدید انتخاب شد؛ گفته می‌شود بسیاری از سخنرانی‌ها و شعارهای تبلیغاتی روحانی بر پایه گفته‌ها و تحلیل‌های سریع‌القلم شکل گرفته است. وی که مدارک تحصیلی خود از کارشناسی تا فوق‌دکترای روابط بین‌الملل را از دانشگاه‌های امریکایی کالیفرنیا جنوبی و اوهایو دریافت کرده، عمدتاً به مباحث مربوط به توسعه‌یافتگی، پرداخته و نوشتن کتاب و مقالات متعددی از جمله: «مدارک توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل»، «عقل و توسعه یافتگی»، «عقلانیت و توسعه یافتگی ایران»، «ایران و جهانی شدن» و «اقتدارگرایی ایران در عهد قاجار» را در کارنامه خود دارد. (۶)

به اعتقاد برخی‌ها بین روحانی و شهید دکتر بهشتی نیز وجه اشتراکاتی

وجود دارد. به نظر حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غرویان: «هر دو دارای بینشی جهانی بوده و هستند بدین معنا که هر دو تلاش داشتند اسلام را در سطح جهانی و عرصه بین الملل به گونه‌ای تفسیر نمایند که همراه با عقل یعنی همان نکته‌ای که در قرآن بارها و بارها بر آن تاکید شده است، بوده و برای همه بشریت قابل اجرا و کارآمد باشد.

بنابراین همان طور که این دید در رفتار و منش شهید بهشتی به وضوح موج می‌زد امروز نیز در رفتار دکتر روحانی قابل مشاهده است و به جرأت می‌توان گفت همانند شهید بهشتی، رییس جمهور نیز به دنبال ارایه تفسیری از دین است که جذابیت داشته باشد و در این راستا تلاش می‌شود چهره رحمانی اسلام به جهانیان عرضه شود. لذا هر دو در این راه قدم برداشتند و از این جهت بسیار شبیه یکدیگر هستند. از سوی دیگر افراطیون و کسانی که بیش محدودی دارند این رفتار را با دیدگاه خود منطبق نمی‌دانند. لذا کسانی که روزی هجمه به بهشتی را پیگیری می‌کردند، امروز هجمه به دولت روحانی را کلید زدند، غافل از آنکه عصر و زمان ما به گونه‌ای است که زمینه برای عقلانیت و رفتار عقلانی در آن فراهم است. بنابراین اعتدال‌گرایی جذابیت بیشتری دارد و افراطیون با این تفکر وسیع و اندیشه باز و چهره رحمانی ناسازگارند و این، موجب می‌شود هر از گاهی هجمه‌های وسیعی نسبت به دولت صورت گیرد، همان طور که در زمان شهید بهشتی نیز چنین موضع‌گیری‌هایی نسبت به ایشان صورت می‌گرفت.» (۷)

روحانی با آزاداندیشی‌ای که دارد بدون شک متأثر از افکار و اندیشه‌ی شهید علامه مطهری نیز می‌باشد. رییس جمهور تصریح کرد: «شهید علامه مطهری به حق یک فقیه‌ی شجاع، آزاده، متفکر، آگاه به زمان و سرمایه بزرگ برای کشور ما بود و امروز نیز آثار او یک سرمایه بزرگ است.» رییس جمهور با بیان این که شهید مطهری «اسلام انقلابی» را خطری بزرگ در برابر «انقلاب اسلامی» می‌دانست، اظهارداشت: «امروز نیازمند تشریح ابعاد فرهنگ اسلام و انقلاب اسلامی هستیم و کتاب‌ها و آثار شهید مطهری

به عنوان بزرگترین مرجع برای مراجعه به افکار و اندیشه او جهت فهم فرهنگ و راه صحیح انقلاب اسلامی است. (۸) بنابراین با این اوصاف، روشن است که حسن روحانی در زمره‌ی روحانیون روشنفکر انقلابی مبارز قرار دارد و طبعاً از امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، شهید بهشتی، شهید مطهری، هاشمی رفسنجانی و خاتمی و ... متأثر می‌باشد.

منابع:

۱. خبرگزاری ایسنا، ۱۹ بهمن ۹۴،
۲. پایگاه خبری تحلیلی نسیم قاین، ۹۵/۱/۱۹،
۳. خبرگزاری ایسنا، ۹۲/۲/۱۷،
۴. سایت صدف،
۵. پایگاه خبری تحلیلی اعتدال، ۹۲/۲/۱۹،
۶. خبرگزاری تسنیم،
۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، روایت غرویان از شباهت های شهید بهشتی و حسن روحانی، ۹۳/۸/۴،
۸. سایت خبرآنلاین، ۹۵/۲/۱۵،

روحانی از منظر هاشمی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را که باید به حق، تاریخ و شناسنامه‌ی انقلاب اسلامی نامید و بدین لحاظ، عقاید و نظرات وی در خصوص یاران انقلاب، خصوصاً روحانی که در واقع، فرزند معنوی و سیاسی آیت‌ا... به حساب می‌آید، سرنوشت‌ساز و قابل تأمل است. «روابط حسن روحانی با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به امروز و دیروز بر نمی‌گردد، آنها دوستان چهل ساله‌ای هستند که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان سیاسی، این دو سیاستمدار کشور، روابطی چون پدر و پسر دارند به این جهت همواره هاشمی پدرا نه از اقدامات دولت یازدهم در واقع دولت فرزندش حمایت می‌کند، حمایتی که هرگز قطع نشد و مستمر و پر قدرت تا امروز ادامه داشت و به نظر می‌رسد حتی در انتخابات سال ۹۶ با رنگ و بوی بیشتری [نیز] صورت خواهد گرفت.» (۱)

هاشمی رفسنجانی، برداشتن سایه تهدید و جلوگیری از گسترش تحریم را یکی از ارزنده‌ترین کارهای دولت روحانی می‌داند و با اشاره به دستاوردهای برجام در ابعاد داخلی و خارجی اظهار می‌دارد: «متأسفانه عده‌ای با اهداف سیاسی این دستاورد نظام را زیر سوال می‌برند، در حالی که ما قبل از آن در هواپیمایی، کشتیرانی، بیمه، فروش نفت، بانک و صادرات و واردات مشکلات واقعی داشتیم.» (۲) رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «دولت آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای نشان دادند که ظرفیت بالایی در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دارند و همین امر برای ایران افتخار است.» آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تأکید کرد: «امید داریم در دوره بعد که آقای روحانی مسوولیت قوه مجریه کشور را به عهده می‌گیرد، ایران به جایگاهی که استحقاق آن را دارد، برسد.» (۳)

آیت‌الله رفسنجانی، روحانی را به طور کامل قبول دارد و تصریح می‌کند: «دکتر روحانی را به طور کامل قبول دارم. ما با ایشان از مجلس همکاری

داشتیم و در جنگ خیلی همکاری داشتیم و بعد هم در مرکز تحقیقات بوده‌اند. زمانی که من ریاست جمهوری بودم، ایشان رییس شورای عالی امنیت ملی کشور بود. ما با ایشان از لحاظ تفکر خیلی نزدیک هستیم و هیچ شبهه‌ای در صلاحیت‌شان برای من نیست. کابینه‌اش را هم با توجه به شرایط فعلی کشور، نسبتاً خوب انتخاب کرد.» (۴)

هاشمی از همکاری و تعامل با دولت روحانی خبر می‌دهد و بیان می‌دارد: «بالاخره رفاقت‌مان که باقی است. هر وقت احساس کنم که نیاز است با ایشان صحبت کنم و چیزهایی را بگویم، همدیگر را می‌بینیم. اگر همین الان به ایشان بگویم که می‌خواهیم با هم حرف بزنیم، یا ایشان به اینجا می‌آیند و یا من به آنجا می‌روم. وزرای‌شان هم گاهی می‌آیند و مسائل و مشکلات‌شان را می‌گویند. البته تا الان یک بار هم درخواستی از آقای روحانی برای مذاکره نداشته‌ام. همیشه من پیشقدم می‌شوم، چون وظیفه‌ام می‌دانم که کاری کنم. این ذهنیت ممکن است در مردم باشد که بگویند من کمک کرده‌ام تا این دولت سرکار بیاید. دلم نمی‌خواهد که آقای روحانی بگوید با کمک دیگران آمده‌ام، هر چند اول گفت. نمی‌خواهم مردم فرض کنند دولت من است و مایل نیستم. از اول به ایشان گفتم که نباید بستگان من در دولت شما پست بگیرند تا این توهم پیش بیاید. پیشنهادی هم روی وزارت‌خانه‌ها به شما نمی‌دهم. خودتان همان‌هایی را که من می‌شناسم، می‌شناسید. هر مشورتی که بکنید، کاملاً آماده توضیح و کمک هستم. قرار ما از اول همین بوده است.» (۵) با این اوصاف، روحانی از منظر هاشمی، سیاستمدار مورد وثوق و با صلاحیتیست که آینده‌ی مثبت و مطمئنی را برای کشور و ملت نوید می‌دهد.

سید علی گرامیان در خصوص همکاری آیت‌الله هاشمی با روحانی می‌نویسد: «در انتخابات سال ۱۳۹۲ آقای هاشمی رفسنجانی نامزد ریاست جمهوری شدند ولی صلاحیتشان تایید نشد! وقتی مردم از رد صلاحیت بی‌قاعده و منطق هاشمی دچار تآثر شدند، به سمت گزینه مورد حمایت

آقای هاشمی روی آوردند و او کسی نبود جز آقای دکتر روحانی. ما خدمت آقای هاشمی رسیدیم و کسب تکلیف کردیم. ایشان گفتند: من وعده داده بودم که از آقای روحانی حمایت کنم، اکنون این تعهد را نسبت به او دارم و از او حمایت می‌کنم. لذا وقتی از ستاد آقای روحانی زنگ زدند و مرا دعوت به همکاری کردند؛ پذیرفتم و به آن ستاد ملحق شدم. اکثریت مردم آقای روحانی را به درستی نمی‌شناختند، ایشان حداکثر در رده سوم و چهارم کاندیداها قرار می‌گرفت. اما بعد از اعلام حمایت آقای هاشمی، اقبال مردم نسبت به آقای روحانی شتاب گرفت، بطوریکه ظرف سه چهار روز باقیمانده تا انتخابات تا ردیف اول کاندیداها بالا آمد، رای ایشان از مجموع کاندیداها بالاتر رفت و سرانجام در مسند ریاست جمهوری قرار گرفت.» (۶)

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری در خصوص نقش آیت‌الله رفسنجانی در انتخاب روحانی بیان داشت: «ایشان در دو انتخابات ریاست جمهوری یکی سال ۸۴ و دیگری سال ۹۲ شرکت کردند. سال ۸۴ که کاندیداها را در حد حل مسائل کشور نمی‌دیدند و در سال ۹۲ نیز کشور را در لبه پرتگاه جنگ می‌دیدند؛ یعنی اگر بعضی از این کاندیداها انتخاب می‌شدند امروز کشور در جنگ بود. آقای هاشمی رفسنجانی این موضوع را درک کرد به همین دلیل از آقای روحانی خواست که ثبت‌نام کند.» (۷)

منابع:

۱. سایت فریادگر، ۹ مهر ۹۵
۲. خبرگزاری ایبنا، ۲۰ مرداد ۹۵
۳. ایرنا، ۸ شهریور ۹۵
۴. سایت ۷ صبح، خبرگزاری مهر، ۱۱ آذر ۹۴
۵. سایت انتخاب، ۲۴ اسفند ۹۳
۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱ اسفند ۹۵
۷. سایت اصلاح نیوز، ۸ شهریور ۹۵

نظر برخی از نخبگان در خصوص دولت تدبیر و امید روحانی

در همیشه‌ی روزگار و اعصار، عقلای قوم، نخبگان، علما و مراجع دینی، دانایان، باسوادان، اساتید دانشگاه، پژوهشگران، متخصصین، روشنفکران دینی و سیاسی، معلمین اخلاق و ...، یکی از منابع و مراجع عمده‌ی باورسازی و اعتمادسازی جامعه بوده‌اند. در شرایط سیاسی- اجتماعی امروز ما، دکتر روحانی و دولتش در منظر این بزرگان چه جایگاهی دارند؟

آیت‌الله جوادی آملی در دیدار با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه، با اشاره به مذاکرات هسته‌ای و آغاز اجرای برجام در کشورمان اظهارداشت: «به عقیده من این که برخی می‌گویند ما در این مذاکرات، امتیازاتی را از دست داده‌ایم و در عوض، امتیازاتی گرفته‌ایم، در واقع، درست نیست.» مرجع تقلید شیعیان افزود: «من معتقدم ما در این مذاکرات، هیچ چیز از دست ندادیم. طرف مقابل می‌خواست قدرت ساخت سلاح هسته‌ای را از ما بگیرد، اما ما با آن که قدرت ساخت سلاح هسته‌ای را داشتیم، هرگز به دنبال ساخت این گونه سلاح‌ها نبودیم.» استاد برجسته حوزه‌ی خاطر نشان کرد: «ما هرگز امکانات نظامی قدرت هسته‌ای را طبق دین و عقل و فتوای مراجع نمی‌خواستیم، ما به دنبال فناوری‌های صلح آمیز هسته‌ای در زمینه‌های کشاورزی و پزشکی و امثال آن بودیم که امروز همه آن‌ها برای کشور محفوظ مانده است. بنابراین ما تمام نیازمندی‌های خود را حفظ کردیم و در عمل، چیزی از دست ندادیم.» (۱)

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی طباطبایی از مبارزین صدر انقلاب و استاد بزرگ اخلاق معتقد است: «هر دولتی، نقد دارد، منتها کسانی که از آقای روحانی انتقاد می‌کنند، طرفداران دولت قبل هستند. اینها واقعا متحیراند و نمی‌توانند پیشرفت‌ها را باور کنند. آقای روحانی فردی نخبه، تحصیل‌کرده و با سابقه انقلابی درخشان هستند و مدارک تحصیلی عالی

دارند. البته من نقدهایی به ایشان دارم و در جای خود بیان کرده‌ام ولی در کل، ایشان انتخاب خوبی بودند که مردم، درست شناسایی کردند.» (۲)

مسعود پزشکیان نایب رییس اول مجلس دهم در خصوص پیروزی روحانی در انتخابات آینده تصریح کرد: «پیروزی روحانی در انتخابات بستگی به آن دارد که دولت چگونه خود را ارائه دهد. الان خیلی کار می‌کنند تا دولت را ناکارآمد جلوه دهند. در واقع، دارند تمام مشکلات گذشته را به اسم این دولت ثبت می‌کنند. همه مشکلات اقتصادی، بیکاری، فساد و حقوق‌های نجومی را به گردن این دولت انداخته‌اند! اما مگر این حقوق‌های نجومی در این دولت اتفاق افتاده؟! چه شده که در زمان آن دولت، کسی یاد این حرف‌ها نمی‌کرد و الان همه نگران شده‌اند؟!» (۳) به راستی، اگر منصفانه و واقع‌گرایانه به مسائل بنگریم حقیقتاً روحانی در چهار سال اول خود، کلاً مشغول «آواربرداری» احمدی نژاد بود. در این راستا آیت‌الله مکارم شیرازی نیز اظهار داشت: «ما نمی‌خواهیم کسی را متهم کنیم، اما میراث بد اقتصادی از دولت گذشته به ارث رسیده است که یکی از آن‌ها دادن یارانه به ۷۰ میلیون نفر است که دولت را بسیار گرفتار کرده و ما از ابتدا مخالف آن بودیم.» (۴)

علی مطهری - نایب رییس دوم مجلس دهم معتقد است: «شاید مهم‌ترین دستاورد این دولت، سوق دادن دولت و به طور کلی جامعه به سوی قانونگرایی است. پس از آنکه هشت سال تحقیر قانون و قانون‌شکنی تبدیل به یک امر عادی شده بود و رییس‌جمهور وقت به صراحت می‌گفت که فلان قانون را اساساً قانون نمی‌دانم و اجرا نمی‌کنم، یا در مصاحبه تلویزیونی می‌گفت قانونی را که خودم شخصا تشخیص بدهم که منطبق بر قانون اساسی است اجرا می‌کنم و غیر آن را اجرا نمی‌کنم. طبیعی است که عبور از آن فضا و قرار دادن همه اقدامات مسئولان اجرایی در ریل قانون، کار بزرگی است که صورت گرفته، هرچند هنوز نیاز به اقدام دارد تا قانون‌گرایی و احترام به قانون برای همه به صورت یک ملکه اخلاقی درآید. در موضوع

سیاست خارجی، قطعاً دولت موفق بوده است، زیرا ایران هراسی را در دنیا کاهش داده و اقبال سایر کشورها خصوصاً کشورهای غربی به ایران افزایش یافته است. مذاکرات هسته‌ای، قطع نظر از این که به نتیجه برسد یا نرسد، بدون تردید جایگاه ایران را در دنیا بالا برده و نیاز قدرت‌های بزرگ جهان به ایران را آشکار ساخته است، ضمن این که اتمام حجتی است برای مردم دنیا و ملت ایران که دولت و مسئولان جمهوری اسلامی، انعطاف و آمادگی خود را برای حل مسئله هسته‌ای نشان دادند. در سیاست خارجی، شاید نیاز به روابط نزدیک‌تر با کشورهای عربی و مسلمان و زدودن شیعه‌هراسی از آنها وجود داشته باشد.» (۵)

دکتر علی لاریجانی رییس مجلس دهم در خصوص تفاوت دولت دهم و یازدهم اظهار داشت: «فکر می‌کنم این دو دولت مورد اشاره، خیلی با هم نقطه مشترک ندارند. ممکن است در این که بخواهند مشکلات کشور را حل کنند هدف‌گذاری یکسانی داشته باشند ولی راه‌های‌شان خیلی متفاوت است. دولت قبلی واقعا از یک آشفتگی در تصمیم‌گیری برخوردار بود. فکر می‌کنم مشی خیلی دقیقی را مخصوصاً در حوزه اقتصادی دنبال نکرد. قانون‌گریزی زیادی داشت، به طوری که ما در هیأت تطبیق به یک رقم غیرقابل تصویری در رد مصوبات دولت رسیدیم و مجبور بودیم آن مصوبات را رد کنیم بعد که تبعیت نمی‌کردند، مجبور شدیم یک قانون دیگری بگذرانیم. یعنی ما با یک پدیده عجیب و غریبی مواجه بودیم. نکته دیگر آن که دولت گذشته، آشفتگی سیاسی را دامن می‌زد. اگر رییس یک خانواده خودش تحریک‌کننده باشد با وجودی که در خانواده روابط عاطفی وجود دارد، خانواده به هم می‌ریزد. در حکومت، روابط عاطفی وجود ندارد، اگر رییس دولت، تحریک‌آمیز کار کند، کشور به دسته‌بندی‌ها و اختلافات زیادی می‌رسد و حتماً آشفتگی سیاسی ایجاد می‌شود. در دولت فعلی، ما این‌ها را خیلی نداریم یا خیلی کم داریم. از نظر قانون‌گرایی، دولت آقای روحانی خیلی مقید است. شهادت می‌دهم که کار هیأت تطبیق ما کساد است. مصوبات هیأت دولت که می‌آید

با قانون منطبق است. شاید موارد جزئی که اعلام می‌کنم خلاف قانون است یکی دو مورد در ماه باشد حال آن که در دولت قبل موقعی می‌شد که ۱۷ - ۱۶ مورد را رد می‌کردیم! از نظر ایجاد آرامش هم تلاش آقای روحانی و دولت‌شان این بود که ایجاد آرامش کنند و این کمک می‌کند که ذهن‌ها روی مساله اصلی کشور، متمرکز شود. بنابراین به نظرم دو جنس، دولت است و خیلی با هم متفاوتند. در مجموع خیلی باید به مغزم فشار بیاورم که نقطه مشترک پیدا کنم.» (خنده)

در خصوص مذاکرات و برجام: «اما من فکر می‌کنم در کل، ایران موفق بود و جمهوری اسلامی با همه مشکلاتی که داشت، توانست دانش و تکنولوژی غنی‌سازی را در خاک خود تثبیت کند و همه پذیرفتند ایران غنی‌سازی داشته باشد. حالا تعداد سانتریفیوژ مهم نیست. مهم آن است که آنها پذیرفتند ایران با ۶ هزار سانتریفیوژ غنی‌سازی داشته باشد. بعضی فکر می‌کنند اگر الان تعداد سانتریفیوژهای ما ۲۰ هزار تا بود شوق‌الْقمر می‌کردیم؛ خیر، چنین چیزی نیست. چون ما محذورات دیگری هم داشتیم که پذیرفتیم. نکته دیگر آن که آنها پذیرفتند فضای تحریم‌ها را بشکنند. حالا این ممکن است یک مناقشه‌ای باشد که خیلی جاها ناجی نبوده ولی به هر حال، فضا تغییر کرده است. الان مراودات و خریدهای ما، شرایطش تغییر کرده است. وقتی به صورت دلالی، پنهان خرید و فروش انجام شود، حتماً ۳۰ تا ۴۰ درصد قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند. الان در سطح بانک‌های کوچک، رفت و آمدهای پولی انجام می‌شود، ما نفت می‌فروشیم. در حالی که آنها آن زمان، تصمیم داشتند سطح فروش نفت ایران را از یک میلیون بشکه در روز نیز کاهش دهند اما حالا نه‌تنها کاهش پیدا نکرد بلکه به بیش از دو میلیون در روز رسید! بله، ما در بعضی جاها با رفتارهای نادرست مواجه هستیم که این باید حل شود. آنها می‌گویند «ما برای حل موضوع دستور دادیم» اما بعضی جاها ما اثرش را نمی‌بینیم، اختلاف ما بر سر این است. ما احتیاجی به دستور نداریم، ما به فعل سیاسی کار داریم. وقتی ما توافق کردیم این کارها را انجام

دهیم، فعل معادلش؛ این است که ارتباطات بانکی کاملاً روان شود اما هنوز کامل نشده است. یعنی به نظر من، نقص دارد ولی در کل، فکر می‌کنم جمهوری اسلامی موفق شد. آن نرمش‌هایی که پذیرفتیم باتوجه به مجموع معاذیری که داشتیم، خیلی چیزهای پر اهمیتی نبود. کلاً کار مذاکره، خوب جلو رفت.» و در پایان متذکر شد: «این که سوال شد برخی احتمالش را زیاد می‌دانند که آقای دکتر روحانی رییس‌جمهور یک دوره‌ای باشد، می‌گویم خیر، من احتمالش را زیاد نمی‌دانم ولی شرایط آینده خیلی می‌تواند تعیین‌کننده باشد.» (۶)

حجت الاسلام سید محمد خاتمی، ضمن حمایت مجدد از روحانی، خطاب به دانشجویان گفت: «امروز آقای دکتر روحانی رییس‌جمهور همه کشور است؛ حتی همه آنهایی که به او رأی نداده‌اند. اصلاً جای نگرانی نیست! رییس‌جمهوری‌ای می‌خواهیم که رییس‌جمهور همه باشد و البته از همه نیروهای کاردان، عاقل، توانا و مورد اطمینان از هر جناح باید استفاده کند.» وی به طور ضمنی خواسته‌اش از دولت جدید را مطرح و تصریح کرد: «ما چیزی جز آنچه آقای دکتر روحانی در اظهارات‌شان گفتند، نمی‌خواهیم. اما توقع داریم که با جدیت پیگیری شود و از ملت می‌خواهیم صبور و واقع بین باشند. در میان مطالباتی که هست اولویت‌ها را در نظر بگیرید. اگر دولت یک اولویتی را تشخیص دهد، هماهنگی و همراهی کنید. انتظار نداشته باشید یک شبه، تمام مطالبات ما تحقق یابد. همین که جو عوض شود و مردم بدانند در جهت مطالبات آنها گام برداشته می‌شود، مردم صبر و همراهی می‌کنند.» (۷)

محمد رضا عارف در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان که پرسید رییس‌جمهور گفته ۱۰۰ روزه مشکلات اقتصادی کشور را حل می‌کنم، گفت: «دولت آقای روحانی در شرایط خاصی روی کار آمد و وارث مشکلات عدیده‌ای است انتظار این نیست که یک شبه، تمام مشکلات حل شود. البته آقای رییس‌جمهور نگفتند ۱۰۰ روزه مشکلات اقتصادی حل می‌شود بلکه

تاکید کردند هر ۱۰۰ روز به مردم گزارش می‌دهند. انشاءالله آقای روحانی به وعده‌های‌شان عمل می‌کنند و تاکنون [نیز] در این مسیر قدم برداشته‌اند.» (۸)

آیت الله سید حسن خمینی نیز حسن روحانی را از سربازان و پیروان راهی امام می‌داند و بیان داشته است: «رییس جمهوری ما به عنوان یکی از فرزندان امام (ره) و سربازان این مسیر است و ایشان به کارهایی که در پیش دارند، امیدوار هستند.» (۹)

به اعتقاد برخی از اصلاح‌طلبان، روحانی سخت‌ترین دولت را تاکنون مدیریت کرده است. تاجر نیا خاطر نشان کرد: «جدا از این که آقای روحانی یک چهره حاضر در اردوگاه اصولگرایان بوده، اما با توجه به عملکردش که کارنامه قابل دفاعی دارد، مورد اقبال اصلاح‌طلبان [هم] قرار گرفته است. به نظر من آقای روحانی، سخت‌ترین دولت پس از پیروزی انقلاب را مدیریت کردند. نوع و حجم مخالفت‌های صورت گرفته، بسیار متفاوت از دولت‌های پیش از خودش بوده است.» (۱۰)

علی صوفی - وزیر تعاون دولت خاتمی، معتقد است: «حداقل کاری که دولت انجام داده، این است که کشور را از خطر بحران‌های عظیم اقتصادی و سیاسی نجات داده و رویکرد دنیا را نسبت به ایران، تعاملی کرده است. این یک واقعیت است و نمی‌توانیم از آنچه این دولت تحویل گرفته و آنچه داریم، غافل شویم.» (۱۱) در این راستا، ناطق نوری معتقد است که: «پول درآمد نفتی دولت احمدی نژاد بیشتر از پول نفت از زمان مظفرالدین شاه تا پایان دولت خاتمی بوده است!» (۱۲)

صالحی امیری - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطر نشان کرد: «معتقدم تاریخ قضاوت خواهد کرد که روحانی کشور را از جنگ و تحریم و فساد نجات داد. آن هم در عصر افول اخلاق که انگ زنی و بداخلاقی، سکه‌ی رایج بود.» (۱۳)

از نظر الیاس حضرتی - نماینده مجلس: «با سیاست‌های اصولی که

دولت تدبیر و امید در پیش گرفت، اتحاد قدرت‌های بزرگ علیه ایران اسلامی از بین رفت.» وی پرونده هسته‌ای ایران را یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌ها در طول تاریخ خواند و افزود: «با رهنمودهای مدیرانه رهبری و تلاش دولت، مسئله هسته‌ای حل شد.» (۱۴)

خلاصه‌ی چند نظر

سرکار خانم دکتر زهرا مصطفوی- دختر حضرت امام خمینی و رئیس جمعیت دفاع از ملت فلسطین در پیام تبریک به دکتر حسن روحانی: «امید و اطمینان داریم که مواضع منطقی و محکم جناب عالی در دفاع از ملت بزرگوار ایران و همه ملت‌های آزاده جهان خصوصاً ملت مظلوم فلسطین، راهگشای عرصه جدیدی در پیگیری اهداف انقلابی امام راحل (س) و مقام معظم رهبری خواهد بود.

رجاء واثق داریم که دولت جناب عالی با شعار تدبیر و امید می‌تواند موجب وحدت و انسجام کلیه نیروهای کارآمد نظام مقدس جمهوری اسلامی در خلق حماسه اقتصادی و رشد شکوفایی میهن عزیز اسلامی‌مان باشد.» (۱۵)

ماهاتیر محمد، نخست وزیر اسبق مالزی:

«روش‌ها و سیاست‌های دکتر روحانی را خیلی خوب ارزیابی و آن را تحسین می‌کنم.»

پروفسور بصیر احمد خان معاون دانشگاه ایندیراگانندی دهلی نو:

«دیپلماسی روحانی، غرب را مجبور به پذیرش حق هسته‌ای ایران کرد»

«چن گوانگ یونن» رییس بزرگترین نهاد اسلامی در چین:

«بزرگترین دستاورد دولت تدبیر و امید ایران، دستیابی به توافق وین و به سرانجام رسیدن آن در برهه حساس کنونی دنیا است. این اتفاق مهم، نقش بسیار مهمی در ثبات منطقه خاورمیانه و جهان دارد.»

دکتر عبدالرضا نواح (نظریه پرداز و جامعه شناس برجسته و استاد نمونه کشوری):

«دولت یازدهم؛ دولت معتدلی که با عقل و درایت کار می‌کند»

دکتر مصطفی کواکبان دبیر کل حزب مردم سالاری و رییس هیات مدیره خانه مطبوعات کشور: «دولت یازدهم با تدبیرهایش توانسته امیدهای زیادی در جامعه ایجاد کند.»

دکتر سید ضیاءالدین میرحسینی (استاد تمام دانشگاه گیلان و پژوهشگر نمونه استان): «دولت روحانی سکاندار کشتی انقلاب در شب‌های تاریک و طوفانی و هدایت به سوی ساحل امید است.»

دکتر قاسم جان بابایی (رییس دانشگاه علوم پزشکی مازندران): «توافق هسته‌ای در دولت یازدهم در تاریخ، کمتر از ملی شدن صنعت نفت نیست.»
آیت‌الله واعظ طبسی (تولیت آستان قدس رضوی و نماینده ولی فقیه در خراسان):

«دیپلماسی دولت در برقراری ارتباط با کشورهای خارجی، قابل تحسین است.»

پروفسور حبیب‌الله فیروزآبادی (چهره ماندگار علمی کشور، دانشمند برتر جهان اسلام، عضو آکادمی جهانی علوم و استاد دانشگاه شیراز): «دولت یازدهم، منشاء خدمات گسترده‌تری به ملت خواهد بود.» (۱۶)

حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری: «آقای لاریجانی و دیگران هم معتقدند که آقای روحانی باید رئیس‌جمهور شود. شرایط به گونه‌ای است که معده این جامعه به غیر از آقای روحانی، شخص دیگری را نمی‌پذیرد.» (۱۷)
مهندس محمد غرضی (با ۱۶ سال سابقه وزارت در دولت‌های موسوی و هاشمی رفسنجانی و رقیب انتخاباتی دکتر روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری: «من به دولت روحانی نمره ۲۰ می‌دهم و امیدوارم این دولت هر روز به قدرت سیاسی انقلاب بیفزاید و به عنوان

دولت مقتدر نظام اسلامی، گرفتار مسائلی مانند مسائل دولت‌های قبلی نشود.» (۱۸)

به طور مسلم و قطعی، آگاهی، شعور و بینش سیاسی افراد سبب می‌شود که فارغ از فضا‌سازی‌های دیگران، انتخاب مستقل و کارآمدی داشته باشند. علاوه بر استعداد و قدرت انتخاب فردی، نباید از کمک و مشاورت سایر خردمندان، احساس بی‌نیازی کنیم. یک دانشجو، کارگر و کشاورز وقتی می‌بیند و می‌شنود که همراه با او، سایر اساتید دانشگاه، علما و نخبگان نیز دارند به حسن روحانی رأی می‌دهند، صدالبته، اطمینان بیشتری به انتخابش پیدا خواهد کرد. بنابراین برای انتخاب اصلح در انتخابات، هر کسی دو مینا برای انتخابش می‌تواند داشته باشد؛ یا خودش به تنهایی، قدرت تشخیص و انتخاب دارد و یا از نظرات و دیدگاه‌های دیگر نخبگان کمک می‌گیرد. مسلماً برای اطمینان بیشتر و تشخیص بهتر، ارجح آن است که شخص به رغم توانایی در انتخاب، از عقاید و نظرات سایر نخبگان و کارشناسان خبره دیگر نیز مطلع شود که در این صورت، یقیناً ضریب خطای او کمتر خواهد شد.

منابع:

۱. خبرگزاری دانشجو، ۹۴/۸/۲۲
۲. روزنامه جمهوری اسلامی، پایگاه خبری آفتاب، ۲۵ آبان ۹۳
۳. سایت آبشار نیوز، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵
۴. سایت خبری تحلیلی صدای ایران، ۲۱ اسفند ۹۴
۵. پایگاه اطلاع رسانی دکتر علی مطهری، ۲۴ خرداد ۹۴
۶. پایگاه تحلیلی- اطلاع رسانی عماریون، ۱۶ خرداد ۹۵
۷. سایت خبر آنلاین، ۳۱ خرداد ۹۲
۸. پایگاه خبری- تحلیلی مستقل ایران، بهار، ۴ اسفند ۹۳
۹. خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی، آنا، ۱۱ بهمن ۱۳۹۴
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵/۹/۲۳
۱۱. صوفی علی، روزنامه آرمان، لزوم نگاه به گذشته و دستاوردهای دولت، ۱۳۹۵/۹/۲۰

۱۲. سایت صبح بخیر

۱۳. صالحی امیری سید رضا- وزیر فرهنگ، مقاله افول اخلاق- مظلومیت

روحانی، روزنامه ایران، ۹۵/۹/۲۰

۱۴. روزنامه اعتماد، ۹۵/۹/۲۰

۱۵. پایگاه تحلیلی خبری نامه، ۲۸ خرداد ۹۲، کد خبر ۴۸۶۲۹

۱۶. پایگاه خبری تحلیلی اعتدال، نظر ۵۱۱ شخصیت در باره دولت روحانی، ۸

شهریور ۹۴

۱۷. سایت اصلاح نیوز (مصاحبه با عصر ایران)، ۸ شهریور ۹۵

۱۸. پایگاه تحلیلی خبری نامه، ۳ فروردین ۹۳، کد خبر ۱۱۷۸۲۵

روحانی و دستاوردهای برجام

مذاکرات دوازده ساله‌ی هسته‌ای، نهایتاً به برجام ختم شد. پشتیبانی مردم، هدایت و نظارت رهبری، طراحی و حمایت ریاست جمهوری، مدیریت، جدیت، اهتمام و هنرمندی تیم مذاکره‌کننده - خصوصاً دکتر ظریف را می‌شود چهار عامل اصلی موفقیت در مذاکرات هسته‌ای قلمداد کرد. رهبر معظم انقلاب هیئت مذاکره‌کننده را، هیئتی امین، غیور، شجاع، متدین می‌داند و تأکید می‌کند: «بنده هیئت مذاکره‌کننده را - همین دوستانی که این مدت این زحمات را بر دوش گرفته‌اند - هم امین می‌دانم، هم غیور می‌دانم، هم شجاع می‌دانم، هم متدین می‌دانم؛ این را همه بدانند. اکثر حضاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارید؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات و آنچه در مجالس می‌گذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتماً اذعان می‌کردید. من البته علاوه‌ی بر این‌ها، بعضی از این دوستان را از نزدیک می‌شناسم، بعضی را از دور با سوابق‌شان می‌شناسم؛ اینها مردمانی هستند متدین و امین؛ اینها امینند؛ قصدشان این است که کار کشور را پیش ببرند، گره را باز کنند و دارند تلاش می‌کنند برای این کار. انصافاً غیرت ملی هم دارند، شجاعت هم دارند، در مقابل یک تعداد کثیری از کسانی قرار می‌گیرند که حالا نمی‌خواهم تعبیر متناسب واقعی را بکنم، چون گاهی تعبیرهایی هست که واقعا شایسته‌ی آن تعبیرند اما خب، مناسب نیست که ما به زبان بیاوریم و انصافاً در مقابل آنها با شجاعت کامل، با دقت کامل مواضع خودشان را بیان می‌کنند، دنبال می‌کنند و تعقیب می‌کنند.» (۱) تأکیدات روشن و قاطع رهبری، باید یقیناً برای همگان، خصوصاً تضعیف‌کنندگان و تخریب‌کنندگان دولت، اتمام حجت و فصل‌الخطاب باشد.

رفع تحریم‌ها، نقطه‌ی ثقل برجام است که چرخه‌ی اقتصاد کشور

با تحریم‌ها قفل شده بود. دیپلماسی اقتصادی دولت، یکی دیگر از دستاوردهاست که موجب شده کشورهای اروپایی برای حضور در ایران، با هم مسابقه بدهند. تثبیت شدن حق مسلم فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران، و در این راستا حسن روحانی رییس‌جمهور ایران در نامه‌ای به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دستاوردهای یازده‌گانه کشور پس از اجرای برجام را در حوزه‌های هسته‌ای، سیاسی، حقوقی و اقتصادی تشریح کرد که ذیلاً به چند مورد عمده اشاره می‌گردد: «با تثبیت غنی‌سازی، ایران در زمره تولیدکنندگان بین‌المللی سوخت هسته‌ای درمی‌آید. شش قطعنامه فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل بر ضد ایران لغو شد. هم اکنون تنها قطعنامه ۲۲۳۱ اعتبار دارد که پس از ده سال خود به خود لغو خواهد گردید. دوازده قطعنامه و پنج تصمیم شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی لغو گردید. تحریم‌های اقتصادی و مالی مربوط به هسته‌ای شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های گوناگون همچون نقل و انتقالات مالی، فعالیت‌های بانکی، سوئیفت، سرمایه‌گذاری، خدمات بیمه، اعتبارات صادراتی، نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، کشتیرانی، بنادر، تجارت طلا و سایر فلزات، خودرو، هواپیما برداشته شد و به این ترتیب زمینه لازم برای حضور توانمند ایران در اقتصاد جهانی، استفاده از فرصت‌های بازار صادراتی و دسترسی به بازار سرمایه بین‌المللی فراهم گردید. دارایی‌های مسدود شده مربوط به تحریم‌های هسته‌ای ایران آزاد گردید که امکان استفاده برای سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در کشور را در دسترس قرار می‌دهد. از همه مهم‌تر، تلاش چندین ساله بدخواهان اسلام و ایران که می‌خواستند تصویری نادرست و هراسناک از انقلاب اسلامی ترسیم کنند، شکست خورد و سیمای انسانی و صلح‌طلب ایران اسلامی در فضای جهانی درخشید و جامعه جهانی را به تحسین اخلاق و منش خردمندانه و عزتمندانه فرزندان انقلابی شما واداشت.» (۲) دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و دیپلماسی برجام، خیلی بیش از این‌هاست که هنوز برای

عموم مردم تشریح نشده است. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، تصریح کرد: «دولت باید فهرست دستاوردهای برجام را براساس عقل و منطق بیشتری برای مردم بازگو کند.» (۳)

اما چند روز پیش، کنگره و مجلس سنای آمریکا قانون تحریم‌های آمریکا علیه ایران که به قانون «داماتو» معروف بود را فعلا برای ۱۰ سال دیگر تمدید کرد که در واقع نقض آشکار برجام است و طبعاً ناراحتی و واکنش‌های رهبری، رییس جمهور، مردم و نمایندگان مجلس را دربر داشت. ولی تحرکات، خوشحالی و شور و شعف مخالفان ودلواپسان داخلی برجام در ایران، جای حیرت و تعجب دارد!! آنهایی که وقتی کاندیدای جمهوری-خواهان آمریکا گفت: برجام؛ بدترین توافق تاریخی آمریکاست و اگر من رییس جمهور شوم آن را پاره خواهم کرد؛ سر از پا نشناختند! و وقتی همین شخص- دونالد ترامپ به ریاست جمهوری رسید، ابراز خرسندی کرده و او را تشویق کردند که هر چه زودتر، برجام را پاره کند!! و کم مانده بود برای او، پیام‌های تبریک نیز تقدیم کنند! شاید ذوقزدگی و خوشحالی این طیف تندروی افراطی به این سبب باشد که همراهان و همفکران آنها در آمریکا و منطقه، دست به این شاهکار سیاسی زده‌اند!

مصوبه‌ی جدید تمدید تحریم؛ حاصل زحمات تندروها و افراط‌گرایان آمریکا و کشورهای مرتجع عرب منطقه و اسرائیل، در راستای همکاری و نزدیکی با ترامپ می‌باشد که از ابتدا همگی از مخالفان توافق هسته‌ای بودند و الان احساس می‌کنند که زمینه‌ی مخالفت، تا حدودی فراهم شده و جالب است که معتقدند ایران سر آنها را کلاه گذاشته است! از اهداف پنهان مصوبه، به نظر می‌رسد یکی این باشد که ایران را به خروج از توافق و نهایتاً نقض برجام، تشویق و ترغیب کنند! عجیب است که در این مورد نیز با مخالفان داخلی برجام، وحدت رویه دارند! زیرا صدا و سیما، مطبوعات مخالف دولت اصرار دارند که چرا دولتمردان و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، عکس‌العمل‌های تند و شدیدی را از خود بروز نمی‌دهند! و چرا ساکتند؟!

« نکته دیگر اینکه برجام توافق بین دو دولت نیست که يك دولت بتواند به تنهایی آن را از بین ببرد. برجام، يك سند بین المللی و توافقی در سطح شوراي امنیت و سازمان ملل است. ۵ کشور اروپایی و نماینده اتحادیه اروپا هم آن را امضاء کرده اند. مصوبه شوراي امنیت را نیز دارد و لذا برخوردهای ایدایی و بدعهدی های آمریکا نمی تواند کلیت آن را از حیز انتفاع بیندازد لذا می توان از این فرصت برای تحت فشارگذاشتن آمریکا استفاده کرد و برخورد جمهوری اسلامی نیز بر همین مبنا شکل می گیرد تا دولت آمریکا را وادار کند مطابق برجام اعمال تحریم های مبتنی بر همین قانون «ایسا» را متوقف کند که باید هم چنین کند.» (۴)

«اما نکته ای را نیز باید با منتقدان و بعضا منتقدان داخلی برجام در میان گذارد و آن این که هزینه کردن از منافع ملی و مقدرات نظام اسلامی برای تسویه حساب های سیاسی و یا دعوای انتخاباتی، هیچ نسبتی با شرع و اخلاق و عقلانیت و حکمت و مصلحت ندارد. مراقب باشیم منافع نظام اسلامی و کشور عزیز و ملت با فرهنگ و قدرشناس را به ثمن بخش رقابت های انتخاباتی و یا به کسب مناصب قدرت نفروشیم. در این مقطع حساس که پای دفاع از منافع ملی در میان است همه باید در يك صف واحد درصدد بی اثر کردن نقشه های دشمن و اتخاذ بهترین و عقلانی ترین سازوکار برای دفاع از منافع خود باشیم و تمام قد از سربازان سنگر دیپلماسی خود برای دفاع جانانه در این عرصه سخت، دفاع کنیم و از تفرقه و تشتت دوری نماییم. آخرین سخن این که هم چنانکه بارها گفته شد و رهبری نیز چندین بار در این باره تأکید کرده اند، در عین لزوم توجه به رفتار دشمن، بهترین راه مقابله با توطئه ها، تقویت قدرت درونی نظام با استفاده از تمامی ظرفیت هاست. در هر حال و حالتی به این نکته دقت کنیم که از درون باید خود را تقویت کنیم.» (۵)

برجام؛ حاصل تعامل سازنده و خردمندانه روحانی با نظام بین الملل بود که یقیناً کشور و ملت از ثمرات و نتایج آن منتفع خواهند شد. افزایش

سهام ایران در اوپک، یکی از آن دستاوردهاست که با دیپلماسی نفتی دولت محقق شد و بیانیه حمایتی ۲۰۷ نماینده مجلس دهم را نیز دربر داشت. (۶)

اکبر ترکان مشاور ارشد رییس جمهور با توجه به شرایط سخت آغاز به کار دولت یازدهم، بیان داشت: «دولت در ۴۴ درصد تحریم، کارش را آغاز کرد و تمام تلاش خود را برای کاهش تورم و نرخ سود بانکی و ایجاد اشتغال به کار گرفته است. در این دولت، تورم به ۸/۶ درصد رسیده ولی بانکها هنوز هم نرخ سودشان بالاست و اینها باید اصلاح شود تا اشتغال و تولید راه بیفتد و مساله اشتغال حل شود.» وی افزود: «به دلیل رفتارهای ناشیانه عده‌ای، آمریکا ابزارهایی را در اختیار گرفت که با استفاده از این ابزارها، توانست همه کشورهای غربی را علیه ما، یکپارچه کند. ملت ما زیر بار اعمال این تحریمها خسارت دید، اما مقاومت کرد و دولت یازدهم توانست با هوشمندی و راهنمایی‌های داهیانة رهبر معظم انقلاب این توطئه را خنثی کند و یک موافقت نامه به نام برجام برقرار شد.» وی اذعان کرد: «در این راستا ایران به برجام احترام می‌گذارد و هر اشکالی هم داریم از راه‌های قواعد سیاسی شناخته شده دنیا و طبق تاکید رییس جمهوری با پیگیری از طریق قواعد دیپلماتیک آنها را رفع خواهیم کرد.» (۷)

به قول مصطفی تاج زاده، «برجام سایه جنگ را از سر ایران برداشت و اجماع جهانی را علیه ما شکست. برجام به ما موقعیتی داد که وقتی ترامپ علیه آن حرف می‌زند، زودتر از ما، خانم موگیرینی پاسخش را می‌دهد.»! و وی افزود: «ما رییس جمهوری می‌خواهیم که به گونه‌ای عمل کند که هم- پیمانان و اشنگتن حاضر نشوند با آمریکا علیه ایران متحد گردند. بر این اساس است که می‌گویم در شرایط فعلی، روحانی، بدیل ندارد.» (۸)

با این اوصاف، نگارنده یقین دارد با توجه به دشمنی و مخالفت‌های داخلی آمریکا اعم از کنگره، مجلس سنا، ترامپ، کشورهای عرب مرتجع منطقه، اسرائیل و همه‌ی گروهک‌های ضد انقلاب فراری خارج کشور با توافق هسته‌ای انجام شده، برجام؛ توافقی درست، منطقی و عقلانی بوده

و اهداف اصلی و استراتژیک ایران را تأمین خواهد کرد و همچون صلح حدیبیه، چشم انداز مثبتی را نوید می‌دهد. بنابراین، دستاورد هسته‌ای دولت روحانی، عظیم، گرانسنگ و تاریخی خواهد بود و آیندگان کشور، بهتر و بیشتر به عظمت و بزرگی کار واقف خواهند شد.

منابع:

۱. دهم تیر ۹۴ farsi.khamenei.ir
۲. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
۳. خبرگزاری ایسنا: ۲۰ مرداد ۹۵
۴. روزنامه اطلاعات، ۱۵ آذر ۹۵، یادداشت «مقابله هوشمندانه» فتح الله آملی
۵. همان.
۶. روزنامه جهان اقتصاد، ۱۸/۹/۹۵
۷. سایت انتخاب، ۲۷ آذر
۸. روزنامه الکترونیکی امید ایرانیان، ۲۸/۹/۹۵

فصل هشتم:

بایدهای و نبایدهای انتخاب

مفاسد اقتصادی از نگاه روحانی

چند دوره‌ای است که یکی از محک‌ها و مؤلفه‌های اصلی مردم در ایام انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، این است که کاندیدا چه موضع و رویکردی نسبت به مفاسد اقتصادی دارد؟ چه راهکارهایی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی دارد؟ علی‌رغم انتظارات عموم مردم، دغدغه‌ها و تأکیدات مقام معظم رهبری به نظر می‌رسد که مفاسد اقتصادی به چنان معضل و معمایی تبدیل شده که قوای سه‌گانه‌ی مجریه، قضاییه و مقننه نیز از حل آن عاجز مانده‌اند! به طوری که «رانت جویی» و «درون‌زا بودن فساد اقتصادی»، سیستمیک شده و مشروعیت نظام را بشدت تهدید می‌کند.

از نظر احمد توکلی اقتصاد دان و نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی: «انقلاب مخملی و کودتا در ایران به نتیجه نمی‌رسد اما فساد اقتصادی حکومت اسلامی را از پا در می‌آورد و به طبع، مفاسد اقتصادی، دین‌گریزی و دین‌ستیزی به وجود می‌آورد.» (۱) وی معتقد است که: «فعال‌یأس از تاثیر و نتیجه دادن اقدامات وجود دارد. این امر بسیار بد است، آقای روحانی می‌توانست این یأس را به شدت به امیدی بزرگ تبدیل کند. این دولت، دولت امید است و یکی از دلایلی که من در ابتدا از این دولت حمایت کردم

همین بود که در این شرایط، امید، سرمایه‌ای بسیار گرانقدر برای کشور است. می‌توانستند این امید را چندین برابر کنند. من تضمین می‌دهم که اگر ایشان در حال حاضر هم این کار را انجام بدهند دور بعد، رییس جمهور می‌شود و آدمی محبوب در تاریخ ایران باقی می‌ماند. (۲) توکلی از روحانی انتظار دارد که با شدت و حدت بیشتری با مفاسد اقتصادی، مقابله و مبارزه کند و شرط موفقیت او را در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری و افزایش محبوبیت وی را در این مبارزه می‌داند که در واقع، انتظار منطقی، درست و خواسته‌ی بحق ملت ایران نیز همین مطالبه است.

«توجه به فساد در سه دهه اخیر و در مقیاس جهانی، به صورت چشمگیری افزایش داشته است. از دیدگاه تمامی ادیان توحیدی و از دیدگاه همه حکومت‌ها، حداقل در سطح شعار و تبلیغات، فساد مالی به عنوان یک پدیده مذموم در نظر گرفته شده است. امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی تبدیل شده است. دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی هم نمی‌شناسد، همان طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه یافتگی، گوناگون است. این پدیده در دنیای امروز و به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در سر راه پیشرفت جامعه، مطرح شده و صدمات جبران ناپذیری را بر روی سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده است.

هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا نماید که عاری از هرگونه فساد اقتصادی است. اقتصاد ایران هم سال‌هاست با این پدیده شوم روبروست. انحصارات وسیع، ساختار رانتی، سطح پایین کیفیت قوانین و عدم شفافیت گسترده، موجب شده است که متأسفانه ایران در زمره کشورهای فاسد محسوب شود. سازمان شفافیت بین الملل، سالانه وضعیت همه کشورها را از نظر سطح فساد بررسی و رتبه‌بندی می‌کند. یکی از پارامترهای ارزیابی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها، شاخص فساد اقتصادی می‌باشد. این نوع

فساد، سوء استفاده از اعتماد مردم در جهت منافع شخصی است که معمولاً در قالب رشوه، اختلاس، تقلب، کلاهبرداری و اخاذی ظهور می‌کند. نگاهی به جایگاه و رتبه ایران از منظر شاخص فساد در ۱۱ سال اخیر، به خوبی گویای عمق فساد در نظام اداری کشورمان می‌باشد.

این بررسی در سال‌های گذشته بین ۱۸۰ کشور دنیا انجام شده و کشورهایی مثل دانمارک، فنلاند و ژلاندنو در بالای جدول و در زمره پاک‌ترین کشورها و کشورهایی هم چون کره شمالی، افغانستان و سومالی نیز در انتهای جدول و در میان فاسدترین کشورها قرار گرفته‌اند.

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
رتبه	۹۳	۱۳۱	۱۰۵	۱۴۱	۱۶۸	۱۴۶	۱۲۰	۱۳۳	۱۴۴	۱۳۶	۱۳۱

جدول رتبه ایران از منظر شاخص فساد در جهان

بررسی روند حرکتی ایران در ۱۱ سال اخیر، نشان‌دهنده حرکت ما به سمت فساد بیشتر بوده است. بدترین رتبه کشور در سال ۲۰۰۹ رقم خورده است که در میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی، جایگاه ۱۶۸ را به خود اختصاص داده است. جالب آنجاست که در گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۱۰ صریحاً عنوان شد که در سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۲ میلیارد دلار رشوه در چارچوب قراردادهای نفتی ایران با شرکت‌های نفتی خارجی جابجا شده که بر مبنای شاخص فساد، این مبلغ حداقل میزان رشوه‌ای است که مقام‌ها و واسطه‌های نفتی در ایران طی سال ۲۰۰۹ میلادی دریافت کرده‌اند. قطعاً عوامل زیادی در شکل‌گیری این نارسایی نقش داشته و دارند. (۳)

«بعد از انقلاب اسلامی ایران که همانا مبارزه با ریشه‌ها و مظاهر فساد از شعارهای اصلی آن بود. به صورت جدی و برای اولین بار، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۷۹ بر ضرورت اصلاحات اداری، امنیتی، قضائی و اقتصادی در کشور و لزوم مبارزه با مفاسد در تمامی زمینه‌ها تأکید کردند که به دنبال آن، هسته اولیه ستاد مبارزه

با مفاسد اقتصادی با همکاری و هماهنگی برخی از مسئولین کشور، تشکیل و متعاقباً در تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۸۰ فرمان هشت ماده‌ای رهبری در خطاب به رؤسای قوای سه گانه مبنی بر لزوم مبارزه همه جانبه و سازمان یافته با فساد مالی و اقتصادی به منظور اجرای مفاد مذکور، زیر نظر رؤسای قوای سه گانه به عنوان منشور مبارزه با فساد رسمیت یافت.

از تاریخ تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی تا به امروز، ۳ دولت (دوره دوم دولت اصلاحات، دوره اول و دوم دولت محمود احمدی نژاد و دولت فعلی حسن روحانی)، روی کار آمده‌اند، اما خروجی مبارزه با مفاسد اقتصادی به رغم تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و نهادهای عریض و طویل تا به امروز، مطلوب نبوده است. واقعیت این است که در این سال‌ها به جای پیشرفت، عقبگرد داشته‌ایم و عامه مردم به جای سالم‌سازی و سلامت سیستم، شاهد اختلاس و ارتشا و مفاسد اقتصادی به خصوص طی دولت‌های نهم و دهم هستند که ارقام و اعداد آن، هوش از سر همگان می‌برد.» (۴)

احمد توکلی، کارشناس اقتصادی و نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی بارها در مورد فساد در ایران هشدار داده است. توکلی معتقد است، «حکومت جمهوری اسلامی ایران به مرحله فساد سیستماتیک رسیده است.»

فرشاد مومنی از اقتصاد دانان مطرح کشور نیز در این زمینه معتقد است: «بنا بر آمارهای جهانی، ایران از ۷۷ درصد کشورهای جهان، فاسدتر است که نشان از ناکارآمدی سیستم مبارزه با فساد دارد.» مؤمنی می‌گوید: «دولت احمدی نژاد به دلیل موضعی که در برخورد با فساد داشت، امکان شکل‌گیری یک فساد سیستماتیک را در ایران فراهم کرد.»

وی تاکید دارد، در این دوران بود که پرونده‌های فساد اقتصادی با صفرهای بی شمار پشت سر هم ردیف شدند. سه هزار میلیارد، دیری نپایید که به ۶ هزار میلیارد رسید و پس از آن، پرونده‌های فساد ۱۲ هزار میلیاردی

و البته از رقم های دانه درشت دیگری نیز سخن به میان می آید که تصور آن هم سخت و باور نکردنی است. (۵)

صادق زیبا کلام در خصوص مهمترین چالش های پیش روی دولت یازدهم در سال جاری اظهار کرد: بزرگترین چالش پیش رو برای دولت یازدهم در عرصه اقتصاد خواهد بود، به نظر می رسد دولت تدبیر و امید در عرصه اقتصاد، کار بسیار سختی را پیش رو دارد و بعید به نظر می رسد موفقیت آن چنانی را کسب کند.

وی ادامه داد: اقتصاد ایران تا بن استخوان یک اقتصاد ناکارآمد دولتی است و بدون یک اصلاح عمیق ساختاری و تبدیل کردن اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد (اقتصادی که در بسیاری از کشورهای موفق چون مالزی و آرژانتین و برزیل خود را نشان داده است)، نمی تواند موفق باشد.

زیبا کلام همچنین یادآور شد: «اقتصاد دولتی نه تنها در ایران موفق نبوده است، بلکه در ظرف ۲۵۰ سال گذشته از بعد از انقلاب صنعتی به این سو، این اقتصاد در هیچ کجای دنیا موفق نبوده است. شما هیچ اقتصاد دولتی را در این مدت پیدا نمی کنید که موفق بوده باشد، اقتصاد سوسیالیستی اروپای شرقی، اقتصادهای سوسیال ناسیونالیستی برخی کشورهای عربی، کره شمالی و غیره همه و همه از نمونه های این اقتصاد دولتی ناموفق هستند، این اقتصادها حتی نتوانستند غذای مردمشان را تأمین کنند چه برسد به این که بتوانند به توسعه و رقابت در بازار جهانی دست یابند.»

زیبا کلام در ادامه در پاسخ به این پرسش که چرا در ایران بعد از انقلاب، علیرغم طرفداری دولت های قبل و در حال حاضر، طرفداری دولت روحانی از اقتصاد بازار آزاد، این روند بسیار کند و ناقص پیش می رود، اظهار کرد: «در ایران نیروهایی هستند که حیات سیاسی شان در گرو اقتصاد دولتی است و نمی توانند بگذارند این اقتصاد، سالم شود.»

وی عنوان کرد: «بعد از جنگ، آقای هاشمی در دولت سازندگی تلاش

زیادی کرد تا اقتصاد ایران را تبدیل به اقتصاد بازار آزاد کند؛ اما در همان زمان هم، جریان‌ات تندرو علیه ایشان دست به کار شدند و گفتند ایشان می‌خواهد نسخه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را برای ایران پیاده کند و... بنابراین این گروه، عملاً مانع اصلاحات در اقتصاد ایران شدند.»

زیباکلام افزود: «در دوران آقای خاتمی نیز همین اتفاق افتاد، با این تفاوت که رییس دولت اصلاحات، بیشتر توسعه سیاسی را مد نظر داشت. اما در دوران آقای احمدی نژاد، اقتصاد ما دولتی‌تر و کنترل دولت بر این حوزه، حتی بیشتر از دوره‌های قبل نیز شد.»

وی با بیان این که این‌گونه نیست که دولت در ایران به تنهایی بتواند این اصلاحات عمیق اقتصادی را انجام دهد، گفت: «این اتفاق، نیازمند همکاری دیگر نهادهای تأثیرگذار در اقتصاد ایران با دولت‌ها است. به همین دلیل مسئله چالش اقتصادی که در حال حاضر در پیش پای دولت است، مسئله‌ای نیست که بتوان آن را در کوتاه مدت و با شعار حل کرد.»

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در ادامه در پاسخ به این پرسش که آیا مبارزه با فساد اقتصادی نمی‌تواند راه حل کوتاه‌مدت و شروع روند سالم سازی اقتصاد باشد، خاطر نشان کرد: «در بین دولت‌های گذشته، شما دولتی را نمی‌توانید پیدا کنید که خواستار مبارزه با فساد نبوده باشد؛ اما هیچ کس از خودش سؤال نمی‌کند که چرا با وجود این که تمام مسئولان نظام در تمام دوره‌ها خواستار مبارزه با فساد بوده‌اند، اما باز «سکنجبین صفر می‌فزاید» چرا به جای این که فساد کمتر شود به نسبت سال‌های پیش، هر روز، فساد بیشتر می‌شود.»

وی ادامه داد: «این که ما بگوییم مثلاً دولت آقای روحانی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت بیاید با فساد مبارزه کند به نظر من، کارساز نخواهد بود. مگر آقای احمدی نژاد در تمام ۸ سال خود نمی‌گفت لیست مفسدان در جیش است و هر جا می‌رفت صحبت از فساد و مفسدان اقتصادی نمی‌کرد؟ اما

در عمل چه اتفاقی افتاد؟ تنها اتفاقی که افتاد این بود که فساد در این دولت، چندین برابر شد.»

زیبا کلام همچنين در خصوص عملکرد دولت در مقابل تخریب کنندگان و کسانی که در جهت عدم موفقیت دولت تلاش می‌کنند، گفت: «به نظر من اشکال اساسی آقای روحانی در این است که همیشه در مقابل تهاجمات، گارد دفاعی به خود می‌گیرد، آقای روحانی باید در یک ساعت، وقتی را که در صدا و سیما در اختیار دارد، به جای این که، حرف‌های قشنگ بزند، خیلی صریح و مستقیم به مردم بگوید، ای مردم! چرا در این مملکت این قدر فساد زیاد است. باید بیاید و به مردم بگوید که این یارانه پوپولیستی ۴۵ هزار تومانی چه بلایی سر کشور آورده است. می‌تواند به مردم بگوید که فکر نمی‌کنید یارانه را باید اقشار کم درآمد جامعه دریافت کنند و باقیمانده آن را می‌توان صرف زیرساخت‌های اقتصادی کنیم؟»

وی اضافه کرد: «آقای روحانی باید بگوید چه شده است که ۸ میلیون بیکار به وجود آمده است، روحانی باید بگوید که در این کشور در مقایسه با دیگر کشورها، چقدر سرمایه‌گذاری صورت گرفته است، بگوید که چه رابطه معنا داری بین سرمایه‌گذاری خارجی، آمدن تکنولوژی، صنعت و ایجاد اشتغال و رفاه مردم، وجود دارد.»

این کارشناس مسائل سیاسی تأکید کرد: «به نظر من آقای روحانی باید بیاید واقعیت‌های اقتصاد را به صورت مستقیم و از تریبون صدا و سیما با مردم در میان بگذارد. این همان کاری است که آقای روحانی به هر دلیلی از انجام دادن آن طفره رفته است.»

وی در پایان خاطرنشان کرد: «برای پدر و مادری که فرزندان‌شان بیکار هستند، شنیدن قول رشد ۵ درصد در سال آینده و ... دردی را دوا نمی‌کند. آقای روحانی باید واقعیات این وضعیت را صادقانه با مردم در میان بگذارد.» (۶)

زیباکلام در پاسخ به این سؤال که برخی معتقد هستند حذف یارانه‌ها به پایگاه مردمی دولت آسیب وارد می‌کند، دولت در زمینه یارانه‌ها باید چه اقداماتی انجام دهد؟ بیان داشت:

«به نظر من دولت اصولگریان چندین ارثیه برای دولت یازدهم باقی گذاشت از جمله تحریم‌ها، فساد اقتصادی، بدهی‌های سنگین و ارثیه دیگر پرداخت یارانه به ۷۷ میلیون نفر بود. در هیچ کشوری نمی‌بینید که به فردی که ماهیانه ۱۰ میلیون درآمد دارد ۴۵ هزار تومان یارانه بدهند و به شخصی که ۴۰۰-۵۰۰ هزار تومان در ماه درآمد دارد هم همان ۴۵ هزار تومان را بدهند. چنین چیزی در تاریخ وجود نداشته است. به نظر من، دولت روحانی اشتباه بزرگی مرتکب شد. روحانی از همان ابتدا باید محکم می‌ایستاد و زیر بار پرداخت یارانه نمی‌رفت. باید به جای تشخیص افرادی که درآمد بالا دارند، یارانه‌ها را یکجا قطع می‌کرد. اقشار و افراد محروم جامعه یعنی کسانی که زیر یک میلیون تومان درآمد دارند باید شناسایی می‌شد. افرادی که بخشی از آنها در استخدام بخش دولتی و بخش خصوصی هستند و فیش حقوقی مشخصی دارند. به کمک فرمانداران و بخشداران و شوراهای صنفی و استانی، کسانی که در روستاها و شهرستان‌ها هستند، باید شناسایی می‌شد و به جای ۴۵ هزار تومان، مبلغ بیشتری به افراد محروم پرداخت می‌شد. متأسفانه دولت این کار را نکرد و عواقب آن را نیز خواهد دید. دولت برای پرداخت این ۴۵ هزار تومان در ماه با وجود رشد جمعیت، واقعا مجبور است از بخش‌هایی چون آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و از سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی بزند! همه به خاطر اینکه، تصمیم غلط را اصلاح نکرده و آن را دنبال کرده است.» (۷) نگارنده نیز دقیقا همین نظر را دارد و از ابتدای پرداخت یارانه بر این نکته اصرار داشته که دادن یارانه به عموم مردم، هیچ توجیهی قانونی، عقلی و منطقی نداشته و ندارد و جا داشت که مجلس نهم از این کار نابخردانه دولت وقت، ممانعت می‌نمود و حتی دولت احمدی نژاد را استیضاح می‌کرد و دولت یازدهم نیز از ابتدا نباید زیر بار این کار

اشتباه و خلاف می‌رفت.

از نظر روحانی، اصولاً انقلاب مردم در مبارزه با فساد رژیم پهلوی شکل گرفت. رییس‌جمهور گفت: «خودمان در اظهارات مان در طول نهضت اسلامی از رژیم گذشته به عنوان رژیم فاسد پهلوی یاد می‌کردیم. مردم انقلاب کردند برای این که کشور از فساد، پاکسازی شود و هیچ مفسدی بر صندلی حکومت و ریاست تکیه نزنند. اگر خدای ناکرده در مبارزه با فساد، ناتوان باشیم به مفهوم ضعف انقلاب اسلامی و ناتوانی انقلاب و دست نیافتن به یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی است.» (۸)

وی افزود: «موضوع فساد از دیدگاه مردم این است که یا مسئولان می‌دانند و در برابر فساد نمی‌ایستند، پس خود آلوده‌اند، پس انقلاب، زیر سؤال است، یا آنکه نمی‌دانند و ناتوانند در مبارزه، پس دولت اسلامی، دولتی ناکارآمد است.» (۹)

روحانی به قدرت و ظرفیت رسانه‌ها در مبارزه با فساد باور دارد و بیان می‌دارد: «بزرگترین قدرتی که می‌تواند به صحنه بیاید و با فساد مبارزه کند، رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها باید به صحنه بیایند. نام افراد مفسد و ویژه‌خوار نباید در جیب رییس دستگاه اجرایی کشور باشد. نام افراد مفسد و ویژه‌خوار باید بر سر زبان و بیان خبرنگاران ما قرار گیرد.» (۱۰)

روحانی در فرایند مبارزه با فساد، هیچ محدودیت و خط قرمزی قایل نیست. وی در همایش ملی ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد تأکید کرد: «اگر می‌خواهیم کشور در ریل درست قرار گیرد، باید با فساد، مبارزه کنیم و ملاحظه هیچ کسی را نکنیم و با متخلف باید در هر مقامی که باشد، برخورد کرد.» (۱۱)

روحانی معتقد است که قبح فساد نباید شکسته شود. «جایی که قبح، شکسته شود به جایی می‌رسد که حکم و راه خدا و راه حق، انکار می‌شود و زیر پا گذاشته می‌شود. نعوذ بالله کم‌کم قانون و قرآن، مورد تمسخر قرار

می‌گیرد. من می‌ترسم به جایی برسیم که قبح فساد، شکسته شود. خدا نکند آن روز بیاید. قدیم می‌گفتند زیر میزی، الان آمده شده روی میزی! باز زیر میزی، معنی‌اش این بود که یک قبحی داشته یعنی زیر انجام می‌گرفت. اگر از زیر میزی، شد روی میزی، آن وقت باید چه کرد؟

ما باید در برابر فساد عقب‌نشینی کنیم؟ ما باید در برابر فساد اعلام کنیم که نمی‌توانیم؟ اینکه به معنای زیرپا گذاشتن بالاترین وظیفه یعنی امر به معروف و نهی از منکر است. این که به معنی از دست دادن نظام و انقلاب است. شاید شما فکر کنید این تعبیر من، تعبیر تندی است، اما بدانید ادامه فساد، گسترش و تعمیق فساد، به معنای به خطر افتادن اصل انقلاب و نظام است. مردم که نوکر اسم جمهوری اسلامی ایران نیستند، مردم نوکر اسلام و جمهوریت و آراء عمومی هستند. مردم می‌خواهند هم جمهوریت اجرا شود یعنی اراده مردم و هم اسلام اجرا شود یعنی فرمان خداوند. آن وقت می‌شود جمهوری اسلامی مقدس مورد احترام همه. مردم، بزرگان، شخص ولی‌عصر (عج) مورد احترام همه می‌شود، جایی که رضای عامه و خاص مردم باشد و اجرای حکم خدا و فرمان خدا باشد. این کار را ما باید انجام دهیم. باید ایستادگی کنیم. امروز باید کمربندها را سفت‌تر و محکم‌تر ببندیم. من چند ماه پیش به مناسبتی که خدمت مقام معظم رهبری، گزارشی دادم در مورد مسأله فساد، ایشان فرمودند در این امور، جدی باشید تا هر کجا باشد، من حمایت و کمک می‌کنم. خیلی مهم است، وقتی رهبری معظم، حساس روی مسأله است و پافشاری می‌کند.

اگر قوای سه‌گانه هم به همین نسبت، پافشاری کنند. همه مردم باید به صحنه بیایند، مردم باید بدانند اگر خودشان نایستند و فریاد نزنند و به صحنه نیایند، خودشان فداکاری نکنند، موفقیت ما در حد لازم و کافی نخواهد بود. در امر مبارزه با فساد، ما نظارت عامه می‌خواهیم.

این ولایت را بیایم اعمال کنیم نسبت به همدیگر. اگر می‌خواهیم رحمت خدا شامل ما بشود، بیایید در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، تلاش

کنیم. چرا یک رسانه‌ای یک قوه‌ای را هجو و استهزاء می‌کند، با او برخورد نمی‌شود؟ چرا یک رسانه‌ای یکی را بزرگ می‌کند و یکی را خوار می‌کند برای اهداف آینده‌اش، چرا با او برخورد نمی‌شود؟ چرا عده‌ای به نام کار خیر و خیریه تابلو می‌زنند و زیر آن تابلو به فساد می‌پردازند، چرا با آن برخورد نمی‌شود؟ همه باید به صحنه بیاییم. اول رییس جمهور، قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه، همه قوا و بعد مردم، مردم همه به صحنه بیایند، نهادهای مدنی، روزنامه‌ها. تبلیغات دستگاه اجرایی و مسئولین به تنهایی، نمی‌توانند، باید تمام سندیکاها، انجمن‌ها، احزاب و گروه‌ها، همه، نقش خودشان را ایفا بکنند. تمام سازمان‌های مردم‌نهادی که این امر به آنها مربوط می‌شود، به صحنه بیایند. همه روزنامه‌ها و سایت‌ها و صدا و سیما به صحنه بیایند.

وی بر ضرورت حضور و کمک همگانی تأکید می‌کند: « بدون رسانه و بدون مبارزه عمومی و بدون آمدن جامعه مدنی و بدون حضور مردم، ما نمی‌توانیم به مقصد برسیم. در روایت است که امیرالمؤمنین (ع) به بازار کوفه می‌آمد، قدم می‌زد و این آیه را تلاوت می‌کرد «تَلِك الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».[سوره قصص آیه ۸۳: سرای آخرت را قرار دادیم برای آنان که برتری و گردن فرازی و همچنین فساد و تبهکاری در زمین را نمی‌خواهند و فرجام نیک و عاقبت خیر؛ تنها برای پرهیزکاران و تقوایندگان است.] این را در بازار می‌خواند، با صدای بلند می‌خواند. مگر با برتری جویی بر یکدیگر، ما می‌توانیم به آن بهشت برین و سرای آخرت و رضوان خدا، دست پیدا بکنیم؟! و مگر با فساد، آلودگی، تباهی، انواع فساد و انواع تباهی، فساد اجتماعی، فساد اخلاقی، مالی و اداری. البته یک راه‌حلش هم، مقررات صحیح، شفاف و کوتاه است. هر چه، کار مردم را طولانی بکنید در آن فساد می‌آید. اگر کسی مجوزی می‌خواهد، این مجوز اگر راهش کوتاه باشد، فسادش هم کم است. هر چه طولانی بکنید، مقررات دست و پاگیر باشد، شما بدانید فساد در آن در می‌آید. همه چیز باید شفاف باشد نه در ابهام. اصلاً این درخت

حفظ فساد، در تاریکی رشد می‌کند. فساد در تاریکی رشد می‌کند. شفاف کنید همه چیز را، روشن بکنید، حل می‌شود. ما باید شفافیت ایجاد کنیم و مقررات شفاف و مقررات کوتاه.

مجلس شورای اسلامی هم همینطور. هم قانونش باید شفاف و مانع باشد و هم نظارتش و از همه مهم‌تر، قوه قضائیه که پایان راه و پایان کار است، باید بتواند دقیق، سالم، عادلانه عمل کند. خدا نکند! خدا نکند! خدا نکند! یک وقتی، فساد به قوه قضائیه برسد، آنکه دیگر، نمک است. وای به وقتی که نمک بگردد. قضات شریف ما، قوه قضائیه ما، دستگاه‌های نظارتی ما، همه باید به صحنه بیایند. تعارف و شعار نیست. (۱۲)

روحانی در باره پاسخ‌گویی به مردم و شفافیت اطلاعات تأکید کرد: «لازمه مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی جامعه، «شفافیت اطلاعات» است. اگر مردم ببینند که آنچه به حقوق مردم مربوط می‌شود بدون ابهام و پرده‌پوشی به اطلاع آنها می‌رسد، با اعتماد و دلگرمی بیشتر، برای پیشرفت کشور و حمایت از نظام، تلاش می‌کنند. اگر در موردی، خیانت به بیت‌المال صورت گرفته است، باید به سوالات مردم، پاسخ داده شود. در پرونده بابک زنجانی و همکارانش که حدود ۲/۷ میلیارد دلار از بیت‌المال به یغما رفته و اکنون با سود متعلقه به بیش از ۳/۵ میلیارد دلار رسیده است، حق مردم است که بدانند در مورد این حجم عظیم از اموال متعلق به مردم، چه کسانی و چگونه تصمیم گرفته‌اند و این حجم عظیم پول، چگونه در اختیار یک فرد قرار گرفته و این اموال الان کجاست!؟»

روحانی افزود: از آغاز کار دولت، وزارت نفت شاکی و پیگیر وصول این مطالبات بوده و وزارت اطلاعات پرونده را دنبال کرده است. موضع دولت همواره این بوده است که برای تکمیل پرونده، باید متهم در اختیار وزارت اطلاعات قرار می‌گرفت که با کسب همه اطلاعات، پیگیری لازم در همه ابعاد، صورت می‌پذیرفت و زمینه برای اقدام سریع و قاطع قضایی، فراهم می‌شد. (۱۳)

در نامه سرگشاده صادق زیباکلام به روحانی، نکات قابل تأملی وجود دارد از جمله؛ می‌نویسد: « در آخرین سخنرانی‌تان برای چندمین بار به گونه‌ایی بسیار قاطع، سخن از ضرورت مبارزه با فساد به میان آوردید. با این تفاوت که برای نخستین بار، ضرورت ریشه‌یابی فساد را مطرح فرمودید. و اینکه بدون پرداختن به اسباب و علل عمیق‌تر بوجد آمدن فساد، نمی‌توان با صرف گرفتن، زدن و بستن، امید چندانی به پیشرفت در از بین بردن آن داشت.» و ادامه می‌دهد: « جنابعالی بالاترین خدمتی که در مبارزه با فساد می‌توانید بنمایید، آنست که از جایگاه رییس جمهور کشور، این پرسش ابتدایی و ساده را مطرح فرمایید که « ما را چه می‌شود که اینقدر مفسد اقتصادی در جامعه مان عمومیت پیدا کرده است؟» آیا در ساختار ژنتیکی ما ایرانیان، کمبودی وجود دارد که این همه، تمایل به مفسد اقتصادی در میان مان رواج دارد؟ یا بقول عباس میرزا به موسیو ژوبرفرانسوی در ۲۰۰ سال پیش: « درآبی که می‌نوشیم، درخاک مان و یا درآفتابی که بر سر ما می‌تابد، عناصری وجود دارند» که ما ایرانیان را این همه، متمایل به مفسد اقتصادی می‌نمایند؟» و نهایتاً نتیجه می‌گیرد: « ظرف ۲۵۰ سالی که از انقلاب صنعتی و شکل گرفتن اقتصاد آزاد می‌گذرد تا به امروز، حتی محض نمونه، یک اقتصاد دولتی موفق، نتوانسته ظاهر شود. (۱۴)

صادق زیباکلام با انتقاد از دستگاه‌هایی که در این زمینه کوتاهی می‌کنند، می‌گوید: « بیره نیست که رییس جمهور تأکید دارد باید به پرسش‌های مردم درباره پرونده‌های میلیاردی، پاسخ داده شود.» این استاد دانشگاه در روزنامه «ایران» می‌نویسد: «اگر نگفته باشیم دولت یازدهم در مبارزه با فساد، گام‌های مؤثری برداشته است (که برداشته است)، دست کم می‌توان این را با قوت و یقین بیشتری، اعلام کرد که ابعاد فساد که مربوط به قوه مجریه می‌شود، بسیار محدود شده و به شدت در دولت یازدهم، کاهش یافته است. اما حتی این کاهش بسیار جدی فساد اقتصادی، به معنای بازگشت اعتماد در مردم نیست. به عبارت دیگر، با وجود شفافیت‌های ایجاد شده و نیز بستن راه‌های

رانت از سوی قوه مجریه، اما پرسش‌ها و ابهامات مردم در این باره، همچنان باقی است. علت چیست؟ علت را باید در عمق، گستردگی و ریشه‌دار بودن فساد در همه زمینه‌های کشور جست‌وجو کرد. به بیان ساده‌تر، کارنامه دولت یازدهم در مبارزه و دوری از فساد، گرچه قابل قبول است، اما گویی، مردم شیوه‌های فعلی مبارزه با فساد را کافی و کارآمد نمی‌دانند. (۱۵)

زیبا کلام در خصوص علل بی‌اعتمادی مردم نسبت به مبارزه با مفاسد اقتصادی، می‌نویسد: «در بیان علت ضعف اعتماد مردم به مبارزه‌ها علیه مفاسد اقتصادی، نباید از این واقعیت، غافل شد که متأسفانه در بسیاری از موارد و پرونده‌ها، پاسخ درست و قانع‌کننده‌ای به مردم، داده نشده است. اصولگرایان بارها و بارها درباره حقوق‌های نجومی صحبت کرده‌اند و هم چنان هم دارند صحبت می‌کنند، اما هیچ پاسخ شفافی به مسأله املاک نجومی یا پرونده‌های کلانی همچون بابک زنجانی داده نشد. این واقعیت‌ها، در کنار بی‌پاسخ ماندن پرسش‌های مردم درباره پرونده‌های کلان مفاسد اقتصادی، باعث می‌شود تا اعتماد مردم و امیدواری آنها نسبت به رفع فساد و از بین بردن زمینه‌های آن کمتر و کمتر شود. بیراه نیست که رئیس‌جمهور هم تأکید دارد که باید به پرسش‌های مردم درباره پرونده‌های میلیاردی، پاسخ داده شود. (۱۶)

نکته دیگر، همکاری قوای سه‌گانه به ویژه همکاری قوه قضاییه و مقننه است که در این رابطه، مقام معظم رهبری در فرمان هشت ماده‌ای خود در بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی تأکید داشتند:

«قوه‌ی مجریه با نظارتی سازمان یافته و بی‌اغماض از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه‌ها، پیشگیری کند و قوه‌ی قضاییه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور، بردارد. بدیهی است که نقش قوه‌ی مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راهکارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه‌ی نظارت، بسیار مهم و کارساز است.» (۱۷)

شرط موفقیت در مبارزه با مفاسد اقتصادی این است که خود دست اندرکاران و مبارزان این وادی، باید مبرا باشند و به قول رییس وقت مرکز پژوهش‌های مجلس - احمد توکلی: «نباید در مصادر مربوط به مبارزه با مفاسد اقتصادی، کسانی مسئولیت داشته باشند که خود در معرض اتهام هستند؛ چرا که به هر حال، اگر این اتهامات، درست باشد مصداق همان فرمایش رهبری است که فرمودند با دستمال کثیف، نمی‌توان شیشه را پاک کرد.» (۱۸)

توکلی در آخرین نطق خود در مجلس نهم تأکید کرد: «آنچه در آینده، نظام را تهدید می‌کند، نه حمله نظامی، نه تحریم، نه تجاوز خارجی و نه انقلاب مخملی است. بلکه فساد به شکل فعلی، خطر اصلی برای نظام است. یعنی غیر از اعتقادات صحیح ما که الملک بیقی مع الکفر و لا بیقی مع الظلم، [سطلنت با کفر، باقی می‌ماند اما با ظلم دوامی نخواهد داشت]، تمام دلایل و شواهد علمی و تجربی ما را در معرض خطر جدی، نشان می‌دهد.» (۱۹)

این نماینده مجلس افزود: «چاره کار در سطح مردم، تشکیل یک سازمان مردم‌نهاد یا سمن است که موضوعش، دفاع از شفافیت، حقوق شهروندی، حاکمیت قانون، و مبارزه با مصادیق فساد و ساختارها و روش‌های فسادزا باشد. قدرت این نهاد از افکار عمومی و اختیارات منبعث از قوانین و مقررات قانونی نشات می‌گیرد. قدرت این سمن‌ها در مقررات ذی‌ربط، بسیار است. از جمله و مهم‌ترین آن‌ها قدرت اعلام جرم در موضوع‌شان بر اساس قانون جدید آئین دادرسی کیفری است.» (۲۰)

یک استاد دانشگاه نیز می‌گوید: «بهترین ابزاری که می‌تواند مقابل فساد قرار بگیرد، آزادی است. یعنی آنقدر آزادی اطلاعات، وجود داشته باشد تا اگر کسی دزدی کرد، افکار عمومی وی را له کند. یعنی در واقع، پیوند میان آگاهی، آزادی و شفافیت، مهم‌ترین اقدام برای مبارزه با فساد است.» (۲۱)

بنابراین، روحانی با آسیب شناسی دقیق، در صدد آفت‌زدایی از نظام

اقتصادی می‌باشد. ولی یقیناً دولت به تنهایی از عهده‌ی کار، برنخواهد آمد. لذا همکاری تنگاتنگ و یکپارچه سه قوه در مبارزه با مفسد اقتصادی از ضروریات و شروط اولیه است. دولت باید کوچک شود، ظرفیت نظارتی‌اش را تقویت کند و از تصدی‌گری در حوزه اقتصاد، خارج شود، زیرا که برخی از افراد به واسطه نزدیکی به دولت، سعی می‌کنند از رانت و منابع مالی در اختیار دولت، استفاده کنند. بخش خصوصی باید تقویت شود و عرصه‌ی کار برای آنان، تنگ نشود. با طراحی و ایجاد سیستم و مکانیسم جامع و سالم، همه‌ی تبادلات اقتصادی و مالی با شفاف سازی، تحت نظارت عمومی قرار گیرد. در فرایند نظارت عمومی، آزادی اطلاعات و آزادی مطبوعات، البته نظارت را تسهیل خواهد کرد. رسانه‌های گروهی فراگیر مثل صدا و سیما با روشنگری‌ها و اطلاع رسانی‌های بموقع، می‌توانند نقش پیشگیری و بازدارندگی خوبی داشته باشند. عامه‌ی مردم نیز با تشکیل سازمان‌ها و تشکل‌های «مردم نهاد»، بهتر می‌توانند نظارت عمومی را به منصفی ظهور برسانند.

بدین ترتیب، روحانی با صداقت و رویکرد مبتنی بر واقع‌بینی، موضع روشن، قاطع، علمی و منطقی در خصوص مبارزه با مفسد اقتصادی دارد که اگر مشارکت و همکاری دو قوه‌ی مقننه و قضائیه نیز وجود داشته باشد؛ امید است که آینده‌ی روشن موفقی رقم بخورد.

منابع:

۱. سایت رویداد، ۸ دی ۹۵
۲. باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۶ مهر ۹۵
۳. سایت زیریوار خبر، ۶ خرداد ۹۵
۴. سایت جماران، ۲۴ فروردین ۹۵
۵. همان، ۲۱ فروردین ۹۵
۶. سایت انتخاب، ۳۱ فروردین ۹۵
۷. سایت خلیج فارس به نقل از روزنامه آرمان، ۲۵/۶/۹۴
۸. جام جم آن لاین، ۱۷ آذر ۹۳

۹. همان
۱۰. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
- ۱۱ و ۱۲ همان
۱۳. سایت شهر، ۱۴/۱۰/۹۵
۱۴. سایت برترین‌ها، ۱۳ شهریور ۹۵
۱۵. سایت فیدوس ۱۵ دی ماه ۹۵
۱۶. سایت روزنامه قانون، ۱۵/۱۰/۹۵
۱۷. سایت شفاف، ۲۲ دی ماه ۹۲
۱۸. سایت فردا نیوز، ۶ اردیبهشت ۸۹
- ۱۹ و ۲۰. سایت روزنامه همشهری آنلاین، ۲۰ اردیبهشت ۹۵
۲۱. سایت خلیج فارس، ۲۲/۲/۹۵

دولت متأثر را؛ چاره چیست؟!

در تغییر و تحول دولت‌ها؛ روند طبیعی این‌گونه است که غالباً دولت جدید؛ در هر صورت، متأثر از دولت گذشته است. کاندیداهای ریاست جمهوری در هر عصر و زمانی؛ وضعیت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی حال را بررسی و نقد کرده و متقابلاً برای رفع مشکلات و معضلات؛ برنامه دارند، راه حل و راهکار ارائه می‌دهند. ملت نیز، وضعیت خودشان را می‌بینند، نیازها و کمبودها را تشخیص می‌دهند و مسلماً؛ کاندیدها را ورنه اندازه و بررسی می‌کنند، سخنان و نقدها را می‌شنوند و نهایتاً دست به «انتخاب اصلح» می‌زنند که بدین ترتیب، رییس جمهور منتخب؛ حاصل آرای اکثریت مردم است.

طبق قوانین و قواعد دموکراسی مرسوم؛ پس از اعلام نتایج آراء و انتخاب شخص رئیس جمهور؛ اقلیت باید به انتخاب و تصمیم اکثریت، گردن نهاده و هم‌رای اکثریت مردم، رییس جمهور و دولت منتخب را یاری و پشتیبانی کنند و در غیر این صورت؛ حداقل انتظار، این است که بیش از حد و اندازه، کارشکنی، جوسازی و ... نکنند و اگر دلسوز مردم و کشورند و دغدغه‌ی منافع ملی دارند؛ قدر مسلم که باید «منتقد دلسوز» باشند.

«منصف بودن»؛ اولین شرط ورود به داوری و وادی انتقاد است. چگونه می‌شود دولت سه سال و نیمه‌ی فعلی را با دولت هشت ساله گذشته مقایسه کرد؟! عینک «بدبینی» و «خوش بینی»؛ هر دوی‌شان، حقایق را برنمی‌تابند، پس لزوماً باید با عینک «واقع بینی» به بررسی و داوری وضعیت‌ها نشست. داور فوتبال، هم باید وقایع را، خوب ببیند و آنگاه با پشتیبانی «انصاف و وجدان خویش»، به داوری بنشیند. گاهی داور ممکن است در مکان و موقعیت مناسبی، قرار نگرفته باشد که صحنه‌ها را خوب رصد کند؛ لذا قضاوت درستی هم نخواهد کرد، هر چند که انصاف و وجدانش، مشکلی

ندارد و چه بسا، عکسش نیز صادق باشد یعنی؛ وقایع را درست می‌بیند ولی انصاف و وجدانش، او را یاری نمی‌کند، در نتیجه؛ انصاف و واقع بینی در راه رسیدن به حقایق عینی و داوری درست؛ لازم و ملزوم یکدیگرند.

دست پیش می‌گیرند که عقب نمانند حکایت این جماعت است. همه می‌دانند که کشور در چه اوضاع و احوالی، تحویل دولت روحانی شده است و ایشان وارث چه وضعیتی است! رییس جمهور در اولین حضور تلویزیونی خود تا دو کلمه از شرایط بد کشور گفت که وضعیت این گونه بوده است که به من رسیده است، برخی‌ها سریعاً برآشفتمند که چرا می‌گویید! چرا فرافکنی می‌کنید! رئیس جمهور طبق تعهدات و قول و قرارهایی که به مردم داده، در برابر مردم؛ باید «پاسخگو» باشد و چاره‌ایی جز این ندارد که ابتدا به مردم بگوید من، کشور را این گونه تحویل گرفتم که تا در پایان کارش نیز بگوید که این گونه، تحویل می‌دهم. ولی چگونه می‌شود که این حق مسلم منطقی با سروصدا و هیاهو از ایشان، سلب می‌شود؟!!

مسیح مهاجری از خسران و خسارات عصر احمدی نژاد به کشور و فلسفه‌ی تداوم دولت تدبیر و امید، این گونه سخن می‌گوید: «اخیراً به ایشان (روحانی) گفتم که شما کار درستی کردید که آمدید و الان واجب است که ادامه دهید و باید بمانید؛ اگر نمانید همه تلاش چهار سال شما از بین می‌رود.» (۱) وی افزود: «می‌دانید که آقای روحانی در دوران جنگ، یکی از مسئولان اصلی بود و از همه تار و پود و مسائل آن آگاهی دارد. ایشان یک سال پس از شروع ریاست جمهوری‌شان نقل کردند که هشت سال دوران احمدی‌نژاد؛ سه برابر هشت سال دوران جنگ به مملکت ضربه زده است. آقای روحانی دقیق است و آمار در اختیار اوست، این حرف او، شعاری نیست. حال، درست کردن چنین مملکتی با این خصوصیات، بسیار سخت است. آقای هاشمی رفسنجانی مملکت را پس از هشت سال جنگ، سر و سامان دادند و خود را فدا کردند و ناسزاهای بسیاری شنیدند. روحانی با توجه به این سابقه در جلسه‌ای به بنده گفتند که مشکلات امروز کشور

سه برابر زمان جنگ است. امروز نیز آقای روحانی آمده‌اند و مملکت را با مشکلاتی سه برابر زمان جنگ، سر و سامان بدهند، حال فداکاری ایشان با چه رفتارهایی روبه‌رو شده است؟! معتقدم که آقای روحانی، حتما باید کاندیدا شوند و همه ما نیز به ایشان رأی دهیم؛ چون مملکت به اعتدال و به انقلاب اخلاقی در عمل و به گسترش روابط با دنیا با توجه به سخنان رهبری مبنی بر حفظ اصول و مبانی انقلاب، بسیار نیاز دارد» (۲)

بدن بیمار رنجوری، تحویل دولت شده است که یقینا نیاز به ترمیم و جراحی دارد. مقایسه‌ی شرایط که سهل و آسان است. دولت احمدی نژاد؛ دلار را تقریباً کمتر از هزار تومان تحویل گرفت و سه هزار و دویست تومان تحویل داد! تورم ۹ درصدی را به ۴۵ درصد رساند! خودروی سواری پراید را هفت میلیون تومان تحویل گرفت و ۲۲ میلیون تحویل داد! خرید و اجاره مسکن در دولت ایشان به افزایش صددرصدی رسید و هکذا! اصلاً این وضعیت بود که دکتر روحانی مورد اقبال عمومی قرار گرفت و اگر شرایط غیر از این بود که امروز شخص دیگری رئیس دولت بود.

قابل انکار نیست که دولت احمدی نژاد؛ محصول قطب اصولگرایان بود و پس از گذشت هشت سال صدارت باید که جوابگو باشند و منصفانه مورد نقد قرار گیرند تا نقاط ضعف و قوت دولت قدیم، مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد و چرخه‌ی تکاملی پیشرفت و توسعه عمومی کشور، متوقف نشود. همچنان که دولت فعلی نیز پس از پایان مأموریت خویش؛ باید جوابگوی افکار عمومی باشد و مورد نقد و بررسی کامل قرار گیرد. چرا که با نقد درست گذشته؛ آینده، بهتر ترسیم می‌شود.

دولت احمدی نژاد در گزارش‌ها مدعی بود که دولت را «کوچک» کرده است. زنگنه وزیر نفت می‌گوید: وزارت نفت را با ۱۱۰ هزار نفر تحویل دادم و امروز با ۲۷۰ هزار نفر تحویل گرفتم! آن هم با چه تغییر کیفیتی؟! شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران در زمان تحویل به دولت احمدی نژاد ۱۴۰ نفر پرسنل داشته و الان نزدیک به ۵۲۰ نفر! در بحث نقدینگی، احمدی نژاد

دولت را با ۶۷ هزار میلیارد تومان تحویل گرفت و در پایان با ۵۵۰ هزار میلیارد تومان تحویل داد! یعنی؛ هشت برابر! که کاهش پول ملی و افزایش تورم از تبعات آشکار این نقدینگی است. افزایش نقدینگی و واردات بی رویه؛ با ضربه به تولیدات داخلی، اشتغال را کاهش داد.

دولت احمدی نژاد در طول هشت سال از نفت و فرآورده‌های آن؛ ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد داشته که ۱۴ میلیارد دلار را در مسکن، سرمایه گذاری کرده! در عرصه توسعه نیز بیش از صد میلیارد دلار شاید هزینه نشده! و بقیه درآمد نیز صرف هزینه‌های جاری شده! اگر اسناد و مدارک شفافى دارند می‌توانند هزینه کرد ۸۰۰ میلیارد دلار را به مردم گزارش دهند که کجاها هزینه شده است؟! به هر حال، ظهور بابک زنجانی‌ها و اختلاس سه هزار میلیاردی و ... در دولت قبل نیز، دلائل خاص خودش را دارد.

تیتیر یک، روزنامه اصول‌گرای ابرار اقتصادی در خصوص میراث ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت احمدی نژاد برای دولت یازدهم بود! علی طیب نیا بیان داشت: «دولت قبل با وجود درآمد ۸۰۰ میلیارد دلاری و فروش بنگاه‌های دولتی به مبلغ ۱۵۰ هزار میلیارد تومان، چیزی برای دولت یازدهم در صندوق ذخیره باقی نگذاشت! و بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان [نیز] برای دولت جدید، بدهی بوجود آورد.»!! (۳)

اگر دولت قبل، قانون هدمندی یارانه‌ها را درست اجرا می‌کرد قطعاً امروز، وضعیت اقتصادی بهتری داشتیم. اگر یارانه به همه‌ی مردم اعم از متمکن و غیرمتمکن تعلق گیرد، دیگر، یارانه نخواهد بود و این «نقض غرض» آشکار بود که متأسفانه با اغراض سیاسی فارغ از منافع ملی، انجام گرفت و امروز نیز تأمین هزینه آن، گریبانگیر دولت فعلی شده است. و دیگر سهم تولید از درآمد حاصل از آزاد شدن حامل‌های انرژی بود که هیچ‌گاه، تعلق نگرفت و همه و همه؛ وضعیتی را برای کشور ایجاد کرد که به درست و صادقانه، رئیس جمهور به مجمل بگوید که فعلاً مشغول «آوار برداری ام»! و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

دولت قبل، نخواست و یا نتوانست، بیماری‌های اقتصادی را معالجه و درمان کند بلکه با تجویز و تزریق مسکن‌ها در صدد برآمد که چند صباحی، صرفاً به طور موقت، زخم‌ها و دردها را پنهان کند که ایام سپری شود و امروز دولت، چاره‌ای جز؛ جراحی اقتصادی ندارد، هر چند که درد و سوزهایی خواهد داشت ولی اگر، مراقبت و نظارت درستی باشد فرجام بهتراقتصادی و معیشتی دور از دسترس نیست. خلاصه‌ی کلام، علیرغم این که، دولت با مشکلات عدیده‌ای روبروست ولی دارد در چارچوب قانون و برنامه، «واقع‌گرایانه»، صادقانه و شفاف، با کار کارشناسی و به طور علمی و با تدبیر و عقلانیت؛ امور را اداره و مدیریت می‌کند. پس بدون تردید، وضعیت امروز کشور هنوز نیز تا حدود زیادی؛ ریشه در گذشته دارد و متأثر از گذشته است.

منابع:

۱. سایت اصلاح نیوز، ۸ شهریور ۹۵ به نقل از مصاحبه عصر ایران

۲. همان

۳. روزنامه ابرار اقتصادی، ۷ دی ۹۵

وقتی که نقد هست؛ نسیه چرا؟!

دولت و رییس جمهوری ای که مشغول کار است؛ هندوانه‌ای سربسته نیست. اصلتش روشن و ماهیتش مشخص است، اندیشه و افکارش نیز به راحتی قابل نقد و ارزیابی است. از طرفی، به نظر می‌رسد در کشورهایی چون ایران که سوابق زیادی در اجرای دموکراسی ندارند و سیستم تغییر و تحولات دولت، هنوز به خوبی جا نیفتاده و تثبیت نشده؛ یک دوره ۴ ساله؛ که در سال اول و آخرش نیز عملا خیلی کارایی ندارند، فی الواقع کفایت موضوع را نمی‌کند. لذا برای همین است که معمولا عملکرد دولت‌ها را در دو دوره متوالی ۴ ساله؛ یعنی در مدت ۸ سال برآورد و ارزیابی می‌کنند که منطقا نیز باید همین گونه باشد.

در مقایسه‌ی بین دولت دهم و یازدهم؛ حتی با نظر به چشم‌پوشی از وضعیتی که دولت، تحویل روحانی شد! هم‌اکنون دولت وی در همه‌ی ابعاد و زمینه‌ها، تقریبا به مراحل قابل قبول و باثباتی رسیده که نوید آینده‌ی بهتری را می‌دهد. دولت در طی این مدت، موانع اصلی و عمده را برطرف کرده، نقاط کور و آسیب‌ها را شناسایی کرده، برنامه‌ها، تدوین و اجرایی شده و در سیر صعودی قرار گرفته که نتایج و ثمراتش را طبق معمول در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری خواهد داد. با این فرایند، دوره‌ی اول دولت‌ها، غالبا مرحله‌ی ریل‌گذاری و دوره‌ی دوم، مرحله‌ی اجرایی و عمل خواهد بود. بنابراین، عقلانیت و منافع ملی ایجاب می‌کند که مرحله‌ی غایی را از دولت روحانی دریغ نکنیم تا دودش به چشم ملت نرود و نظام متضرر نشود.

«در لغت‌نامه دهخدا آمده، نقد یعنی آنچه که در حال، داده شود؛ به عبارت دیگر یعنی پیشادست. اما نسیه چیزی است که در آینده داده می‌شود و پسادست خوانده می‌شود»* روحانی با همه‌ی اوصاف و ویژگی‌هایی که دارد؛ خصوصیات ممتاز فردی، مجتهد، قانونگرا، ضابطه‌مند، حقوقدان،

پژوهشگر، متفکر اجتماعی، سیاستمدار، دانشگاهی و حوزوی، دارای گفتمان مطلوب پرجاذبه، تعاملگر سازنده با داخل و خارج، عقلانیت محوری و نخبه گرایی، وحدت آفرینی، تجاربی که کسب کرده، پیشرفت‌هایی که داشته، هم‌افزایی و هم‌گرایی که به هم زده، ظرفیت و موقعیت‌هایی را که ایجاد کرده؛ در کل، حکم همان پیشادست و یا نقد را دارد که هیچ عقل سلیمی در این شرایط، توصیه به از دست دادنش نمی‌کند.

در مقابل نقد؛ نسیه و یا پس‌ادست را داریم که همان کاندیداهای جدید مقابل روحانی‌اند. اینها هنوز؛ هندوانه‌های سر بسته‌اند، معلوم نیست چه از کار در بیایند، چه ظرفیت و توانی دارند، چقدر موفق خواهند بود، هنوز حداقل تجربه‌ی چهار سال کاری روحانی را ندارند که به نوعی، عقب-ماندگی به حساب می‌آید. در این شرایط کشور، سران احزاب، جناح‌ها، گروه‌ها و دستجات سیاسی که در صدد گزینش و انتخاب دیگری غیر از روحانی هستند یقیناً با دغدغه و امتحان بس سخت و دشواری مواجه‌اند که انصافاً و وجداناً چرا در فکر گزینه‌ی دیگری اند؟! آیا به فکر منافع جناحی و سیاسی‌اند؟ و یا منافع ملی؟ و کدام ارجحیت دارد؟ نگارنده شک ندارد که بر اساس عقل، خرد، منطق و انصاف، لزوماً باید بین نقد و نسیه؛ نقد را برگزید و امروز روحانی بدون هیچ‌گونه تردیدی، سکه‌ی نقد بازار انتخابات است.

*باشگاه خبرنگاران جوان، حکایت ضرب المثل «سرکه نقد به از حلوای نسیه»

آخرین توصیه‌های هاشمی به ادامه دولت روحانی

درگذشت زود هنگام و ناگهانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مظلوم، همه را غافلگیر کرد. او که در واقع پدر معنوی و سیاسی دولت تدبیر و امید خوانده می‌شد، ملت ایران، به ویژه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون را بیشتر شوکه کرد. بدین لحاظ برخی معتقدند که دولت روحانی، پشتش خالی شده و با این مصیبت بزرگ وارده، اصطلاحاً «یتیم» شده است. یقیناً انقلاب، نظام، کشور و ملت؛ ذخیره‌ی بزرگ و گرانسنگی را از دست داد، که مسلماً جایش را هیچ‌کس پر نخواهد کرد. جمله‌ای بس دردناک و حزن‌انگیز در پیام تسلیت رهبری بود: «با فقدان هاشمی اینجانب هیچ شخصیت دیگری را نمی‌شناسم که تجربه‌ای مشترک و چنین دراز مدت را با او در نشیب و فرازهای این دوران تاریخ ساز به یاد داشته باشم.» ولی نگارنده معتقد است که مرگ آیت‌الله هاشمی بنا به دلایلی که ارائه خواهد شد؛ ادامه‌ی دولت روحانی را تقویت کرده و تداوم خواهد داد.

همه می‌دانیم که دولت تدبیر و امید به محوریت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شکل گرفته است. به عبارتی دولت روحانی؛ مورد خواست و تایید هاشمی بود، حال که خودش نیست، مردم با حضور و همکاری‌شان در صدد برخوانند آمد که حتی المقدور، خلاء وجودی آیت‌الله را هر چه بیشتر، پرکنند. وی معتقد بود که دولت در گذشته، انحراف داشته و از خط خارج شده بود که در دولت یازدهم به ریل اصلی بازگشته است. لذا خوشحال بود و رضایت داشت و به آینده امیدوار شده بود. هاشمی توانست در دهه پایانی عمر خود، تغییرات زیادی در قوه مجریه و مقننه ایجاد کند. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت، پایان عصر احمدی نژاد و احمدی نژادی‌ها در ایران باعث شد تا او در مراسم رونمایی از کتاب «زندگی و زمانه» بگوید: «دیگر می‌توانم راحت بمیرم.» (۱)

هاشمی برای آینده‌ی ملت و نظام، آرزوهای فراوان و دغدغه‌های بسیار داشت. وی در آخرین ساعات عمرش با وزیر بهداشت، تأکیدات قابل تأملی داشت. به روایت هاشمی وزیر بهداشت در آخرین دیدار، آیت‌الله هاشمی گفتند، نگذاریم شرایط به عقب برگردد. ایشان در آخرین روز زندگی، همچنان نگران رفاه مردم و رسیدگی به فقرا و محرومان بودند. آیت‌الله نسبت به برخی مسائل جاری و آینده‌ی کشور به خصوص مسائل مربوط به رفاه اجتماعی و توجه به فقرا و محرومان، صحبت کردند و تأکید کردند که در دور آینده دولت با توجه به این که روابط بین الملل ایران با کشورهای دنیا، بهتر خواهد شد و شرایط اقتصادی دولت هم مناسب‌تر می‌شود باید آرزوهای بر زمین مانده در باره محرومان و نیازمندان را حتماً محقق کنیم.

وزیر بهداشت ادامه داد یک بخش مهم‌تر از فرمایش آیت‌الله هاشمی این بود که نباید اجازه دهیم شرایط به گذشته برگردد که اگر برگشت، هم ایران و هم انقلاب، فرصتی برای بازسازی نخواهند داشت و باید حتماً تلاش کرد که همین مسیر که آغاز شده با رفع معایبی که داریم ادامه پیدا کند. (۲)

آیت‌الله فقیه تأکید دارد که «نگذاریم شرایط به عقب برگردد.» و اگر این گونه شد همه متضرر خواهند شد. او باور دارد که وضع اقتصادی در دولت آینده، بهتر خواهد شد و لذا سفارش می‌کند رفاه مردم را تأمین کنید و به ویژه رسیدگی به فقرا و محرومان جامعه را در اولویت قرار دهید. هاشمی در روزهای پایانی عمر خود، بیش از پیش، دغدغه‌های محرومین جامعه را دارد. وزیر تعاون در آخرین دیدار خود با آیت‌الله گفت: «وی در این دیدار در باره بیمه بیکاری و بیمه فراگیر اجتماعی برای قشر فرودست جامعه صحبت کردند و تأکید کردند که این موضوع باید در کشور ما اجرایی شود تا حداقل‌هایی برای این اقشار فراهم شود.» (۳)

هاشمی طبق معمول همیشگی خود به تقویت و استمرار دولت روحانی، توصیه و تأکید می‌کند. مسلماً دولت روحانی به وصایا و توصیه‌های پدر معنوی عزیزشان، عمل خواهند کرد و تلاش وافر خواهند نمود که خواسته‌ها

و آرزوهای برجای مانده‌ی او را در قبال ملت و نظام برآورده کنند که همه‌ی این‌ها؛ آینده‌ی خوب و مطلوبی را نوید می‌دهد.

هاشمی ویژگی‌های زیادی داشت که «واقع بینی» و «هوش سرشار» او به عنوان دو خصیصه‌ی زیربنایی و محوری بیشتر مطمح نظر است. وی بر اساس این دو ویژگی ذاتی، نظرات و دیدگاه‌های راهبردی و کاربردی زیادی در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران دارد که یقیناً تا سالیان متمادی، راهگشای مشکلات پیش رو خواهد بود.

به نظر نگارنده، فضای سیاسی، روحی و روانی پس از ارتحال آیت‌الله در جامعه، یقیناً به تقویت دولت روحانی، کمک شایانی خواهد کرد. خبر ناگهانی درگذشت وی در ایران و جهان، انعکاس اظهارات همسنگران، دوستان و آشنایان آیت‌الله و حتی برخی از مخالفین در وصف ایشان که در رسانه‌ها و صداوسیما که حالا پس از ۱۲ سال تحریم وی! حاضر شده بود اندکی بخودش بیاید، تشیع جنازه‌ی باشکوه چند میلیونی در تهران و آشکار شدن و یادآوری تنها شمه‌ای از سوابق درخشان او- که از آغاز انقلاب تاکنون همیشه عملاً نفر دوم نظام بوده است! نظرات خیرخواهانه، مصلحانه و دیدگاه‌های واقع بینانه او در همه‌ی امور کشور، طوفانی علیه‌ی دشمنان و مخالفین جاهل و غافل وی براه انداخت که همه‌ی رشته‌های بناحق بافته شده‌ی آنان را پنبه کرد که در آینده نیز، ثمراتش را بیشتر خواهیم دید.

تحقیقا مظلومیت هاشمی بمراتب از شهید بهشتی، بیشتر بود. بهشتی تقریباً یک سال آماج تهمت و تخریب‌ها قرار گرفت، حال آن که این روند مخرب برای هاشمی، قریب به ۲۰ سال ادامه داشت!! جو و جنگ روانی سنگین تخریب‌ها، تهمت‌ها و دروغ‌ها که ناجوانمردانه از سوی حسودان، جاهلین و غافلین علیه وی براه انداخته بودند، واقعا قابل توصیف نیست! تا جایی که خودش اظهار می‌دارد: «روزی در جمع یاران به بهشتی گفتم: این تهمت‌های تلخ آزارت نمی‌دهد؟! نگاهم کرد و گفت: این آسیاب به نوبت است، نوبت تو هم خواهد رسید! چقدر این روزها بی شما سخت می‌گذرد

دوستان! من تا نیمه راه آمده‌ام. مشیت این بود که بمانم تا نوبت به من برسد، تا در سنگ زیر و بالایی آسیاب، صدای شکستن‌های خود را بشنوم و بچشم. دلم که می‌گیرد گاهی یاد امام آرامم می‌کند.» (۴)

«هاشمی مظلوم»، کلید واژه‌ی رمز موفقیت نظام و ملت خواهد بود. امروز در خلاء وجودی او، ابعاد شخصیتی‌اش بیشتر شناخته خواهد شد. برخی از مخالفین جاهل و نادان او بخود خواهند آمد که شاید به زعم خود بخواهند تا حدودی جبران مافات کنند و به قول آیت‌الله دري نجف آبادی: «آنهایی که هاشمی را تخریب کردند، بروند توبه و گریه کنند.» آثار مکتوب و غیر مکتوب او معرفی خواهند شد. تفسیر علمی و عقلانی قرآن او، جان‌ها را صفا خواهد داد. نسل‌های سوم و چهارم انقلاب، بیشتر او را خواهند شناخت و پی به ریشه‌های مظلومیت وی خواهند برد. به عبارتی، حیات دیگری برای او رقم خواهد خورد. به قول سیدحسن خمینی: «هاشمی با ما خواهد ماند و در جان و روان ایران جریان خواهد داشت.» حقا که این‌گونه است.

خلاصه‌ی کلام؛ این که امروز روحانی نماینده و ادامه دهنده‌ی راه هاشمی در دولت تدبیر و امید است. روحانی نشان داده که با همان سیره و ایده‌های هاشمی حرکت می‌کند و در نتیجه؛ دشمنان و مخالفین مشترکی نیز دارند. مظلومیت هاشمی به کمک روحانی خواهد آمد. همان مظلومیتی که فرومایگان هتاک را به خاک سیاه نشانند تا جایی که جرئت اظهار وجود نداشتند. آرزوی هاشمی در واپسین ساعات عمر خویش نیز؛ تقویت و ادامه‌ی دولت روحانی بود. این که گفته بود، الان می‌توانم راحت بمیرم؛ چون دولت به ریل اصلی‌اش برگشته است. بنابراین، در انتخابات پیش رو باید علاقمندان، مریدان، دوستان و هواداران آیت‌الله، خلاء وجودی ایشان را به نحوی پر کنند که ضمن جلب رضایت خاطر وی، روحانی نیز، احساس تنهایی و یتیمی نکند. هر چند که فقدان وی؛ ثلمه‌ای جبران ناپذیر برای انقلاب، نظام، رهبری و ملت خواهد بود.

منابع:

۱. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ دی ماه ۹۵ ص ۲
۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ دی ماه ۹۵ ص ۸
۳. روزنامه جهان اقتصاد، ۲۲ دی ماه ۹۵ ص ۳
۴. پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۸ اسفند ۹۳، کد خبر ۱۹۰۹۲۲

چکیده

همچنان که از نظرتان گذشت، در فلسفه‌ی دفاع از دولت تدبیر و امید؛ طبعا از رییس جمهور، مجموعه‌ی دولت، عملکردها، و به عبارتی؛ از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مثبت، اندیشه و افکارشان دفاع شده است. چون هدف؛ حمایت و پشتیبانی‌ست لزوما از نیمه‌ی پر لیوان که کم هم نیست، باید دفاع کنیم. در طرح موضوع و ضرورت بحث، دو هدف عمده مطرح شد که عبارت بودند از خنثی‌سازی تخریب‌ها و شانتاژهای تبلیغی مغرضان و مخالفان سیاسی - خصوصا مقابله با پروژه‌ی ناامیدسازی مردم که برخی از مخالفان روحانی از ابتدای دولت وی کلید زده‌اند و دیگری، اثبات صلاحیت و واجد شرایط بودن و نیز معرفی بیشتر و بهتر کاندیدای مورد وثوق خودمان و غایتا هدف؛ روشنگری و شناساندن هر چه بهتر روحانی به ملت شریف و آزاده‌ی ایران است که در پرتو آن، به انتخاب آگاهانه و آزادانه‌ی خوبی دست پیدا کنند.

با نگرشی بر دولت دهم و وضعیت نابهنجار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن مقطع که یأس و ناامیدی همه جا سایه افکنده بود و انگشت حیرت بر لب که چه خواهد شد؟ دولت یازدهم، امید را به جامعه بازگرداند و امروز در سیر صعودی پیشرفت و توسعه قرار داریم. با مروری بر روند انتخابات دوره‌ی یازدهم ریاست جمهوری، معلوم می‌شود که روحانی چه دولتی را تحویل گرفت و الان به کجا رسانده است. به طور حتم این موارد را که تاکنون، خیلی به آن‌ها پرداخته نشده، روحانی در سخنرانی‌ها و مناظره‌های انتخاباتی، مطرح و عنوان خواهد کرد.

اصالت و ریشه‌ی رییس جمهور، مهم است که به کجا برمی‌گردد. روحانی از خانواده‌ی مذهبی و انقلابی برخاسته است. پدرش به دلیل مبارزات سیاسی - انقلابی با رژیم شاهی، بیش از ۲۰ بار دستگیر شده

است! روحانی در سن ۱۷ سالگی و در سال ۱۳۴۴ مبارزات سیاسی را آغاز کرده و بارها دستگیر و ممنوع‌المنبر شده است. نهایتاً برای فرار از دست ساواک، به توصیه‌ی شهیدان بهشتی و مطهری، از کشور خارج شده و پس از ادامه‌ی سخنرانی‌های سیاسی، به امام خمینی (ره) در پاریس پیوسته است. روحانی از دو خاستگاه حوزوی و دانشگاهی برخوردار است، اهل جبهه و جنگ و نماینده‌ی مجلس بوده، حقوق‌دان و مجتهد است، کار دیپلماسی و امنیتی کرده، استاد و محقق تحقیقات استراتژیک بوده است.

روحانی در برنامه‌ی انتخاباتی خود تأکید کرده بود که من «دولت راست- گویان و درست کاران» را تشکیل خواهم داد و بر این اساس، کابینه‌ی دولت یازدهم؛ افرادی کارکشته، مورد وثوق و با تجربه‌اند. امروزه عده‌ای متخصص، راستگو، متدین و عاقل برای کشور تصمیم می‌گیرند. روحانی بارها اذعان کرده که خود و دولتش، فراجناحی‌اند. دولت فراجناحی، مشارکت جمعی را ایجاد خواهد کرد که از ظرفیت کار و هنرمندی روحانی حکایت دارد. از برکات کابینه و دولت فراجناحی این است که کشور؛ رو به رشد و توسعه اصولی و منطقی نهاده است.

برخی از واژگان مثبت و ارزشمندی که می‌شود دولت تدبیر و امید را به آن‌ها متصف کرد عبارتند از: قانون‌مند و قانون‌گرا، دولت درایت و صداقت، دولت عقلانیت و منطق، امیدآفرین، اعتدال‌گرا، راستگو، توسعه‌گرا، تخصص‌گرا، دولت متعادل، شایسته‌سالار، تنش‌زدا، نخبه‌گرا، دولت آشتی ملی، دولت مذاکره و گفت و گو، دولت آرامش و ثبات خاطر، علم‌گرا، برنامه محور، تعهدگرا، اخلاق‌مدار، خردگرا، عدالت‌محور و ...

در خصوص فیش‌های حقوقی یا اصطلاحاً حقوق‌های نجومی برخی از مدیران، اولاً تنها شامل مدیران دولتی نبوده و ثانیاً خلاء قوانین نیز دخیل بوده و ثالثاً دولت هیچ‌گونه مماشاتی نکرده و رابعاً سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با طراحی ساز و کاری سیستماتیک، جلوی سوء استفاده‌های گذشته و احتمالی آینده را سد کرده است. اما با این وجود، مخالفین دولت

در صددند که فیش‌های حقوقی مسئله‌دار را همچنان نقطه‌ی ضعف و پاشنه آشیل دولت جلوه دهند که در این خصوص ضروری است دولت، اقدام عاجل و روشنگری بیشتری را داشته باشد.

مخالفین دولت، سعی و تلاش دارند که یأس و ناامیدی را در بین مردم نسبت به دولت افزایش دهند. غافل از این که این عمل نابخردانه دقیقاً با منافع ملی کشور در تضاد و تناقض است. برخی‌ها نسبت به دولت تدبیر و امید، از پیش ذهنیت منفی، داشته و دارند و عین‌الوقت منتظر فرصت و موقعیت مناسبی‌اند که تهاجم خودشان را شروع کنند، به طور مثال تاکنون از برج‌ها، فیش‌های حقوقی، کنسرت‌ها، لغو سخنرانی‌ها و... به عنوان حربه و ابزاری برای مخالفت با دولت استفاده کرده‌اند. از کنسرت‌ها به عنوان جبهه‌ای علیه دولت استفاده کردند که جوانان را نسبت به دولت بدبین و دلسرد کنند. لغو کنسرت‌ها، در واقع نغمه‌ی ناسازی بود که یقیناً علیه‌ی خودشان به کار خواهد آمد و متأسفانه موجب بدبینی جوانان نسبت به اسلام، انقلاب و نظام خواهد شد. علی جنتی وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: «در قم یک گروه گر برنامه برگزار کرد، محتوایش خوب بود، حجاب خانم‌هایی که برگزارکننده بودند مناسب بود اما چهار تا خانم که روسری‌شان عقب بود عکس‌شان را گرفته و بعد عناصر سیاسی، عکس را در جامعه مدرسین و خدمت مراجع می‌برند که فضایی درست کردند تا مدیر کل استان نتوانست حتی بماند، مجبور می‌شود استعفا بدهد و برود! می‌گویند حواشی است باید تماشاچی‌ها را کنترل کنید اگر قرار بر این است می‌خواهید فیلم بیاورم تا ببینید در مراسم سینه‌زنی و عزاداری خانم‌هایی که ایستاده‌اند چه وضعیتی دارند. باید آن‌ها را هم تعطیل کنیم.» (۱)

از دیگر جنبه‌های مثبت روحانی؛ اهتمام به قانون و مقررات است. روحانی فارغ از تعلقات جناحی و گروهی، زدودن مشکلات ملت را در سرلوحه‌ی کارش قرار داده است. گفتمان مطلوب روحانی مبتنی بر عقلانیت و اعتدال، کلید واژه‌ی موفقیت او به حساب می‌آید. به گفته‌ی رییس مجلس:

«روحانی نگاه عالمانه به مسائل دارد.» عوام فریب، احساسی و سطحی‌نگر نیست. روحانی تندروی‌ها و افراط‌کاری‌ها را برنمی‌تابد و این‌گونه اعمال و افراد را موانع پیشرفت و توسعه می‌داند. بنابراین، سخنان و نظرات روحانی، از هر نظر قابل ترویج و دفاع است.

روحانی در باره‌ی حوادث انتخابات سال ۸۸، کاندیداها، مجریان و خصوصا سازمان صداوسیما را مقصرین فتنه می‌داند. به زعم او اخلاق انتخاباتی، لگدمال شد و هدف، وسیله را به نوعی توجیه کرد و روحانی ریشه‌ی فتنه را قبل از ۸۸ می‌داند. ۹ دی از نظر روحانی؛ روز حمایت از اسلام، انقلاب، نظام و رهبری است و نه تسویه حساب‌های جناحی و سیاسی! روحانی معتقد است: «اگر بسیج به معنای فکر بسیجی و فدا کردن منافع شخصی و گروهی برای منافع دینی، ملی و اسلامی است، ما ۷۵ میلیون بسیجی در این کشور داریم.» و در خصوص نقش نیروهای بسیجی در دوران دفاع مقدس، معتقد است: «بدون تردید اگر در جنگ ۸ ساله، بسیج نبود، پیروزی‌های بزرگ نیز امکانپذیر نمی‌شد.» روحانی باور دارد که از ظرفیت و توانمندی‌های سپاه می‌شود در اقتصاد ملی کشور کمک گرفت و بدین‌گونه تصریح دارد که: «سپاه دارای توان نیروی انسانی، تجهیزات و برنامه‌ریزی است و باید امروز در شرایطی که دشمن اقتصاد را هدف قرار گرفته، وارد عمل شده و با شناختی که از شرایط کشور و ملت دارد آستین را بالا زده و بخشی از بار مردم، نظام و دولت و چند پروژه ملی و بزرگ را بر عهده گیرد.» و نیز تأکید دارد که: «سپاه باید از جریانات سیاسی به دور باشد؛ چرا که جایگاه او، جایگاهی برتر از این جریانات و بازی‌های جناحی است. نباید به جناح یا حزبی وابسته باشد.»

در خصوص هماهنگی بین قوا، روحانی حقا پیشقراول و پیشقدم در اتحاد و وحدت بین قواست که جای بسی تقدیر و تحسین دارد. اصولا اتحاد و همبستگی بین قوا؛ لازمه‌ی رشد و تعالی کشور است. روحانی، رهبری نظام را محور وحدت و کانون سعادت کشور و ملت می‌داند و اظهار

می‌دارد: «متأسفانه عده‌ای دنبال تفرقه و اختلاف افکنی هستند. با صراحت اعلام می‌کنم که رهبری، رهبر همه ماست. طبق معیارهای شرعی، قانونی و ملی، دولت به طور کامل از رهنمودهای رهبری تبعیت می‌کند و هر زمانی که دستور بدهند، عیناً درصدد تحقق آن خواهیم بود.» از دیگر ابزارهای موفقیت آمیز روحانی در تعامل با جهان و منطقه، منطق برد- برد اوست، که رمز موفقیت در مذاکرات هسته‌ای بوده و نیز کارآئی‌اش را کاملاً نشان داد.

روحانی انتقاد منصفانه و دلسوزانه از دولت را موجب رشد و موفقیت دولت می‌داند. منتها تأکید می‌کند که: «همه یادمان باشد که در صحبت، نقد و انتقاد حتماً منافع ملی را در نظر قرار دهیم. حتماً نقد ما، سازنده باشد و اخلاقی باشد، همه ما، حالا ممکن است دولت هم به کسی نقد داشته باشد و آن هم به همین صورت است، هیچ اشکالی ندارد اگر کسی نظری و نقدی دارد، بیان کند.»

در اجرا و برگزاری انتخابات، روحانی معتقد است که باید از هرگونه تشکیک و تردید جلوگیری کرد به طوری که اعتماد عمومی مردم کاملاً جلب شود. او مجلس را خانه‌ی مردم می‌داند که باید آینه‌ی ملت باشد نه مال یک جناح سیاسی خاص. از نظر روحانی، انتخابات باید موجب فخر و مباهات ما در دنیا باشد و لذا در خصوص انتخابات مجلس و خبرنگاران رهبری تصریح می‌نماید: «باید با همدلی و همزبانی، شاهد برگزاری انتخابات بسیار خوبی برای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرنگاران رهبری باشیم، انتخاباتی با حضور و مشارکت گسترده مردم و همه جناح‌های سیاسی که قانون اساسی را قبول دارند؛ انتخاباتی که موجب مباهات و فخر ما در سراسر دنیا شود.»

از نظر جهت‌گیری سیاسی، روحانی «اعتدال» را بنای اندیشه اسلامی و اساس پیشرفت کشور می‌داند و تأکید می‌کند: «دستاورد‌های جهانی ایران اسلامی، نتیجه تفکر اعتدالی و تعامل مقتدرانه است.» او از تفکر افراطی، تبری جسته و اذعان می‌کند: «در یک فکر افراطی، هیچ‌گاه نباید با آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل متحد همکاری کرد و حتی فکر افراطی

به ما می‌گوید به هیچ کس و حتی همسایگان و دوستان خود هم اعتماد نکنید، اما اندیشه اعتدالی به ما می‌گوید رویکرد ما باید رویکرد معتدلی باشد به گونه‌ای که هم با دنیا حرف بزنیم و هم باید برای خودتکایی و خودکفایی تلاش کنیم.»

روحانی از روحانیون روشنفکر خردورز اعتدال‌گراست و لذا می‌تواند از امام خمینی (ره)، شهید بهشتی، شهید مطهری، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خاتمی و... متأثر باشد. روحانی اذعان می‌دارد که: «رهبری مقتدر و فرهیخته ما که همه جا راهنمای ما بود در خرداد ۹۲ ما را راهنمایی کرد؛ ایشان مسیر را برای آراء مردم هموار کرد. در مذاکرات هسته‌ای هم ایشان هدایت، حمایت و تدبیر کرد و اگر دولت ما، دولت تدبیر و امید بود، هم تدبیر را از ایشان آموختیم و هم امید را از ایشان گرفتیم.»

رابطه‌ی بین روحانی و هاشمی رفسنجانی؛ رابطه‌ی پدر- پسر است و روحانی را باید فرزندسیاسی و معنوی آیت‌الله به حساب آورد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد که: «دولت آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای نشان دادند که ظرفیت بالایی در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دارند و همین امر برای ایران افتخار است.» آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تأکید کرد: «امید داریم در دوره بعد که آقای روحانی مسوولیت قوه مجریه کشور را به عهده می‌گیرد، ایران به جایگاهی که استحقاق آن را دارد، برسد.»

مسیح مهاجری در سرمقاله روزنامه جمهوری، تحت عنوان (دولت، به نقدها پاسخ بدهد) تأکید دارد که: «رئیس‌جمهور لازم است برای مردم تشریح کند که رئیس‌جمهور قبلی در دوره تبلیغات انتخاباتی، با وعده آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم به قدرت رسید ولی مردم هرگز شاهد تحقق چنان وعده‌ای نبودند. چون اقتصاد کشور متکی به واردات بود و دولت گذشته زمانی که قدرت را در دست گرفت، دلار در حد ۷۰۰ تومان و سکه طلا در حد ۹۰ هزار تومان بود ولی دولت را در شرایطی تحویل داد که دلار

با نوسانات دلهره آور، ارقام بالای ۴ هزار تومان را هم تجربه کرد و سکه طلا به ۱/۳۵۰ میلیون تومان هم رسید. با یک محاسبه ساده می‌توان دریافت که در دولت‌های نهم و دهم، ارزش پول ملی به سطحی کمتر از ۱۰ درصد رقم در موقع تحویل قدرت، رسیده و در واقع «رمق اقتصاد ملی» به شدت تحلیل رفت.» (۲)

دولت دهم با آن درآمد طلایی نفتی، کار شاق و بزرگی برای کشور انجام نداد و امروزه، حداقل نیمی از مشکلات اقتصادی کشور، متأثر از گذشته است.

وزیرتعاون، کار و رفاه اجتماعی به بیانیه اخیر محمود احمدی نژاد (۹۵/۱۲/۱۵) واکنش نشان داد و خطاب به وی گفت: «نگاه شما فجری است و نگاه روحانی، عقلانی.» ربیعی با اشاره به بیانیه رئیس دولت گذشته ادامه داد: «امروز اطلاعیه‌ای خواندم که رئیس‌جمهور سابق داده بودند. وقتی می‌گویم مقدار زیادی پول رفت و شغلی ایجاد نشد با توجه به تحقیقات بوده است. اگر کشور هنوز دست شما بود، اکنون وضعیت ما بسیار ناگوار بود.» وزیر کار اضافه کرد: «دوران شما قدرت خرید مردم نابود شد. آرام آرام یکسری چیزهایی را تکرار می‌کنید تا به واقعیت برسید. اگر ما با همان شیب ادامه می‌دادیم وضعیت بحرانی‌تر می‌شد. چه کسانی بدون عقبه مالی حقوق‌های بازنشستگان را افزایش دادند؟! ربیعی تاکید کرد: «تا امروز نیازی به صحبت‌های سیاسی ندیدم ولی اکنون می‌بینیم رفته رفته با توجه به نزدیک شدن به انتخابات، حرف‌هایی می‌زنند و تکرار می‌کنند.» وزیر کار در پایان خاطرنشان کرد: «من تاکنون حرفی نزدم و موضع سیاسی نگرفتم ولی احساس می‌کنم که نمی‌دانند ما در چه وضعیتی دولت را تحویل گرفتیم. شما حرف نزدید ولی سایت‌های شما که حرف زدند.» (۳)

روحانی بنا را بر این گذاشته که فارغ از همه‌ی احزاب و جناح‌های سیاسی، به فکر تأمین و تعمیق وحدت و انسجام ملی باشد. جذب حداکثری و دفع حداقلی که عملاً استراتژی اوست.»

روحانی معتقد است که پیروزی در سایه حمایت مردم، رهبری معظم انقلاب اسلامی و تدبیر دولت، امکان‌پذیر است. وی در خصوص دستاوردهای برجام خاطر نشان کرد: «مردم ما می‌دانند هر کشوری که قطعنامه‌ای ذیل فصل ۷ علیه او تصویب شد، سال‌ها طول کشیده که از آن خارج شود و معمولا به جنگ و سرنگونی آن نظام نیز منجر شده است؛ شما در عراق دیدید، عراق را بردند تحت فصل هفت و رژیم صدام سرنگون شد و ده سال بعد هم تحت فصل هفت ماند و خارج نشد.» رییس جمهور با بیان این که ژاپن سالیان دراز تحت فصل هفت بود؛ اما ما بدون جنگ و خواهش، بدون تسلیم در برابر سازمان ملل متحد، کاری کردیم که با منطق با مذاکره با دیپلماسی در مسیر حقوقی، کاری کردیم که همین سازمان ملل خودش آمده عنوان را عوض کرده و خودش آمده قطعنامه‌های قبلی - ۶ قطعنامه قبلی را لغو کرده است، گفت: «این بزرگترین دستاورد حقوقی و سیاسی ماست و من برایش، نظیر نمی‌شناسم.» (۴)

دکتر حسن روحانی از ذخائر و نخبگان سیاسی ممتازی است که ویژگی‌های اندیشمندی، تخصص، اصالت، تقوی، ایمان، تعهد، دلسوزی، تدبیر، اعتدال، کارآمدی، گفتمان مطلوب، سعه صدر و فراجناحی بودن را به خوبی داراست. این شخصیت جامع‌الاطراف، هم اکنون با تجارب مملکت‌داری، سوار بر کار است و می‌تواند عامل وحدت و محور تجمیع احزاب و جناح‌ها باشد. اگر دغدغه‌ی مصالح و منافع ملی کشور را داریم تحقیقا وی گزینه‌ی اصلح، افضل، ارجح و مطلوب انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ خواهد بود؛ مگر این که صرفا به دنبال منافع شخصی، حزبی، جناحی و اغراض سیاسی باشیم که مسلما در این صورت، مقصد و گزینه تغییر خواهد کرد و یقینا ملت و کشور نیز متضرر خواهند شد. بنابراین، در این شرایط سیاسی کشور، روحانی، «خیرالموجودین» و سکه‌ی نقد بازار انتخابات است و وقتی که «نقد» هست؛ نسبه چرا؟!!

منابع:

۱. سایت الف، ۳ آبان ۹۵
۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ اسفند ۹۵
۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶ اسفند ۹۵
۴. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری.

نتیجه گیری

نگارنده با رویکرد آسیب شناسی - انتقادی به وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور، دغدغهی خیر و صلاح ملت، کشور، انقلاب و نظام را دارد. به خوشبختی و سعادت جامعهی ایرانی فکر می کند. دلسوزانه اهداف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را رصد کرده و مدنظر دارد. فارغ از حب و بغض های سیاسی و جناحی به مصالح و منافع ملی می اندیشد. آزاداندیش، حق جو و حقیقت بین است و سعی و تلاش دارد همچون پژوهشگری واقع گرا، منصف و بی طرف، حقایق و واقعیت های سیاسی - اجتماعی را جهت روشنگری و بهینه سازی فضا و عرصه ی سیاسی کشور گزارش کند.

راقم این سطور از دور دستی بر آتش نداشته، از ۱۷ سالگی وارد عرصه ی انقلاب شده، عمر و جوانی اش را در این راه سپری کرده و لذا بدین لحاظ، انگیزه، عشق، دلسوزی و علاقمندی وافر و زایدالوصفی نسبت به شکوفایی، ثمرات و دستاوردهای انقلاب و نظام دارد، نمی تواند با بی تفاوتی و بی رغبتی شاهد کم و کاستی های اجتماعی جامعه باشد، ناملائمت ها و ناکامی ها را تحمل کند، آسیب ها و تهدیدها را ببیند و دم نزند، به قول دکتر علی مطهری نایب رئیس مجلس: «اگر بینم ظلمی شده و نگویم خفه می شوم.»

شاید برای خواننده و هر کس دیگری این سؤالات پیش بیاید که چرا از روحانی و دولت تدبیر و امیدش دفاع می کنیم؟ فلسفه ی این دفاع چیست؟ از کجا بفهمیم که روحانی، واجد شرایط و گزینه ی برتر است و یا خیرالموجودین است؟ اول از همه، من نوعی به عنوان محقق، جامعه شناس، هوادار، مبلغ، رأی دهنده و... باید خواسته ها و مطالبات خودم را بشناسم، چه توقعاتی دارم، چه می خواهم، از اسلام، انقلاب و نظام چه شناخت و توقعاتی دارم. به طور مثال، شخصیت هایی مثل شهید مطهری، شهید بهشتی و هاشمی رفسنجانی معتقدند که باید مکاتب دینی و سیاسی را

به نحو کاملاً شفاف و روشن و در کمال آزادی برای جوانان و دانشجویان مطرح و تشریح کنیم تا آنان خودشان، آزادانه انتخاب کنند در مقابل؛ کسانی هم هستند که معتقدند باید مردم را به زور و چماق وارد بهشت کنیم! می‌بینید که تفاوت از کجا تا به کجاست! پس، من چه گزینه‌ای را برای ریاست جمهوری و مجلس انتخاب می‌کنم، بستگی به این دارد که چه بینش و خواسته‌هایی دارم.

در مرحله‌ی دوم، یک نگاه اجمالی به تاریخ قبل از انقلاب، مردم چه وضعی داشتند، وضعیت دین چگونه بود، و چرا مردم انقلاب کردند، در هر صورت، شناختی به دست خواهد آمد که البته تفاوت نظر وجود دارد. مثلاً برخی معتقدند ما که برای شکم و اقتصاد، انقلاب نکردیم! صرفاً برای اسلام بود، برخی اقتصاد و زندگی را از دین جدا نمی‌دانند که در حقیقت، همین‌گونه است. نکته مهم این که، این اختلاف نظرات و دیدگاه‌ها در کم و کیف انتخابات افراد، دقیقاً تأثیرگذار است که شخص را به طرف کدام گزینه سوق دهد. در مرحله‌ی سوم، شناختی از روند انتخابات ریاست جمهوری از آغاز انقلاب تاکنون، عملکردها و مقایسه‌ی دولت‌ها داشته باشد و در مرحله‌ی چهارم، شناخت اهداف و افکار احزاب، جناح‌ها، جریان‌های سیاسی که چه نقش‌هایی در انتخابات دارند و در مرحله‌ی پنجم، مقایسه و تطبیق بین دو دولت حال و قبل - یعنی مقایسه‌ی دولت دهم با یازدهم که می‌تواند شناخت خوبی به انتخاب‌کننده بدهد و در مرحله‌ی ششم، شناخت نیازها، مطالبات و خواسته‌های مردم و به عبارتی، اقتضائات و شرایط اجتماعی - سیاسی عصر و زمان و نهایتاً در مرحله‌ی هفتم - شناخت خود کاندیدها و نامزدهای انتخابات که چه ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی دارند، آیا می‌توانند پاسخگوی خواسته‌های زمان و عصر کنونی باشند. بنابراین، باید با عبور و طی این مراحل فوق‌الذکر و وسواس و دقت و موشکافی به گزینه‌ی مطلوب رسید که نگارنده با توجه به بضاعت ناچیز علمی - پژوهشی، بررسی‌ها، ارزیابی‌ها و تحقیقات چندین ساله‌ی خود به دور از هرگونه تعصب و

سوگیری‌های سیاسی و جناحی، امروز به دکتر حسن روحانی رسیده است. روحانی از ذخائر و سرمایه‌های ملی، شخصیتی جامع‌الاطراف و ظرفیتی استراتژیک است. گذشته، سوابق کاری، کارآمدی، تجربه، افکار و اندیشه‌ی او، امروز پیش چشم ماست، هندوانه‌ی سر بسته نیست که معلوم نباشد چه در بیاید. (مقاله‌ی اصالت روحانی در متن کتاب) روحانی، دولت را به ریل اصلی‌اش بازگرداند و امید اجتماعی را به جامعه تزریق کرد. در مذاکرات هسته‌ای، شاهکار کرد که آیندگان و تاریخ به درستی قضاوت خواهند کرد. در برجام سه هدف مهم و استراتژیک تأمین شد که عبارتند از ایران هراسی، که تقریباً از بین رفت که ایران دیگر، تهدید منطقه و جهان نیست. ثابت کرد که قطعنامه‌ها، غیرقانونی، ناصواب و تحمیلی بوده است و نهایتاً حق غنی‌سازی هسته‌ای به رسمیت شناخته شد و با این کار، سایه‌ی جنگ تحمیلی ویرانگر دیگری را نیز از سر ایران کوتاه کرد.

به نظر می‌رسد که برخی از مخالفین دولت با تشکیل جمعیت‌ها و دستجات سیاسی - انتخاباتی خلق‌الساعه در آستانه‌ی انتخابات، در صدد «قطبی کردن انتخابات» هستند. بنا به هشدارهای آسیب‌شناسان سیاسی و خصوصاً تأکیدات مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری، باید از قطبی کردن فضای انتخابات، حتی‌المقدور، پرهیز و جلوگیری کرد.

با تحلیل واقع بینانه‌ی اوضاع سیاسی، روحانی رقیب سرسختی در انتخابات پیش رو نخواهد داشت و آرای بالایی را از آن خودش خواهد کرد. گفتمان عقلانیت و اعتدالگرایی او؛ گفتمان غالب خواهد شد. در کنار اصلاح‌طلبان، معتدلین و مستقلین، اصول‌گرایان معتدل نیز از وی حمایت خواهند کرد. روحانی، کاندیدای ائتلاف آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی، حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری، دکتر محمدرضا عارف، دکتر علی لاریجانی، دکتر علی مطهری و بیت معظم امام - خصوصاً آیت‌الله حسن خمینی و به عبارتی، کاندیدای ائتلاف نانوشت‌هی خردورزان و عقلای کشور با پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان

و اعتدال‌گرایان خواهد بود.

روحانی، ظرفیت و قابلیت‌های متنوعی دارد. دولت وی، نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران اسلامی است که نظام را به ریل توسعه بازگرداند. دو خاستگاه و شخصیت حوزوی و دانشگاهی دارد، رفتارش خردمندانه است و خوب سخن می‌گوید، اعتدال‌گرایی او، امروز رسمیت یافته و تثبیت شده است. میانه‌روی و خردورزی او برای آحاد جامعه، جاذبه دارد. تندروری‌ها و افراط‌کاری‌ها را برنمی‌تابد. به جذب حداکثری و دفع حداقلی، توجهی خاص دارد. به وحدت و انسجام ملی تأکید مؤکد دارد. منطق برد-برد و تعامل سازنده‌ی او با منطقه و دنیا، کلیدواژه‌ی موفقیت و رمز مجاب‌کننده اوست.

برخی در صدد تک دوره‌ای کردن ریاست جمهوری با حذف روحانی برآمده‌اند! اگر این عده به فکر ملت، کشور، منافع و مصالح ملی ایران هستند باید بدانند که با حذف او خصوصا در این دوره، کشور و ملت متضرر خواهند شد. یک دوره‌ی چهار ساله، برای ارزیابی یک رییس جمهور، وقت و فرصت زیادی نیست، با توجه به اینکه اصطلاحا دولت آماده و رو به راهی را نیز تحویل نگرفته بود. دولت یازدهم الان تجربه‌ی بازسازی دارد و کسی که مسیر را بازسازی کرده، مسلما با اطمینان بیشتری خواهد رفت و بنابراین، ترمیم به جای تعویض، تأثیرات مثبت‌تری خواهد داشت و اگر عقلای قوم، سران احزاب و جناح‌های سیاسی، نیک بنگرند و توجه به مصالح ملی داشته باشند روحانی می‌تواند در این شرایط کشور، عامل وحدت و محور تجمع احزاب و جناح‌ها باشد. اگر غیر از روحانی، شخص دیگری، سکان اجرایی را به عهده بگیرد معلوم نیست که امور جاری و نیمه‌کاره را به اتمام برساند و تکمیل کند و از این منظر است که کشور و ملت خسران خواهند دید که این یقینا، به صلاح ملت و کشور نخواهد بود. بنابراین من‌حیث‌المجموع عقلانیت و مصالح ملی بر ماندن روحانی دلالت دارد؛ زیرا که او امروز سکه‌ی نقد بازار انتخابات است و وقتی که نقد هست؛ نسبه چرا؟!!

در پایان، امیدوارم اثر تبلیغی - سیاسی و فرهنگی حاضر تا حدودی بتواند نقش تبیینی، تحلیلی و روشنگری خود را ایفا نموده و در ستادهای انتخاباتی ریاست جمهوری، راهنما و کمک کار مبلغان و انتخاب کنندگان باشد و دولت عقلانی - اعتدالی تدبیر و امید حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی را در سایه پروردگار متعال و تحت توجهات حضرت ولی عصر و زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نایب برحقش - مقام معظم رهبری بیش از پیش، تقویت، تحکیم و استمرار ببخشد. والسلام.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار
آمین! یا رب العالمین!

منابع :

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب
۲. تنهایی حسین ابوالحسن، در آمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی (قسمت دوم)، نشر مرندیز، چاپ سوم ۱۳۷۷، مصص ۳۱۱-۳۱۲
۳. تقوی دامغانی سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل ۱۳۷۸ ص ۵۷
۴. شیرین پور مهدی، آسیب شناسی انتخابات مجلس، کرج: انتشارات پرهیب، ۱۳۹۴ ص ۱۱۴
۵. صوفی علی، روزنامه آرمان
۶. روزنامه طاعات، ۱۵ آذر ۹۵، یادداشت «مقابله هوشمندانه» فتح الله آملی
۷. روزنامه جمهوری اسلامی
۸. صالحی امیری سید رضا، روزنامه ایران
۹. روزنامه اعتماد
۱۰. روزنامه جهان اقتصاد
۱۱. روزنامه شرق
۱۲. روزنامه ابرار اقتصادی
۱۳. سایت فرارو،
۱۴. سایت شهدای ایران
۱۵. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری
۱۶. خبرنامه دانشجویان ایران،
۱۷. ایرنا، پایگاه خبری بولتن نیوز،
۱۸. رسانه خبری-تحلیلی گفت و گو نیوز،
۱۹. سایت خوان روزنامه دنیای اقتصاد ،
۲۰. پایگاه خبری تحلیلی صراط،
۲۱. سایت آفتاب نیوز،
۲۲. سایت خبری تحلیلی الف،
۲۳. سایت فرهنگ نیوز،
۲۴. خبرگزاری ایبنا،
۲۵. سایت صدف نیوز

۲۶. خبرگزاری فارس
۲۷. سایت دیدبان.
۲۸. خبرگزاری مهر،
۲۹. پایگاه خبری آفتاب
۳۰. سایت تی نیوز،
۳۱. پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین،
۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی،
۳۳. سایت عصر ایران،
۳۴. خبرگزاری فارس،
۳۵. سایت خبر آنلاین،
۳۶. پایگاه خبری تحلیلی نسیم قاین،
۳۷. سایت خبری تحلیلی ساعت ۲۴
۳۸. سایت صدف،
۳۹. خبرگزاری ایسنا،
۴۰. پایگاه خبری تحلیلی اعتدال،
۴۱. خبرگزاری تسنیم.
۴۲. سایت فریادگر،
۴۳. ایرنا،
۴۴. سایت ۷ صبح، خبرگزاری مهر،
۴۵. سایت انتخاب،
۴۶. سایت خبری تحلیلی صدای ایران
۴۷. باشگاه خبرنگاران جوان،
۴۸. خبرگزاری دانشجو
۴۹. سایت آبخار نیوز
۵۰. پایگاه اطلاع رسانی دکتر علی مطهری
۵۱. پایگاه تحلیلی - اطلاع رسانی عماریون
۵۲. پایگاه خبری - تحلیلی مستقل ایران
۵۳. خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی، آنا
۵۴. سایت صبح بخیر
۵۵. روزنامه الکترونیکی امید ایرانیان
۵۶. سایت رویداد

- ۵۷.سایت زیریوار خبر
- ۵۸.سایت جماران
- ۵۹.سایت خلیج فارس
- ۶۰.سایت جام جم آنلاین
- ۶۱.سایت شهر
- ۶۲.سایت برترین ها
- ۶۳.سایت فیدوس
- ۶۴.سایت روزنامه قانون
- ۶۵.سایت شفاف
- ۶۶.سایت فردا نیوز
- ۶۷.سایت روزنامه همشهری آنلاین.
- ۶۸.سایت اصلاح نیوز.
- ۶۹.پایگاه تحلیلی خبری نامه.